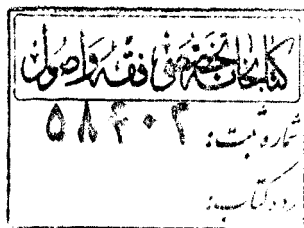


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# حقوق جنین و سقط آن



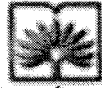
تالیف:

دکتر عبدالجبار زرگوش نسب

عضو هیأت علمی دانشگاه ایلام



انتشارات موجک



نشریات موسیجک

سرشناسه : زرگوش نسب، عبدالجبار، ۱۳۳۶ -  
عنوان و نام پدیدآور : حقوق جنین و سقط آن / تألیف دکتر عبدالجبار زرگوش نسب.  
مشخصات نشر : تهران: انتشارات موجک، ۱۳۹۵.  
مشخصات ظاهری : ۱۰۶ ص؛ وزیری.  
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۳۴-۳۵-۵ : ۱۱۲۵۸۸۸  
وضعیت فهرست نویسی: فیا  
موضوع : سقط جنین عمدی (فقه)  
موضوع : Abortion (Islamic law):  
موضوع : سقط جنین عمدی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام  
موضوع : Abortion -- Religious aspects -- Islam :  
رده بندی کنگره : BP ۱۹۸ / ۶ / س ۷ ز ۴ ۱۳۹۵:  
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۶:  
شماره کتابشناسی ملی : ۴۴۹۹۱۳۶:

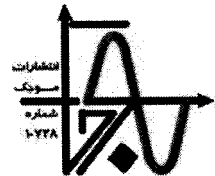
انتشارات موجک

تلگرام: ۰۹۰۱۷۶۷۲۵۰۲ کانال: telegram.me/mojak1

تلفن مرکز پخش: ۰۲۶۳۲۲۳۲۰۹۱ - ۰۲۱۶۶۱۲۷۵۹۳

Email : mojakpublication@yahoo.com

Web : www.mojak.ir



عنوان : حقوق جنین و سقط آن  
تألیف : دکتر عبدالجبار زرگوش نسب  
طراح جلد : سیده زهرا روشنایی  
ویراستار ادبی: فاطمه رضازاده قاضیانی  
مشخصات ظاهری : ۱۰۶ صفحه، قطع وزیری  
چاپ اول : پاییز ۱۳۹۵  
تیراژ : ۱۰۰۰ جلد - قیمت : ۱۱۲۵۸۸۸  
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۳۴-۳۵-۵  
حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

# فهرست مطالب

| صفحه    | عنوان                                                                |
|---------|----------------------------------------------------------------------|
| ۱.....  | مقدمه                                                                |
| ۵.....  | فصل اول: مفهوم شناسی و مراحل شکل گیری جنین از منظر قرآن و روایات     |
| ۵.....  | جنین                                                                 |
| ۵.....  | اجهاض                                                                |
| ۶.....  | اجهاض در اصطلاح                                                      |
| ۶.....  | مراحل شکل گیری جنین از منظر قرآن کریم                                |
| ۹.....  | مراحل خلقت جنین در روایات                                            |
| ۱۱..... | مدت مراحل شکل گیری جنین در روایات                                    |
| ۱۱..... | مدت مراحل خلقت جنین در روایات شیعه                                   |
| ۱۳..... | مدت مراحل خلقت و شکل گیری جنین در روایات اهل تسنن                    |
| ۱۵..... | شکل گیری جنین از نظر جنین شناسی                                      |
| ۱۷..... | فصل دوم: حقوق مادی و معنوی جنین و احکام شرعی مرتب بر سقط شده و مادرش |
| ۱۷..... | مقدمه                                                                |
| ۱۸..... | حقوق مادی جنین                                                       |
| ۱۸..... | الف- ارث بردن                                                        |
| ۲۱..... | ب- نفقه جنین                                                         |
| ۲۲..... | ج- وصیت برای جنین                                                    |
| ۲۴..... | د- وقف بر جنین                                                       |

|                                                             |    |
|-------------------------------------------------------------|----|
| هـ- هبه به جنین .....                                       | ۲۵ |
| و- حق شفعه .....                                            | ۲۶ |
| حقوق معنوی جنین .....                                       | ۲۶ |
| الف-وظیفه مادر در برابر حفظ و سلامت جنین .....              | ۲۶ |
| ب- تأخیر انداختن اجرای حد زن باردار .....                   | ۲۸ |
| ج- جواز روزه خواری زن باردار .....                          | ۲۸ |
| د- حق نسب و حلال‌زادگی .....                                | ۲۹ |
| هـ- حق حیات جنین .....                                      | ۳۰ |
| احکام شرعی جنین سقط شده و مادر او .....                     | ۳۰ |
| سپری شدن عده زن مطلقه .....                                 | ۳۰ |
| ترتیب احکام نفاس بر زنی که سقط کرده .....                   | ۳۱ |
| غسل، کفن و دفن جنین سقط شده و نماز بر او .....              | ۳۲ |
| <br>فصل سوم: سقط جنین از دیدگاه قرآن، سنت، عقل و فقها ..... | ۳۵ |
| سقط جنین از دیدگاه قرآن .....                               | ۳۵ |
| اسقاط جنین از منظر سنت .....                                | ۳۷ |
| سقط جنین از دیدگاه عقل و بنای عقلا .....                    | ۳۸ |
| سقط جنین از دیدگاه فقها و علمای مذاهب اسلامی .....          | ۳۹ |
| سقط جنین هنگام تهدید جان زن باردار .....                    | ۴۱ |
| ۱. آراء و نظرات فقهای شیعه .....                            | ۴۱ |
| ۲. آراء و نظرات علمای اهل تسنن .....                        | ۴۸ |
| اسقاط جنین هنگام تهدید جان مادر و جنین .....                | ۴۹ |
| ۱. آراء و مستندات فقهای شیعه .....                          | ۴۹ |
| ۲. آراء علمای اهل تسنن .....                                | ۵۰ |
| اسقاط جنین نامشروع .....                                    | ۵۱ |

|         |                                                                    |
|---------|--------------------------------------------------------------------|
| ۵۱..... | ۱. آراء و مستندات فقهای شیعه                                       |
| ۵۳..... | ۲. آراء و مستندات علمای اهل تسنن                                   |
| ۵۴..... | سقط جنین در صورت تجاوز با اکراه                                    |
| ۵۴..... | سقط جنین به خاطر ناقص الخلقه بودن جنین، یا بیماری های ارثی و واگیر |
| ۵۵..... | ۱. نظرات فقهای شیعه                                                |
| ۵۸..... | ۲. آراء علمای اهل تسنن                                             |
| ۵۹..... | سقط جنین به خاطر کنترل جمعیت و مشکلات اقتصادی                      |
| ۶۰..... | اسقاط جنین قبل از دمیدن روح در صورت وجود عذر، ضرورت و عسر و حرج    |
| ۶۰..... | ۱. آرای فقهای شیعه                                                 |
| ۶۱..... | ۲. آراء علمای اهل سنت                                              |
| ۶۲..... | سقط جنین بدون عذر و ضرورت                                          |
| ۶۳..... | سقط درمانی                                                         |
| ۶۵..... | دستور العمل اجرایی قانون سقط جنین درمانی                           |
| ۶۵..... | الف- تعریف عناوین مطرح در قانون                                    |
| ۶۶..... | ب- مراحل بررسی و صدور مجوز سقط جنین درمانی                         |

|         |                                       |
|---------|---------------------------------------|
| ۶۹..... | فصل چهارم: مجازات سقط جنین            |
| ۶۹..... | مجازات سقط جنین - قصاص                |
| ۷۱..... | نقد و بررسی قول به قصاص               |
| ۷۴..... | مجازات سقط جنین - دیه                 |
| ۷۵..... | روایات دیه                            |
| ۸۰..... | مفاد روایات فوق از نظر صاحب جواهر     |
| ۸۷..... | مسئولیت پزشک                          |
| ۸۹..... | جنایت بر جنین بین عمد، شبه عمد، و خطا |
| ۹۱..... | شروط جنایت بر جنین                    |

- ۹۲..... مسئول پرداخت دیه جنین سقط شده
- ۹۲..... دیه جنین اهل کتاب
- ۹۳..... کیفر و مجازات سقط جنین - کفاره
- ۹۴..... تحلیل و جمع بندی نهایی
- ۱۰۱..... منابع



## مقدمه

در این کتاب حقوق مادی و معنوی جنین و احکام شرعی سقط جنین و آثار مترتب بر آن از دیدگاه مذاهب اسلامی اعم از شیعه و اهل تسنن تبیین گردیده است.

انگیزه‌های متعدد سقط (کورتاژ) مورد توجه قرار گرفته، از جمله سقط جنین به خاطر پنهان کردن عمل زشت زنا و حفظ آبروی خانواده، یا به انگیزه نجات دادن مادر در صورتی که ادامه حاملگی حیات مادر یا حیات جنین و مادر را تهدید کند، یا به خاطر پیشگیری از انتقال بیماری‌های خونی مانند بیماران هموفیلی، یا به انگیزه رهایی از به وجود آمدن کودک ناقص‌الخلقه، و یا به انگیزه پیشگیری از سرایت صفات ارثی و...

بعضی از فقها گفته‌اند اگر اجازه به سقط جنین بدهیم باید علل و ضروری بودن سقط جنین حتما ثابت شود و منفعت و سود آن بیشتر از ضرری باشد که منجر به ممنوعیت آن می‌شود، و باید مدت سپری شدن بارداری و دمیدن روح در جنین مورد توجه قرار بگیرد. برخی از فقهاء گفته‌اند دمیدن روح بعد از (۱۲۰) صد و بیست روز از بسته شدن نطفه است و سقط جنین در این مدت جنایت به حساب نمی‌آید. نظر درست در سقط جنین این است که بعد از حلول روح حرام است، و البته بنا به نظر برخی از فقها قبل از حلول روح نیز حرام است و تا زمانی که با ابزارهای پیشرفته پزشکی به طور قطع و یقین ثابت نشود که در جنین عیوب وراثتی خطرناکی است و به خانواده‌اش سرایت می‌کند و یا اینکه حیات مادر را در معرض خطر جدی قرار می‌دهد اجازه‌ی سقط جنین داده نمی‌شود اما زمانی که یکی از این موارد ثابت شود می‌توان سقط جنین را انجام داد و اگر کورتاژ غیرقانونی باشد پزشکی که این عمل زیر نظر او انجام شده باید مورد بازخواست قرار گیرد. فقها در مباحث فقهی دیات، قصاص، حدود، وصیت، ارث، وقف و... به موضوع جنین و سقط آن پرداخته‌اند و پیرامون حکم آن قبل از دمیدن روح در آن و نیز بعد از آن، نظرات گوناگونی دارند.

بعضی از فقهای مذاهب اهل تسنن بر این اجماع نموده‌اند که اگر سقط بعد از سپری شدن (۱۲) روز از بسته شدن نطفه نباشد سقط جنین حساب نمی‌شود، آن‌ها حلول روح را در جنین در این مدت می‌دانند.

حنبل‌ها زمانی سقط جنینی را جنایت می‌دانند که جنین کاملاً به شکل انسان در بیاید. بعضی از علمای حنفیه و شافعیه سقط جنین قبل از دمیدن روح در آن را به هر دلیلی مباح دانسته‌اند، بعضی دیگر از فقهای حنفیه با وجود دلیلی قوی این کار را مباح می‌دانند. برخی از فقهای مالکی آن را حرام دانسته‌اند هر چند قبل از دمیدن روح در آن باشد و عده‌ای دیگر از فقهای همین مذهب سقط قبل از چهل روز را مکروه می‌دانند. بیشتر فقهای مذاهب اهل تسنن سقط بعد از دمیدن روح را در مواردی حرام نمی‌دانند که مصلحت باشد یا به عبارت دیگر بین بد و بدتر، بد را انتخاب کنند و آنچه ضروری‌تر و مهم‌تر می‌نماید را برگزینند.

فقهای امامیه نظرشان این است که بعد از بسته شدن نطفه سقط جنین انجام نشود، و برای مراحل مختلف آن (نطفه قرار گرفته در رحم، علقه، مضغه، عظام قبل از پوشاندن به گوشت و پس از آن، و بعد از دمیدن روح) در صورت سقط جنین، دیه تعیین کرده‌اند، و تنها به دلیل اینکه جنین ناقص‌الخلقه است و یا پس از تولد فقط مدت کوتاهی زنده می‌ماند و یا برای رهایی از جنین نامشروع، سقط جایز نمی‌شود، مگر اینکه زنده ماندن جنین برای مادر موجب زحمت طاقت‌فرسا و سختی شدید باشد که در این صورت قبل از دمیدن روح بنا به نظر بعضی از فقها سقط جایز است، اما بعد از دمیدن روح دیگر سقط را جایز نمی‌دانند، و در صورتی که ثابت شود که بین زندگی مادر و جنین باید یکی را انتخاب کرد باید آن چیزی که ارجح است و آنچه مصلحت است برگزیده شود. لذا از دیدگاه آن‌ها جنین دارای حقوقی است و آثاری بر آن مترتب می‌شود، و سقط آن مجازاتی دارد.

از آنجا که احکام شرعی برای سامان بخشیدن به زندگی مادی و معنوی بشریت صادر شده‌اند، و سقط جنین یکی از مسائلی است که مورد توجه جامعه قرار گرفته است. کتاب حاضر با هدف شناخت احکام سقط جنین، مجازات مترتب بر آن و حقوق جنین از دیدگاه مذاهب اسلامی صورت گرفته است.

با توجه به اینکه این موضوع به صورت مستقل و جداگانه در فقه شیعه مورد مطالعه و بررسی قرار نگرفته؛ بنابراین نیاز به دقت و تأمل و بررسی‌های زیادی دارد و با توجه به اینکه موضوع مورد بحث در کتاب‌های فقهی و حدیثی به صورت محدود بحث شده و هر کتاب فقهی و حدیثی از چند جلد تشکیل شده، لذا باید تمام این منابع در دست محقق باشد، فراهم کردن تمام این کتاب‌ها میسر نیست

مگر با مراجعه به کتابخانه‌های بزرگ و نسخه‌برداری از آن‌ها. یکی از دشواری‌های تحقیق موردنظر عدم دسترسی به برخی از احادیث منقول از معصومین علیهم‌السلام و عدم بیان صورت‌های گوناگون آن در روایات موجود می‌باشد؛ بنابراین بیان حکم قطعی در این زمینه دشوار است. پیرامون سقط جنین به طور پراکنده در کتاب‌های فقهی و حدیثی مذاهب اسلامی احکام و مطالبی مطرح شده است.

بدون تردید مسأله سقط جنین در عصر ما نظر عموم مردم را به خود متوجه کرده است، به خصوص سقط جنین نامشروع که در اثر زنا به وجود می‌آید، اعم از زنا به اکراه و با زور باشد یا در اثر رضایت طرفین، در چنین موردی آبرو و حفظ حیثیت زن و خانواده‌ی او در سقط جنین و رهایی از عواقب عمل زشت زنا نهفته است، بنابراین به دست آوردن حکم آن دارای اهمیت ویژه‌ای است. حکم سقط جنین (کورتاژ) با انگیزه‌های گوناگون آن، دارای ابهاماتی است و مشخص کردن آن ضروری و لازم است، ازجمله این انگیزه‌ها:

۱- نجات دادن مادر در صورتی که استمرار و ادامه بارداری، حیات مادر را تهدید کند و یا اینکه حیات هر دو (مادر و جنین) را به مخاطره بیندازد.

۲- پیشگیری از انتقال بیماری همسر و شوهر و یا بیماری یکی از آن دو به کودک، در صورتی که مبتلا به بیماری‌های خونی باشند و دارای ژن معیوب باشند مانند بیماران هموفیلی و در نتیجه ناقل بیماری به فرزندان خود هستند.

۳- رهایی از به وجود آمدن کودک ناقص‌الخلقه با تشخیص قطعی پزشکان.

۴- رهایی از سرایت صفات ارثی.

۵- سقط جنین به انگیزه محافظت بر طراوت و شکل ظاهری بدن زن.

بنابراین ضرورت دارد ابهاماتی که در موضوع مطرح شده، با دلیل بررسی شود و لازم است حقوق و آثار مترتب بر سقط جنین تعیین و روشن گردد.

شناخت حقوق جنین و حکم شرعی سقط جنین و مشروعیت و یا عدم مشروعیت آن و در کدام مرحله از بارداری و با چه شرایط و ملاکی جایز و یا حرام است، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است چراکه جامعه کنونی بیش از پیش به آن مبتلا است و نیز شناخت آثار و ضمانت مترتب بر سقط جنین در صورت

عدم جواز مانند عمل کورتاژ توسط پزشک دارای اهمیت ویژه‌ای است، بنابراین اهداف این تحقیق در امور ذیل خلاصه می‌شود:

- ۱- شناخت آثار مترتب بر سقط جنین از دیدگاه مذاهب اسلامی اعم از شیعه و اهل تسنن.
- ۲- بررسی حکم سقط جنین از منظر قرآن کریم.
- ۳- بررسی حکم سقط جنین از منظر سنت.
- ۴- بررسی حکم سقط جنین از دیدگاه مذاهب چهارگانه اهل تسنن.
- ۵- بررسی حکم جنین از دیدگاه شیعه.
- ۶- بررسی مجازات سقط جنین و حقوق آن.

نویسنده در این کتاب در صدد پاسخ دهی به سؤالات زیر می‌باشد:

- ۱- در چه مواردی سقط جنین از دیدگاه فقهای مذاهب اسلامی جایز است؟
- ۲- در چه مواردی سقط جنین از منظر فقهای مذاهب اسلامی حرام است؟
- ۳- آیا قرآن کریم بر حرمت سقط جنین دلالت دارد؟
- ۴- آیا روایات فریقین بر حرام بودن سقط جنین دلالت دارند؟
- ۵- حکم عقل و بنای عقلا نسبت به سقط جنین چگونه است؟
- ۶- مجازات مراحل سقط جنین چیست؟
- ۷- جنین از منظر فقه چه حقوقی دارد؟
- ۸- چه احکامی از نظرفقه اسلامی به جنین سقط شده و مادرش تعلق می‌گیرد؟

## فصل اول

### مفهوم‌شناسی و مراحل شکل‌گیری جنین

#### از منظر قرآن و روایات

##### جنین

در لغت عبارت است از هر چیز پوشیده و پنهان می‌باشد و کودک را به سبب آن که در شکم مادر پنهان و پوشیده است، جنین نامیده‌اند. فیومی گفته: «جنین وصفی برای او است تا زمانی که در شکم مادرش است، و جمع آن اجنه است مانند دلیل و ادله، گفته شده جنین نامیده شده به خاطر استتار و پوشاندنش فیومی، مصباح‌المنیر، ۱۹۲۹ م، ج ۱، ص ۱۳۸) وجه تسمیه این موجود به جنین که از اجتنان به معنی مستور بودن مشتق شده است، آن است که این موجود در شکم پنهان شده است (جبعی

عاملی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ۱۳۹۶ ق، ج ۱۰، ص ۲۸۹)

سید محمد کلاتر در حاشیه لمعه فرموده: جنین بر وزن فعل است به معنای اسم مفعول یعنی مجنون به معنی مستور زیرا جنین در شکم مستور و پنهان است، و به این معنی آیه کریمه است: فلما جنّ علیه‌اللیل... یعنی هنگامی که شب او را مستور و مخفی کرد (همان) به جنین حمل نیز گفته می‌شود زیرا به منزله باری است که مادر حمل می‌کند. در عربی به سقط جنین اجهاض و در انگلیسی (abortion) گفته می‌شود.

##### اجهاض

یعنی اسقاط و سقط کردن جنین، در مصباح‌المنیر آمده: «اجهضت المرأة ولدها اجهاضاً اسقطته ناقص‌الخلق، فهي جهیض و مجهضه بالهاء وقد تحذف و الاجهاض بالكسر اسم منه؛ یعنی زن فرزندش را به صورت ناقص‌الخلقه سقط کرده و به زن گفته می‌شود جهیض و مجهضه باهاء و گاهی هاء

حذف می شود، و جهاز (با جیم مکسور) اسم مصدر اجهاض است» (جبعی عاملی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ۱۳۹۶ ق، ج ۱۰، ص ۱۳۹).

### اجهاض در اصطلاح

عبارت است از سقط جنین مرده یا زنده قبل از اینکه مدت بارداری پایان یابد و زنده نماند، ولی بعضی از اعضاء آشکار گردد خواه سقط به وسیله استفاده از دارو باشد یا از غیر دارو و در اثر کار دیگری» (ابن نجیم، البحر الرائق، ۱۳۱۱ ق، ج ۸، ص ۳۸۹).

**غره:** دیه ی جنین سقط شده که عبارت از عبد یا امة مرغوبی است قیمتش یک دهم دیه ی کامل یعنی صد دینار است. البته با توجه به تفاوت قیمت عبد و امة، مقدار آن مختلف است بعضی گفته اند نصف یک دهم دیه است انصاری قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۱۹۸۵ م، ج ۱۲، ص ۱۰) در روایتی آمده: غره زیاد و کم می شود ولی قیمتش پانصد درهم است (طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۹۶۲ م، ج ۱۰، ص ۲۸۸) در روایتی دیگر قیمتش پنجاه دینار دانسته است (کلینی رازی، الفروع من الکافی، ۱۳۶۲ ش، ج ۷، ص ۳۴۶).

### مراحل شکل گیری جنین از منظر قرآن کریم

قرآن کریم در سوره ی حج و المؤمنون مراحل خلقت و شکل گیری جنین و حیات آن را بیان نموده است، این مراحل عبارتند از: نطفه که در رحم مستقر شده، علقه که خون بسته است، مضغه که به صورت گوشت درآمده است، استخوان (به صورت استخوان درآمده و هنوز گوشت نرویده است)، به صورت گوشت و استخوان بندی آن تمام شده قبل از دمیدن روح در آن، وبعد از حلول روح در آن. البته منظور از جنین در این بحث از زمان بسته شدن نطفه است.

خداوند متعال در سوره المؤمنون فرموده: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ، ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ، ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً، فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَبَارَكُ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ.» (سوره مؤمنون، آیه ۱۴-۱۲).

ترجمه: ما انسان را از گل خالص آفریدیم، و او را به صورت نطفه ای در قرارگاهی استوار کردیم، پس نطفه را به علقه تبدیل کردیم وبعد علقه را به مضغه، آنگاه مضغه را استخوان ها گردانیدیم، سپس

بر استخوان‌ها پرده‌ی گوشت کشیدیم و با آفرینش دیگر به آن موجودیت بخشیدیم، پاک و بزرگوار خدایی که نیکوترین آفرینندگان است.

و در سوره حج فرموده: «فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقَرِّ فِي الْأَرْحَامِ مَآئِشَاءَ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلاً ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ» (سوره حج، آیه ۵).

ترجمه: ما شما را از خاک آفریدیم، پس آنگاه از نطفه پس از علقه (خون بسته) پس از مضغه شکل‌یافته و شکل‌نیافته، تا اینکه برای شما آشکار و بیان کنیم، و جنین‌هایی را که بخواهیم تا زمانی معین در رحم مادران نگه می‌داریم، آنگاه شما را به صورت طفلی برون آوردیم تا به حد رشد و بلوغ برسید.

قرطبی گفته: «فراء گفته مخلقه یعنی: جنینی که خلقتش کامل است، و غیرمخلقه یعنی سقط شده (که خلقتش کامل نشده) ابن اعرابی گفته: مخلقه یعنی آفرینش او آغاز شده، و غیرمخلقه یعنی شکل و هیئت به‌خود نگرفته، ابن زید گفته: مخلقه یعنی جنینی که خداوند سر، دو دست و دو پای او را آفریده، و غیرمخلقه آن است که چیزی از آن خلقت نشده، ابن عربی گفته: اگر به اصل اشتقاق لغوی آن مراجعه کنیم، نطفه، علقه، و مضغه مخلقه (خلق شده) هستند، زیرا تمام این‌ها مخلوق خدا هستند، و اگر شکل و هیئت آن را که پایان آفرینش خلقت است، چنانچه خداوند فرموده «ثم انشأناه خلقاً آخر» این همان است که ابن زید گفته. اما من می‌گویم: تخلیق از خلق گرفته شده و در آن معنای کثرت و زیادت است، هر چه که مراحل را سپری کند خلق شده بعد از خلق شدنی، و اگر نطفه باشد او مخلوق است؛ لذا خداوند متعال فرموده: «ثم انشأناه خلقاً آخر» و گفته شده: مخلقه و غیرمخلقه به خود نوزاد برمی‌گردد نه به جنین سقط شده. ابن عباس گفته مخلقه یعنی زنده است و غیرمخلقه سقط شده است، شاعر گفته: أفي غير المخلقة البكاء فاین الحزم و يحكم و الحياء، یعنی آیا برای جنین سقط شده که کامل نشده گریه می‌کنید وای بر تو پس استواری، استقامت و حیا کجا است». (انصاری قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۱۹۸۵م، ج ۱۲، ۹).

مفسرین قرآن کریم درباره «ثم انشأناه خلقاً آخر» گفته‌اند عبارت است از: دمیدن روح بعد از تکمیل خلقت و شکل‌گیری جنین است (ابن کثیر، تفسیر ابن کثیر، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۴۶۶؛ طبری، تفسیر

طبری، (۱۳۸۸ق، ج ۱۸، ص ۱۱) صاحب جواهر الکلام فرموده: «منظور از خلقاً آخر روح است» (نجفی، جواهر الکلام، ۱۴۰۴ق، ج ۴۲، ص ۳۵۶).

قرطبی گفته: (در مورد خلقاً آخر در ثم أنشأناه خلقاً آخر) علما اختلاف نموده‌اند، ابن عباس، شعبی، ابوعلیه، ضحاک و ابن زید گفته‌اند عبارت است از نفخ روح بعد از اینکه جماد بود، ابن عباس نیز گفته یعنی ورودش به دنیا (متولد شدن) است» (انصاری قرطبی، همان، ج ۱۲، ص ۱۰۹).  
و منظور از «قرار (به معنای جای استقرار) رحم است».

(از مخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ق ۱۹۸۷م، ج ۳، ص ۷۸) و در سوره السجده آمده: «الذی أحسن کل شیء خلقه و بدأ خلق الانسان من طین، ثم جعل نسله من سلاله من ماء مهین، ثم سواه و نفخ فیہ من روحه» (سوره سجده، آیه ۷، ۸، ۹).

ترجمه: آن که هر چیز را نیکو آفرید و آفرینش آدمیان را از گل آغازید، سپس نسل او را از عصاره آب ناچیز به وجود آورد، آنگاه اندام او را متوازن ساخت پس از روح خود در او دمید.  
منظور از سواه در آیه، توازن و هماهنگ ساختن اعضا و اندام است، یعنی کامل شدن شکل ظاهری بدن انسان که قبل از دمیدن روح است.

چنان که گذشت، قرآن کریم شکل‌گیری جنین و خلقت آن را نطفه، علقه، مضغه، عظام، لحم (رویدن گوشت بر استخوان)، و دمیدن روح بیان کرده، آفرینش استخوان‌ها قبل از رویدن گوشت و عضلات به پایان می‌رسد، توازن و هماهنگی اعضای بدن قبل از دمیده شدن روح است.

آلوسی در روح المعانی گفته: «ثم سواه یعنی آن را هماهنگ و تعدیل کرد با کامل کردن اعضایش در رحم، و تسویه در لغت یعنی قرار دادن اجزاء متساوی» (آلوسی، روح المعانی، ۱۹۴۴م، ص ۱۲۱).  
منظور از دمیدن روح، روح و حیات انسانی است نه حیات نباتی و حیوانی چنانچه که فلاسفه برای حیات سه مرحله قائلند حیات نباتی، حیوانی و انسانی، حیات نباتی نیاز به غذا، تنفس و... دارد، حیات حیوانی علاوه بر امور نباتی دارای احساس و حرکت اختیاری می‌باشد (ابن سینا، القانون فی الطب، ج ۲، ص ۵۷۲-۵۷۴).

اما حیات انسانی علاوه بر احساس و حرکت قابلیت ادراک کلیات نیز دارد. به نظر فقها، حیات انسانی هنگام دمیدن روح آغاز می‌گردد، روح به جنین هویت انسانی می‌دهد نه مخ (ابن قیم، اعلام الموقعین، ۱۴۰۸ق، ص ۲۴۲؛ مرداوی، الانصاف، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۸۶۱).



و با توجه به اینکه روح انسانی پدیده‌ای غیرمادی است از توان و حیطه انسان خارج است. قرآن کریم فرموده: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» (سوره اسراء، آیه ۸۵).

ترجمه: و ترا از حقیقت روح می‌پرسند جواب ده که روح از امر خدا است آنچه از علم به شما داده شده بسیار اندک است.

بنابراین اینکه برخی از پزشکان معتقدند که جنین فاقد حیات نداریم و حتی اسپرم و تخمک قبل از لقاح نیز حیات دارند، با دمیدن روح بعد از تکامل شکل ظاهری جنین منافاتی ندارد؛ زیرا حیات قبل از دمیدن روح، حیات نباتی و حیوانی است.

آقای مصباح می‌فرماید: «اجمالاً از قرآن برمی‌آید که در آدمی، جز بدن چیزی بسیار شریف نیز وجود دارد، ولی مخلوق خدا است، نه جزئی از خدا و تا آن چیز شریف در انسان به وجود نیابد، آدمی؛ انسان نمی‌گردد و چون در حضرت آدم به وجود آمد، شأنی یافت که باید فرشتگان در برابر او خضوع کنند» (مصباح یزدی، معارف قرآن، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۳۵۸).

### مراحل خلقت جنین در روایات

در روایات مربوط به دیه، مراحل مختلف شکل‌گیری جنین ذکر شده است از جمله این روایات: (عن سعید بن المسيب، قال: سألت علي بن الحسين (ع) عن رجل ضرب امرأة حاملاً برجله فطرح ما في بطنها ميتاً، فقال: إن كان نطفةً فإنَّ عليه عشرين ديناراً، قلت فما حد النطفة؟ فقال هي التي وقعت في الرحم فاستقرت فيه أربعين يوماً، وإن طرحت و هو علقه فإنَّ عليه أربعين ديناراً، قلت، فما حد العلقه؟ قال: هي التي إذا وقعت في الرحم فاستقرت فيه ثمانين يوماً قال: وإن طرحت و هو مضغة فإنَّ عليه ستين ديناراً، قلت، فما حد المضغة؟ فقال: هي التي إذا وقعت في الرحم فاستقرت فيه مائة و عشرين يوماً، قال و إن طرحت و هو نسمه مخلقة له عظم و لحم مزيل الجوارح قد نفخت فيه روح العقل فإن عليه دية كاملة، قلت له أ رأيت تحوله في بطنها الى حال أ بروح كان ذلك أو بغير روح؟ قال: بروح عدا الحياة القديم المنقول في اصلااب الرجال و ارحام النساء و لو لا انه كان فيه روح عدا الحياة ما تحول عن حال بعد حال في الرحم و ما كان إذا على من يقتله دية و هو في تلك الحال) (کلینی رازی، الفروع من الکافی، ۱۳۶۲ش، ج ۷، ص ۳۴۷؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۳۸۲ق)

۱۹۶۲م، ج ۱۰، ص ۲۸۲) ترجمه: در روایتی از سعید بن مسیب آمده است (از امام سجاد(ع) در رابطه با مردی سؤال نمودم که زن بارداری را با لگد زده بود و در نتیجه جنین او به صورت مرده سقط شده بود، امام (ع) فرمودند: سقط او اگر نطفه بوده باشد، بیست دینار باید بدهد، گفتم: در چه زمانی نطفه است، فرمودند: پس از آن که چهل روز از استقرار آن در رحم بگذرد، و اما اگر علقه سقط کرده باشد بر او واجب است که چهل دینار بدهد، گفتم: در چه زمانی علقه است؟ فرمودند: پس از آن که (۸۰) روز از استقرار آن در رحم بگذرد، امام (ع) فرمودند: و اگر مضغه سقط کرده باشد، بر اوست که (۶۰) دینار بدهد، گفتم: در چه زمانی مضغه است؟ فرمودند: پس از آن که (۱۲۰) روز از استقرار آن در رحم بگذرد. امام (ع) فرمودند: و اگر جنین سقط شده در حالی که او انسانی (فردی) گردیده که گوشت و استخوان پیدا کرده و اعضا و جوارح آن متمایز شده و روح عقل در آن دمیده شده باشد بر او است دیه‌ی کامل بدهد، راوی می‌گوید: به حضرت عرض کردم: آیا حرکت جنین در شکم مادر به سبب وجود روح است یا خیر؟ امام فرمود: به سبب روح است، اما روحی غیر از آن حیات پیشین که در صلب مرد و رحم زن بوده، و اگر در جنین روحی غیر از حیات نباشد، در رحم هیچ حرکتی نخواهد کرد و در این حال، دیه‌ی کامل بر عهده قاتل او نخواهد بود.

این روایت دلالت دارد بر وجود حیات نباتی و سلولی قبل از دمیدن روح انسانی که از آن به روح عقل یاد شده است.

در روایتی دیگر از امام صادق(ع) نیز فرموده: «فی النطفة عشرون دیناراً، و فی العلقه اربعون دیناراً، و فی المضغة ستون دیناراً، و فی العظم ثمانون دیناراً، فاذا کسی اللحم فمائه دینار، ثم هی دیتة حتی یسهل، فاذا استهل فالديه کامله» (حرعاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۱ ق، ج ۱۹، ص ۲۳۸).

در این روایت مراحل مختلف جنین که در قرآن ذکر شده، به ترتیب نام برده شده است و برای هر مرحله دیه‌ای معین نموده است، برای نطفه بیست دینار، علقه چهل دینار، مضغه شصت دینار، و استخوان (عظم) هشتاد دینار، در صورتی که خلقت جسمانی کامل شود و گوشت استخوان‌ها را پوشاند صد دینار است، تا اینکه نوزاد به دنیا آید و گریه کند که در این صورت دیه کامل است.

### مدت مراحل شکل‌گیری جنین در روایات

مدت هر مرحله از مراحل خلقت و شکل‌گیری جنین در روایات اهل تسنن و تشیع مشخص شده، و مدت تعیین شده در روایات متفاوت است.

بعضی برای هر مرحله ۴۰ چهل روز، بعضی ۳۰ روز، و بعضی ۴۲ روز و...

### مدت مراحل خلقت جنین در روایات شیعه

یک دسته از این روایات مدت هر مرحله را چهل روز تعیین کرده، و دسته دیگر سی روز برای هر مرحله تعیین نموده است.

**دسته اول:** از جمله این روایات: معتبره ابن فضال از حسن بن جهم است که گفته: «سمعت أبا الحسن الرضا (ع) يقول: قال أبو جعفر (ع) ان النطفة تكون في الرحم أربعين يوماً، ثم تصير علقة أربعين يوماً، ثم تصير مضغة أربعين يوماً، فإذا اكمل أربعة أشهر بعث الله ملكين خلاقين» (کلینی رازی، الفروع من الکافی، ۱۳۶۲ ش، ج ۷، ص ۳۴۲).

در این روایت امام رضا (ع) از امام باقر (ع) نقل می‌کند که نطفه در رحم (۴۰) روز مستقر می‌باشد، پس در مدت (۴۰) روز علقه (خون بسته) می‌شود، سپس در چهل روز به مضغه (به صورت گوشت) تبدیل می‌شود، بعد از اینکه چهار ماه کامل سپری می‌شود خداوند متعال دو فرشته آفریننده بر آن مأمور می‌کند.

در صحیح زراه از امام باقر (ع) آمده: «... فتصل النطفة الى الرحم فتدرد فيه أربعين يوماً، ثم تصير علقة أربعين يوماً ثم تصير مضغة أربعين يوماً» (همان)

یعنی نطفه به رحم می‌رسد و چهل روز در رحم می‌ماند، پس از مدت چهل روز می‌شود علقه، و بعد از چهل روز دیگر می‌شود مضغه.

در روایتی دیگر از محمد بن مسلم گفته: (سألت أبا جعفر (ع) عن الرجل يضرب المرأة فتطرح النطفة، فقال عليه عشرون ديناراً، فقلت يضربها فتطرح العلقة، فقال عليه أربعون ديناراً، فقلت يضربها فتطرح المضغة؛ فقال عليه ستون ديناراً فقلت: فيضربها فتطرحه و قد صار له عظم، فقال: عليه الدية كاملة، و بهذا قضى أمير المؤمنين (ع)، فقلت: فما صفة النطفة التي تعرف بها؟ فقال، النطفة تكون بيضاء مثل النخامة الغليظة فتمكث في الرحم إذا صارت فيه أربعين يوماً، ثم تصير الى علقه، قلت فما صفة خلقه

العلقة التي تعرف بها؟ فقال: هي علقه كعلقه الدم المحجمه الجامده تمكث في الرحم بعد تحويلها عن النطفه أربعين يوماً، ثم تصير مضغه، فقلت: فما صفه المضغه و خلقتها التي تعرف بها؟ فقال: هي مضغه لحم حمراء فيها عروق خضر مشبكه، ثم تصير الى عظم، قلت فما صفه خلقته اذا كان عظماً؟ فقال: إذا كان عظماً شق له السمع و البصر و رتبت جوارحه، فإذا كان كذلك فأن فيه الديه كامله (حرعاملی، وسائل الشيعه، ج ۱۹، ص ۲۳۸ و ۲۳۹؛ کلینی رازی، الفروع من الکافی، ۱۳۶۲ ش، ج ۷، ص ۳۴۵).

ترجمه: محمد بن مسلم می گوید از امام باقر علیه السلام درباره مردی که زنی را می زند و زن نطفه را سقط می کند، سؤال کردم؛ امام فرمود بیست دینار بر آن مرد است، گفتم او را می زند و علقه را سقط می کند حضرت فرمود چهل دینار بر او است. سپس گفتم او را می زند و مضغه را سقط می کند، امام فرمود بر او شصت دینار است، گفتم او را می زند و زن جنین را درحالی که استخوان بندی شده سقط می کند، فرمود بر او ديه کامل است، و امیرالمؤمنین (ع) این طور قضاوت کرد، گفتم: صفات نطفه که به آن شناخته می شود چیست؟ امام فرمود: نطفه سفید است مانند خلط غلیظ در رحم باقی می ماند در صورتی که چهل روز در رحم بماند، سپس می شود علقه، گفتم صفت علقه که به آن شناخته شود چیست؟ امام فرمود مانند خون چسبان جامد جرم دار است که چهل روز در رحم می ماند بعد از اینکه از نطفه تغییر می کند، سپس می شود مضغه، گفتم صفت مضغه و خلقت او که به آن شناخته شود چیست؟ امام فرمود: مضغه گوشت سرخ است که در آن رگ های سبز به صورت چهارخانه هست، پس به صورت استخوان در می آید، گفتم صفت خلقت آن هنگامی که به استخوان در می آید چیست؟ فرمود هنگامی که استخوان است گوش و چشم برایش ایجاد می شود (شکافته می شود) و اعضایش مرتب و منظم می گردند، اگر به این صورت درآمد در آن ديه کامل است. در این روایات و روایاتی دیگر مدت هر مرحله ۴۰ روز بیان شده است.

**دسته دوم:** در این دسته از روایات مدت هر مرحله (۳۰) روز معین شده است.

از امام باقر (ع) روایت شده است که فرموده: «ان النطفه تكون في الرحم ثلاثين يوماً، و تكون علقه ثلاثين يوماً، و تكون مضغه ثلاثين يوماً و تكون مخلقه و غير مخلقه ثلاثين يوماً، فاذا تمت الاربعه أشهر بعث الله اليها ملكين خلاقين» (حرعاملی، وسائل الشيعه، ج ۴، باب ۶۴. این روایت از مبانی تکمله المنهاج مرحوم خوئی، ج ۲، ص ۴۰۴ نقل کرده ام ولی در وسائل الشيعه پیدا نشد).

یعنی نطفه در رحم (۳۰) سی روز مستقر است، مدت علقه نیز ۳۰ روز، مضغه نیز به مدت ۳۰ روز است، و شکل‌یافته و شکل‌نیافته ۳۰ روز است، هنگامی که چهار ماه (۱۲۰ روز) سپری می‌شود خداوند دو فرشته آفریننده بر آن مأمور می‌کند.

مرحوم خوئی می‌فرماید: «این روایت برخلاف آنچه که در آیه ۵ سوره حج آمده می‌باشد، خداوند در آیه فرموده: شما را از خاک آفریدیم پس آنگاه از نطفه، پس از علقه، سپس از مضغه شکل‌یافته و شکل‌نیافته: زیرا از آیه فهمیده می‌شود که مخلقه (یافته شده) و غیرمخلقه (نیافته شده) دو صفت برای مضغه هستند نه اینکه در مقابل مضغه باشند چنانچه در روایت ذکر شده، و منظور از آن‌ها (شکل‌یافته و شکل‌نیافته) خلقت کامل و خلقت غیرکامل است» (موسوی خوئی، مبانی تکملة المنهاج، ۱۳۹۶ق، ج ۲، ص ۴۰۴ و ۴۰۵).

مرحوم خوئی فرموده: «بنابر نظر مشهور فقها مدت هر مرحله (۴۰) روز است. ولی ابن ادریس حلی در السرائر مخالفت نموده و فاصله هر مرحله (۲۰) بیست روز دانسته است» (همان، ص ۴۰۳) و در جایی دیگر فرموده: (ابن ادریس در سرائر گفته جنین تا زمانی که در شکم مادر است در ابتدا نطفه است و بعد از قرار گرفتن نطفه در رحم به مدت بیست روز دیه آن بیست دینار است، بعد از بیست روز برای هر روز یک دینار است تا چهل روز که چهل دینار است، و این دیه علقه است این همان معنای سخن فقها است، و در بین هر دو مرحله همانند آن است (یعنی بین هر مرحله از مراحل بعدی بیست روز است) (همان، ص ۴۰۵).

### مدت مراحل خلقت و شکل‌گیری جنین در روایات اهل تسنن

عبدالله بن مسعود از پیامبر (ص) نقل کرده که فرمود: «ان احدکم یجمع خلقه فی بطن امه أربعین يوماً، ثم تكون علقه مثل ذلک، ثم تكون مضغه مثل ذلک، ثم یبعث الله ملکاً، فیؤمر بأربع، برزقه، وأجله وعمله، وشقی أوسعید، ثم ینفخ فیہ الروح» (بخاری، صحیح بخاری، ۱۴۰۲ق، ج ۱۱، ص ۴۷۷) (یعنی خلقت هریک از شما در شکم مادر در مدت چهل روز فراهم می‌شود، سپس مانند آن (چهل روز) علقه می‌شود. سپس مثل آن (در چهل روز) مضغه می‌شود، بعد از آن خداوند فرشته‌ای می‌فرستد و به چهار چیز دستور می‌دهد: روزی، أجل، عمل، شقاوت و یا سعادت‌مند بودن او، سپس روح در او

دمیده می‌شود. این روایت همانند روایات منقول از طرف شیعه مدت هر مرحله را چهل روز مشخص نموده است.

در روایتی دیگر آمده: (إن احدكم يجمع خلقه فی بطن أمه أربعين يوماً، ثم يكون فی ذلك علقه مثل ذلك، ثم يكون فی ذلك مضغه مثل ذلك ثم يرسل الیه الملك، فينفخ فیه الروح، و يؤمر بأربع كلمات...) (نیسابوری، صحیح مسلم بشرح النووی، ۱۳۴۷ق، ج ۱۶، ص ۱۸۹ و ۱۹۰) این روایت از لحاظ مدت هر مرحله همانند روایت اول است.

در روایتی دیگر نیز آمده: «ان احدكم يجمع خلقه فی بطن أمه أربعين يوماً ثم يكون فی ذلك علقه مثل ذلك ثم يرسل الملك فينفخ فیه الروح و يؤمر بأربع و خلق سمعه و بصره و جلده و لحمه و عظمه و كونه ذكراً أم أنثی و ذلك انما يكون فی الاربعين الثالثه و هی المضغه و قبل انقضاء هذه الاربعين و قبل نفخ الروح فیہ لأن نفخ الروح لا يكون الا بعد تمام صورته» (همان، ص ۱۹۰ و ۱۹۱). در روایتی دیگر که حذیفه بن أسیل از پیامبر (ص) روایت کرده که گفته: «يدخل الملك على النطفه بعد ما تستقر فی الرحم بأربعين أو خمسة و أربعين ليلة، فيقول: يا رب أشقی أو سعید؟ فيكتبان، فيقول: أي رب أذكر أم أنثی؟ فيكتبان، و يكتب عمله و أثره و أجله و رزقه» (نیسابوری، صحیح مسلم بشرح النووی، ۱۳۴۷ق، ج ۱۶، ص ۱۹۳).

این روایت با سه روایت اول تفاوت دارد یکی در مورد استقرار نطفه در رحم بین چهل شب و چهل و پنج شب تردید دارد، سپس فرشته مأمور می‌شود، ولی در دو روایت اول بعد از صد و بیست روز از بسته شدن نطفه فرستاده می‌شود و در آن روح را می‌دمید. البته این در صورتی است که (مثل ذلك) به وقت و مدت تفسیر شود یعنی چهل روز مانند چهل روز اول، اما اگر بگوییم منظور از مثل ذلك وقت نیست و بگوییم منظور همان چهل روز اولی است و قرینه آن (فی ذلك) در روایت دوم است، که در این صورت می‌شود بین روایات جمع کرد. در این صورت با روایات شیعه در مورد دمیدن روح تفاوت خواهند داشت.

ولی به نظر می‌رسد منظور از مثل ذلك همان وقت باشد (چهل روز) مثل آن چهل روز اولی، ظاهر روایات چنین نشان می‌دهند علاوه بر تأکید فتوای فقهای فریقین بر آن که نفخ روح بعد از سه چهل روز است یعنی بعد از (۱۲۰) روز و سپری شدن چهار ماه.

بنابراین، روایت چهارم قابل قبول نیست، و در مقابل سایر روایات باید آن را کنار گذاشت. به‌خصوص که علما به آن عمل ننموده‌اند.

در روایتی دیگر آمده از پیامبر (ص) روایت شده که فرموده: «إِذَا مَرَّ بِالْظَفَةِ اثْنَتَانِ وَأَرْبَعُونَ لَيْلَةً بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهَا مَلَكًا فَصَوَّرَهَا، وَخَلَقَ سَمْعَهَا وَبَصَرَهَا وَجُلْدَهَا وَلَحْمَهَا وَعَظَامَهَا» (انصاری قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۱۴۰۵ق/۱۹۸۵م، ج ۱۲، ص ۷).

این روایت با روایت سوم از لحاظ فرستادن فرشته و دمیدن روح و تصویر آن مطابقت دارد که بعد از پایان چهل روز و یا چهل و دو روز یا چهل و پنج روز که به هم نزدیک می‌باشند.

مدت چهل روز برای هر یک از مراحل اولیه جنین بر اساس نظر مشهور فقها شیعه و اهل تسنن است که بر اساس بعضی از روایات می‌باشد، و در مقابل آن‌ها روایات و نظرات مخالفی وجود دارد، مثلاً در دو روایت آخر از طرق اهل تسنن نقل شده است که هماهنگی و توازن اعضای بدن و اندام در مدت ۴۲ چهل و دو روز است و در روایت دیگر بین چهل و چهل و پنج روز مشخص شده، و به نظر ابن ادریس از فقهای امامیه مدت هر مرحله از مراحل اولیه شکل‌گیری جنین (۲۰) بیست روز است (موسوی خونی، مبانی تکملة المنهاج، ۱۳۹۶ق، ج ۲، ص ۴۰۳؛ نجفی، جواهر الکلام، ۱۴۰۴ق، ج ۴۲، ص ۳۶۹).

### شکل‌گیری جنین از نظر جنین‌شناسی

آنچه را که دکتر کیث موراستاد جنین‌شناسی در دانشگاه تورنتو کانادا در مورد شکل‌گیری جنین بیان نموده از کتاب الجنین المشوه والامراض الوراثية (البار، الجنین المشوه والامراض الوراثية، ۱۴۱۱ق، ص ۴۸-۳۵) به طور خلاصه نقل می‌کنیم: از ترکیب و لقاح نطفه مرد (اسپرم) با تخمک زن (اوول)، تخمک بارور پدید می‌آید بعد از آن پوست ضخیمی تخمک را احاطه می‌کند سپس آن تخمک بارور شده و به مرحله دو سلولی رسیده و هر سلول به صدها سلول افزایش می‌یابد، در روز چهاردهم جنین (fetuse) به صورت دو قرص چسبیده ظاهر می‌گردد، از روز چهاردهم تا روز بیست و یکم قلب شروع به تپیدن می‌کند بین هفته‌ی پنجم و هفتم شکل‌گیری ستون فقرات آغاز می‌شود، اگر جنین ۳۶ روز سپری کند اعضای طرف بالا شکل می‌گیرد، و اگر ۴۲ روز سپری شود اعضای طرف پایین شکل می‌گیرند، قلب در پایان هفته‌ی ششم و آغاز هفته‌ی هفتم شروع به عمل می‌کند، در

هفته‌ی هشتم چهره و صورت جنین شکل می‌گیرد و بعد از آن جنین به سرعت رشد می‌کند و اعضایش کامل می‌شوند، و اگر هفته‌ی شانزدهم یعنی حدود ۱۲۰ روز سپری شود آفرینش و خلقت دیگر آغاز می‌شود و تا هفته‌ی بیستم ادامه دارد و سلول‌های مغز و عصب‌ها کامل می‌شوند. جعفری لنگرودی می‌گوید: «مبدأ جنین ابتدای آبستنی است و انتهای آن لحظه ماقبل ولادت می‌باشد» (جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ص ۲۰۱).



## فصل دوم

### حقوق مادی و معنوی جنین

### و احکام شرعی مترتب بر سقط شده و مادرش

#### مقدمه

در این فصل حقوق مادی و معنوی جنین از دیدگاه مذاهب اسلامی مورد نقد و بررسی قرار گرفته است؛ بعضی از علمای عامه، به وقف کردن برای جنین معتقدند ولی به نظر فقهای خاصه درست نیست. به نظر بعضی از علمای اهل تسنن، هبه به جنین درست است، و به نظر بعضی دیگر از علمای اهل تسنن و فقهای شیعه، صحیح نمی‌باشد و گفته‌اند، اگر قبض صورت بگیرد هبه صحیح است. که نسبت به جنین امکان ندارد. تعدادی از اهل تسنن گفته‌اند: جنین حق شفعه دارد، اما علمای شیعه متعرض آن نشده‌اند.

حقوق مادی جنین در موارد ذیل است: ارث، وصیت، نفقه، حق شفعه، وقف و هبه. در صورتی جنین این حقوق را داراست که زنده متولد بشود در بحث حقوق معنوی جنین نیز موضوعاتی چون: حق نسب و حلال‌زادگی، سالم به دنیا آوردن، وظیفه مادر در حفظ و نگهداری از جنین، اجازه روزه‌خواری زن باردار، به تأخیر انداختن اجرای حد بر مادر و نیز حق حیات جنین، مورد بررسی قرار گرفته است.

علما و فقهای مذاهب اسلامی، جز در موارد پراکنده و آن هم در ضمن موضوعات مختلف، کمتر حقوق جنین را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ بنابراین، بررسی این بُعد از مباحث مربوط به جنین، ضروری و دارای اهمیت بسزایی است. از جهتی دیگر، یکی از مسائل مورد ابتلای جامعه است؛ زیرا بیشتر مردم از تمام حقوق جنین و شرایط آن اطلاع ندارند؛ از این رو، پرسش اساسی این است که: جنین از چه حقوقی، و با چه شرایطی بهره‌مند می‌شود. حقوق جنین به حقوق مادی و معنوی تقسیم می‌شود.

## حقوق مادی جنین

حقوق مادی جنین عبارتند از: ارث بردن جنین، نفقه جنین، وصیت برای جنین، وقف برجنین، هبه به جنین، حق شفعه.

### الف- ارث بردن

در صورتی که جنین زنده متولد شود، ارث می‌برد. سهمش از ترکه میت کنار گذاشته می‌شود و اگر سقط شود، نه ارث می‌برد و نه ارث از خود باقی می‌گذارد، اما اگر پس از این که زنده متولد شود، بمیرد، میراث او به وارثش تعلق می‌گیرد. برای جنین قبل از تولد، از ترکه دو سهم پسر احتیاطاً جدا می‌شود، در شرح لمعه آمده: «حمل مانع ارث است، مگر اینکه زنده به دنیا نیاید؛ بنابراین اگر جنین در حالی که مرده است سقط شود، ارث نمی‌برد؛ زیرا پیامبر اکرم (ص) فرموده: السقط لایرث و لایورث؛ طفل سقط شده نه ارث می‌برد؛ و نه ارث از خود باقی می‌گذارد. هم‌چنین لازم نیست حتماً در هنگام مرگ مورث در جنین روح دمیده شده باشد. بلکه اگر در آن هنگام نفقه باشد و سپس زنده به دنیا بیاید ارث می‌برد. ادامه حیات حمل و یا صدا زدن آن پس از تولد نیز لازم نیست، همان‌طور که حمل ارث نمی‌برد می‌تواند تا آشکار شدن وضعیت خود، از ارث بردن دیگران نیز جلوگیری نماید؛ مثلاً اگر متوفی دارای زنی باردار و خواهر و برادر باشد، در ترکه تصرف نمی‌شود تا زن وضع حمل نماید. البته اگر زن ارث خود را بخواهد، سهم زنی را که دارای فرزند است  $\frac{1}{8}$  به او می‌دهند. (جبعی عاملی، الروضة البهیة، ۱۳۹۶، ج ۸، ص ۲۶-۲۷) مرحوم خوئی فرموده: «جنین اگر چه نفقه باشد در حال مرگ مورث ارث می‌برد اگر زنده متولد شود اگر چه کامل نباشد، و باید زنده بودنش ثابت شود اگر چه با گواهی دادن زنان باشد، اما اگر بعد از اینکه زنده متولد شود بمیرد، میراث او برای وارثش است گر چه زندگی‌اش ادامه نداشته باشد، و اگر مرده متولد شود ارث نمی‌برد هر چند مشخص باشد که هنگامی که جنین بود زنده بوده است». (موسوی خوئی، منهاج الصالحین، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۷۸) نیز می‌فرماید: «اگر نصفش از مادر جدا شود و استهلال کند (صدا بزند) و قبل از جدا شدن کامل از مادر بمیرد، نه ارث می‌برد و نه ارث از او برده می‌شود». (همان)

برای جنین دو سهم پسر احتیاطاً جدا می‌شود، مرحوم خوئی در این زمینه می‌فرماید: «برای جنین قبل از تولد از ترکه دو سهم پسر احتیاطاً جدا می‌شود، و به صاحبان فرض سهمشان از مابقی ترکه داده می‌شود، اگر زنده متولد شود و دو قلو پسر بودند همان‌گونه است، و اگر یک پسر و یک دختر یا

یک پسر و دو دختر و یا یک دختر باشد، آنچه افزوده است بر صاحبان فرض تقسیم می‌شود، البته این در صورتی است که ورثه راضی باشد، و اگر راضی نباشد سهم یک پسر برای جنین ذخیره می‌شود. و مابقی تقسیم می‌شود، با اطمینان از عدم تلف شدن سهم زاید برای جنین و امکان داشتن گرفتن آن، گر چه بعد از تقسیم باشد بنابراین که زنده متولد شود». (موسوی خوئی، منهاج الصالحین، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۷۸، ۳۷۹).

صاحب جواهر می‌گوید: «اگر مورث بمیرد دو برابر سهم پسر برای جنین نگه داشته می‌شود، زیرا احتمالاً دارد دو قلو باشد، و بعد از ولادت اگر یک پسر یا یک دختر بود مابقی ترکه دوباره بر وارثان تقسیم می‌شود و اگر مرده متولد شود، آنچه برای او از میراث نگه داشته بودند بر سایر وارثان تقسیم می‌شود». (نجفی، جواهر الکلام، ۱۴۰۴ق، ج ۳۹، ص ۷۳).

مرحوم خوئی فرموده: «هرگاه بخواهند ارث تقسیم کنند، برای بچه‌ای که در شکم است که اگر زنده به دنیا بیاید ارث می‌برد، در صورتی که احتمال بیشتر از یکی نرود سهم یک پسر را کنار می‌گذارند و زیادی را ورثه بین خود تقسیم می‌کنند، ولی اگر احتمال بدهند بیشتر از یکی است مثلاً احتمال بدهند که زن به دو یا سه بچه حامله باشد و ورثه راضی نباشد که سهم جنین در شکم را بیش تر از یک پسر کنار بگذارند اگر سهم بیش یک پسر را برایش حفظ کنند ایرادی ندارد که بین خود تقسیم نمایند». (موسوی خوئی، رساله توضیح المسائل، ۱۳۹۵ق، ص ۴۹۸).

محقق حلی در شرائع الاسلام می‌گوید: «جنین ارث می‌برد مشروط بر اینکه زنده از مادر جدا شود، و اگر مرده سقط شود دارای سهم نیست» (حلی، شرائع الاسلام، بی تا، ج ۴، ص ۱۶) در تحریر الوسیله آمده: «اگر با دستگاه‌های جدید به وجود جنین علم و اطمینان حاصل شود سهم جنین از میراث کنار گذاشته می‌شود، اگر پسر باشد سهم یک پسر کنار گذاشته می‌شود و اگر دختر باشد سهم یک دختر از ترکه برای او جدا می‌شود و اگر دو قلو باشد دو سهم کنار گذاشته می‌شود» (موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۳۷۱) و نیز امام خمینی (ره) فرموده‌اند: «درارث بردن جنین، دمیدن روح هنگام مرگ مورث شرط نیست، تنها منعقد بودن نطفه کفایت می‌کند» (همان).

البته امروزه، این که حمل دو قلو است و یا پسر و یا دختر است، و این که سهم دو تا یا سهم پسر یا دختر جدا شود، حل شده است. در صورتی که مرگ مورث پس از چهار ماه از انعقاد نطفه باشد. امام خمینی در تحریر الوسیله تصریح کرده است که اگر با دستگاه‌های جدید به وجود جنین، علم

و اطمینان حاصل شود، سهم جنین از میراث کنار گذاشته می‌شود. اگر پسر باشد، سهم یک پسر کنار گذاشته می‌شود و اگر دختر باشد، سهم یک دختر از ترکه برای او جدا می‌شود، و اگر دو قلو باشد، دو سهم کنار گذاشته می‌شود.

در روایاتی تصریح شده که جنین سقط شده ارث نمی‌برد، مگر این که هنگام جدا شدن از مادر، صدایش شنیده شود (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۱ق، ج ۱۷، ص ۵۸۷-۵۸۶)

روایات دیگری، صدا داشتن جنین را شرط ارث بردن ندانسته، و تنها حرکت کردن هنگام جدا شدن از مادر را شرط دانسته‌اند و چنین استدلال شده، که شاید جنین لال باشد. (همان). البته در ارث بردن جنین، (دمیدن) روح هنگام مرگ مورث شرط نیست، تنها بسته شدن نطفه کفایت می‌کند (موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۳۷۱).

گمان می‌شود اینکه شنیدن صدای جنین سقط شده که به طور کامل در روایات ذکر شده، به خاطر این است که معمولاً این اتفاق هنگام تولد نوزاد می‌افتد و لال بودن جنین کمتر پیش می‌آید و روایاتی که شنیدن صدا را شرط دانسته‌اند به خاطر مصلحت است. بنابراین هر چیزی که بر زنده بودن جنین هنگام جدا شدن از مادر دلالت کند، خواه حرکت کردن باشد یا گریه برای ارث بردن کفایت می‌کند.

روایات و نظرات فقهای اهل تسنن در این زمینه ارث بردن جنین و شرایط آن همانند نظرات و روایات شیعه می‌باشد، فیروزآبادی می‌گوید: «اگر جنین از مادر جدا شود و صدا بزند ارث می‌برد و صحیح نیست به روایت سعید بن مسیب استناد کرد به اینکه جنین ارث نمی‌برد و از او ارث برده نمی‌شود مگر اینکه صدا بزند یا گریه کند، زیرا قبل از اینکه تمام بدنش از مادر جدا شود حکم زنده بودن ندارد» (فیروزآبادی شیرازی، المذهب، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۱۹).

بعضی از فقهای اهل تسنن برای ارث بردن جنین دلایل زیر را بیان می‌کنند:

- حدیث جابر بن عبد الله که از پیامبر (ص) روایت کرده که فرموده: «بر کودک میت نماز خوانده نمی‌شود، ارث نمی‌برد و از او ارث برده نمی‌شود مگر اینکه هنگام تولد گریه کند یا صدا بزند» (ترمذی، الجامع الصحیح، بی‌تا، باب ارث، حدیث ۱۰۳۲).

- حدیث ابو هریره که از پیامبر (ص) روایت کرده حضرت فرموده: «اگر نوزاد صدا بزند یا گریه کند ارث می‌برد» (سجستانی ابو داوود، سنن ابی داوود، ۱۴۰۳ق، حدیث ۲۹۲۰؛ ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ۱۴۱۸ق، حدیث ۲۷۵۰).

- جنین ارث می‌برد، زیرا جانشین و خلف میت است، و فرض این است که زنده متولد می‌شود. (سرخسی، المبسوط، ص ۵۰؛ دسوقی، حاشیه الدسوقی، ج ۴، ص ۲۶۹؛ شوکانی، نیل الاوطار، ۱۳۷۴ق، ج ۷؛ ابن قدامه، المغنی، ج ۶، ص ۲۰۸).

بنابراین ارث بردن جنین دو شرط دارد:

- وجود جنین در شکم مادر، هنگام مرگ مورث، یقینی و قطعی باشد؛

- جنین زنده متولد شود، اگرچه برای لحظه‌ای باشد.

## ب- نفقه جنین

بر پدر جنین، نفقه زن حامله واجب است، اگرچه مطلقه باشد. اما آیا نفقه برای کودک است یا برای مادرش؟ به نظر بیشتر فقها، نفقه به کودک، تعلق می‌گیرد. (نجفی، جواهر الکلام، ۱۴۰۴هـ ج ۳۱، ص ۳۲۱؛ طوسی، المبسوط، ۱۴۱۷هـ ج ۵، ص ۳۷۵).

آیه ۶ سوره طلاق بر وجوب نفقه دلالت دارد: «اگر زنان طلاق داده شده حامله باشند، باید نفقه‌شان را پرداخت کنید تا این که وضع حمل کنند».

می‌توان بر وجوب نفقه زن حامله به این روایات نیز، استناد کرد. سکونی روایت کرده که از حضرت علی (ع) نقل شده است، نفقه زن حامله‌ای که شوهرش مرده، از تمام میراث است تا این که وضع حمل کند. شیخ صدوق نیز، این حدیث را از سکونی روایت کرده است (حرعاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۱هـ ج ۱۵، ص ۲۳۶). در روایتی دیگر، محمد بن یعقوب از ابی عبدالله (ع) نقل می‌کند که از امام صادق (ع) درباره نفقه زنی که حامله شده، و طلاق داده شده است، سوال شد؛ امام فرمودند: نفقه‌اش بر شوهرش است تا این که وضع حمل کند (همان، ص ۲۳۰). چهار روایت دیگر با همین مضمون در وسائل الشیعه آمده است. (همان، ص ۲۳۱-۲۳۶).

فقهای امامیه، به این روایات عمل کرده‌اند و بر طبق آن فتوا داده‌اند و بعضی بر این اجماع نموده‌اند که: «ظاهراً نفقه برای جنین است نه برای مادر» (طوسی، المبسوط، ۱۴۱۷هـ ج ۵، ص ۳۷۵). این نظر را

بعضی از فقها نیز بیان نموده‌اند: «با بیان دلایلی که نشان می‌دهد نفقه به جنین تعلق می‌گیرد، اجماع به دست می‌آید و بیان شده است (نجفی، جواهرالکلام، ۱۴۰۴ هـ ج ۳۱، ص ۳۲۱) و اگر زن، مطلقه بائن (غیر قابل فسخ) و حامله باشد، بر شوهرش لازم است، نفقه‌اش را بدهد تا این که وضع حمل کند و آیا نفقه برای نوزاد است یا برای مادرش؟» بنابه نظر شیخ طوسی در آنچه در مبسوط آمده، و جماعتی از علما که از شیخ پیروی کرده‌اند، نفقه به نوزاد تعلق می‌گیرد. (نجفی، ۱۴۰۴ هـ ج ۳۱، ص ۳۲۱، ۳۲۰) بسیاری از فقهای امامیه نفقه را برای نوزاد واجب می‌دانند (بحرانی، الحقائق الناضرة، ۱۴۰۹ هـ ج ۲۵، ص ۱۱۱ و ۱۱۲) جمعی عاملی گفته: «در طلاق بائن، زن حق نفقه ندارد، مگر آن که باردار باشد که در این صورت، حق نفقه و مسکن را تا زمان وضع حمل خواهد داشت؛ زیرا خداوند تعالی در قرآن می‌فرماید: «و ان کن اولات حمل فانفقوا علیهن حتی یضعن حملهن»؛ اگر زنان مطلقه باردار باشند، باید تا زمان وضع حمل ایشان، نفقه آن‌ها را بپردازید. پس بدون تردید، قرار دادن نفقه به خاطر نوزاد است؛ ولی این که به نوزاد تعلق می‌گیرد یا به زن؛ دو نظر وجود دارد که قول معتبر، تعلق آن به نوزاد است». (جمعی عاملی، الروضة البهیة، ۱۳۹۶ هـ ج ۶، ص ۷۸ و ۷۹).

اکثریت مطلق علمای اهل سنت، بر وجوب نفقه زن حامله، اگرچه مطلقه باشد، اتفاق نظر دارند و نفقه را برای نوزاد می‌دانند «بین علما در واجب بودن سکونت و نفقه زنان مطلقه حامله اختلافی نیست». (آلوسی بغدادی، روح المعانی، ۱۴۱۵ هـ ج ۱۴، ص ۳۳۴؛ بغوی، التهذیب فی فقه الامام الشافعی، ۱۴۱۸، ج ۶، ص ۳۶۳؛ بهوتی، منتهی الارادات، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۲۳۲؛ رملی، نهایة المحتاج، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۲۱۱).

تنها بنا به نظر دوم شافعیه نفقه برای زن حامله است. (نوی، روضة الطالبین، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۲۹). این نظر دوم مردود است؛ زیرا علاوه بر دلایلی که به آن‌ها اشاره شد؛ در عده‌ی طلاق بائن نفقه واجب نمی‌باشد، ولی اگر زن مطلقه حامله باشد، نفقه واجب می‌گردد بنابراین مشخص می‌شود که نفقه برای نوزاد و جنین است.

### ج- وصیت برای جنین

فقهای اهل تسنن و تشیع، بر جواز و صحیح بودن وصیت برای جنین، اتفاق نظر دارند و آن را منوط به دو شرط نموده‌اند؛ نخست: هنگام وصیت کردن، جنین در شکم مادر باشد، دوم: زنده متولد شود.

اهل سنت، وصیت برای جنین را با ارث بردن او سنجیده‌اند؛ یعنی، چون جنین صلاحیت جانشینی میت را دارد، و از او ارث می‌برد، پس صلاحیت دارد، مورد وصیت میت نیز قرار گیرد. مورد وصیت باید در زمان وصیت، موجود باشد و بتواند تملک نماید؛ بنابراین، اگر برای جنینی وصیت باشد، باید در حال وصیت موجود بوده، و در زمانی کمتر از شش ماه از زمان وصیت به دنیا بیاید تا بتوان از این طریق پی برد که در زمان وصیت موجود بوده است؛ در صورتی که شوهر حاضر نباشد و از هنگام وصیت به اندازه حداکثر مدت بارداری و یا کمتر از آن بگذرد و وضع حمل نماید، جنین باید زنده متولد شود. بنابراین، اگر مرده به دنیا بیاید، وصیت باطل است و اگر پس از آن که زنده متولد گردید بمیرد، آنچه به ارث گذاشته شده، به ورثه او تعلق خواهد داشت. (جبعی عاملی، الروضة البهیة، ۱۳۹۶ هـ ج ۵، ص ۲۳؛ رک: حلی، بی تا، ج ۲، ص ۲۵۵). بنابراین، اگر زن، وضع حمل کند، در حالی که جنین مرده باشد، وصیت باطل می‌شود، و اگر زنده از مادر جدا شود و بمیرد، مورد وصیت (موصی به) برای ورثه جنین است. به نظر امام خمینی وصیت کردن برای جنین در صورتی که هنگام وصیت، وجود داشته باشد، صحیح است، گرچه روح در او حلول نکرده باشد و از مادر جدا نشده باشد. سپس، اگر مرده از مادر جدا شود، وصیت باطل می‌شود و مالی که برای جنین وصیت شده، به ورثه وصیت کننده می‌رسد. (موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ۱۳۹۰ هـ ج ۲، ص ۹۷).

در فقه علی المذاهب الخمسه آمده: «مذاهب چهارگانه اهل تسنن بر صحت وصیت برای جنین اتفاق نظر دارند، به شرطی که زنده به دنیا بیاید، زیرا وصیت موافقت شده مجرای میراث است و به اجماع جنین ارث می‌برد و هرچه را (اگر بیش از یک سوم میراث باشد نیاز به اجازه ورثه دارد) برای او وصیت شده مالک می‌شود. و اختلاف دارند که آیا در حال وصیت وجود جنین شرط است یا نه؟ امامیه و حنفیه و حنابله و شافعی در صحیح ترین قولشان گفته‌اند: ارث نمی‌برد مگر معلوم شود در موقع وصیت جنین موجود بوده است. ولی مالکیه گفته‌اند: «وصیت برای جنین موجود در آن زمان و وصیت بر جنینی که در آینده به وجود می‌آید صحیح است». (مغنیه، الفقه علی المذاهب الخمسه، ۱۴۲۱ هـ ج ۲، ص ۴۶۶).

اهل تسنن، وصیت برای جنین را با ارث بردن جنین مقایسه کرده‌اند؛ یعنی، همان‌طوری که جنین، صلاحیت جانشینی میت را دارد و از او ارث می‌برد، صلاحیت دارد که مورد وصیت میت نیز قرار گیرد؛ به عبارتی دیگر، از آن جا که جنین صلاحیت دارد در ارث، جانشین و خلف میت باشد، در

وصیت نیز چنین صلاحیتی دارد (کاسانی، بدائع الصنائع، بی تا، ج ۲۳۶، ص ۷؛ ابن قدامه، المغنی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۴۵۵؛ ابن رجب، قواعد ابن رجب، ۱۴۱۳هـ ص ۱۸۲).

#### د- وقف بر جنین

فقه‌های اهل تسنن و تشیع، بر حسب احوال مختلف وقف کردن بر جنین، نظرات مختلفی دارند؛ (۱) وقف کننده به طور مستقل بر جنین وقف می کند؛ مثلاً می گوید: این منزل را بر این جنین بخشیده‌ام، یا بر کسی که برایم متولد می شود، وقف کرده‌ام. علما در این صورت چند نظر دارند. به نظر مشهور فقه‌های اهل تسنن وقف کردن در این صورت بر جنین صحیح نیست، زیرا جنین صلاحیت تملک ندارد. اما به نظر فقه‌های مالکیه، جنین صلاحیت تملک در منفعت محض و خالص را دارد، بنابراین وقف کردن برای او صحیح است (ابن عابدین، حاشیه ابن عابدین، ۱۳۸۹ق هـ ج ۳، ص ۴۲۶؛ دسوقی، حاشیه الدسوقی، ۱۹۷۷م، ج ۴، ص ۷۷؛ شربینی، مغنی المحتاج، ۱۴۱۵هـ ج ۳، ص ۵۲۷؛ ابن قدامه، المغنی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۲۰۱).

(۲) واقف، بر جنین و بر کسانی که بعد او متولد می شوند، وقف کند؛ مثلاً بگوید: این زمین را بر فرزندانم و بر فرزندی که برایم متولد می شود، وقف کرده‌ام و پس از آن‌ها برای فقرا وقف کرده‌ام. مشهورترین فقه‌های اهل سنت چنین وقفی را صحیح دانسته‌اند. (همان‌جا)

شافعی و حنابله گفته‌اند: «جنین موجود و هر فرزندی که بعداً برای او متولد می شود، مستحق موقوفات نمی شود، مگر این که از شکم مادر جدا شود». (ابن قدامه، المغنی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۲۰۱؛ ابن رجب، قواعد ابن رجب، ۱۴۱۳هـ ص ۱۷۵). به نظر فقه‌های شیعه وقف بر جنین صحیح نیست، زیرا در وقف خاص قبول وقف دار شرط است «اگر مالی را برای بچه‌ای که در شکم مادر است و هنوز به دنیا نیامده وقف کند، درستی آن مورد اشکال است، و لازم است رعایت احتیاط را نمایند» (موسوی خویی، توضیح المسائل، ۱۳۹۵هـ ص ۴۷۸). به نظر امام خمینی وقف بر جنین جایز نیست. «در وقف خاص، وجود کسی که مورد وقف قرار می گیرد هنگام وقف کردن ملاک است. بنابراین، وقف کردن بر کسی که هنوز وجود ندارد، صحیح نیست و نیز، وقف کردن بر کسی که بعداً موجود می باشد، و هم چنین بر جنین قبل از تولد صحیح نیست». (موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ۱۳۹۰هـ ج ۲، ص ۷۰). مکارم شیرازی نیز جایز نمی داند «وقف برای کسانی که هنوز به دنیا نیامده‌اند، صحیح



نمی‌باشد». (مکارم شیرازی، توضیح المسائل، ۱۳۷۲، ص ۴۷۲). باتوجه به اینکه برای درستی وقف خاص قبول کسی که به او وقف می‌شود شرط است و بدیهی است که قبول از جنین امکان ندارد، لذا وقف بر جنین جایز نیست.

## ۵- هبه به جنین

در باره هبه به جنین، میان فقهای اهل سنت دو نظر وجود دارد؛ بعضی از آنان، هبه را با شروطی جایز دانسته‌اند، و بعضی دیگر همانند فقهای شیعه، گرفتنش را از شرایط درستی هبه می‌دانند، و چون گرفتن هبه در مورد جنین امکان ندارد، آن را جایز نمی‌دانند؛ ولی به نظر می‌رسد، هبه به جنین همانند ارث بردن اوست؛ در صورتی که زنده متولد شود، مالک هبه می‌شود؛ زیرا ملاک در هر دو، یکی است.

به نظر فقهای مالکیه و این حزم ظاهری، هبه و بخشش کردن به جنین جایز است؛ زیرا هبه، منفعت خالص است، اگر جنین زنده متولد شود، مالک آن می‌شود، و اگر یک لحظه بعد از اینکه زنده متولد شود، بمیرد، هبه به ورثه جنین می‌رسد، اما اگر جنین، مرده متولد شود، هبه، مال بخشنده ی آن است (دسوقی، حاشیه الدسوقی، ۱۹۷۷م، ج ۴، ص ۱۰۱؛ اندلسی، المحلی، ۱۹۶۷م، ج ۶، ص ۱۲۶). فقهای حنفی، هبه به جنین را جایز نمی‌دانند؛ زیرا نزد آنان گرفتن، شرط صحت هبه و بخشش است، در حالی که گرفتن (قبض کردن) توسط جنین امکان ندارد. حبلی‌ها نیز آن را منع کرده‌اند؛ زیرا در هبه به جنین، مالکیت بر آن چیزی که هبه شده است معلق است یعنی مشروط به متولد شدن جنین است، در حالی که هبه متعلق نزد اینان صحیح نمی‌باشد (ابن همام، شرح فتح القدر، ۱۳۸۶هـ، ج ۹، ص ۵۱؛ ابن رشد قرطبی، بدایة المجتهد ونهایة المقتصد، ۱۳۹۵هـ، ج ۲، ص ۳۲۹؛ ابن قدامه، المغنی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۳۴۹).

فقهای شیعه، مخالف هبه برای جنین نشده‌اند، و از آن جا که قبض کردن را از شرایط صحت هبه می‌دانند، به نظر می‌رسد، از دیدگاه آنها، هبه برای جنین صحیح نباشد. در کتاب الفقه علی المذاهب الخمسة آمده ((به نظر امامیه، حنبله، شافعه وحنفیه قبض شرط صحت هبه است.)) (مغنیه، الفقه علی المذاهب الخمسه، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۴۸۰).

**و- حق شفعه**

مالکيه و بعضی از حنبلی‌ها، معتقدند حق شفعه برای جنین ثابت شده است و این را با حق جنین در ارث قیاس کرده‌اند. هم‌چنین، این امر را در راستای حفظ مصلحت شفیع (حامی و میانجی) و دفع ضرر از او دانسته‌اند و گفته‌اند تا زمانی که ارث می‌برد، حق شفعه نیز دارد، یعنی حقوق مالکیت تبعی نیز برای او ثابت می‌شود (اصبحی، المدونة الکبری، ۱۴۱۵هـ ج ۴، ص ۲۵۷؛ ابن قدامه، المغنی، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۵۱۱؛ ابن رجب، قواعد ابن رجب، ۱۴۱۳هـ ص ۱۷۶).

فقه‌های شیعه، مخالف حق شفعه برای جنین نشده‌اند و صحبتی در این باره نکرده‌اند. بنابراین، به نظر می‌رسد، حق شفعه را قبول ندارند؛ زیرا از شرایط شفعه این است که شفیع مطالبه حق شفعه کند و مبلغ مورد معامله را داشته باشد و پرداخت کند، که این امر، نسبت به جنین امکان‌پذیر نیست.

**حقوق معنوی جنین**

حقوق معنوی جنین عبارتند از: حق حیات و وظیفه مادر در برابر حفظ سلامتی جنین، لزوم تأخیر انداختن اجرای حد بر زن باردار، جواز روزه‌خواری زن باردار، حق نسب و حلال‌زادگی.

**الف- وظیفه مادر در برابر حفظ و سلامت جنین**

اسلام به سلامتی جنین اهمیت ویژه‌ای داده است و بر آن تأکید دارد، مرحوم لنکرانی در این زمینه می‌فرماید: «اسلام برای سلامتی فرد و جامعه اهمیت ویژه‌ای قائل است، و خواستار انسان‌هایی سالم، با نشاط و نیرومند است. چون تن سالم مرکب روح است و او را در تقرب به خدا کمک می‌کند. اساس سلامت هر فرد نیز از دوران جنینی تأمین می‌گردد و آن نیز در گرو سلامت مادر می‌باشد. اسلام برای سلامتی و حفظ او، توصیه‌هایی دارد و قوانینی در شرع بیان نموده است. مرحوم لنکرانی، در این باره معتقد است: «اسلام برای سلامت فرد و جامعه، اهمیت ویژه‌ای قائل است، و خواستار انسان‌هایی سالم، با نشاط و نیرومند است. چون تن سالم، مرکب روح است و او را در نزدیکی به خدا کمک می‌کند. اساس سلامت هر فرد نیز، از دوران جنینی تأمین می‌گردد و آن نیز در گرو سلامت مادر می‌باشد. پزشکان متخصص زنان و زایمان، نقش مهمی در حفظ سلامت مادر و جنین دارند و بدین جهت کار آنان در فرهنگ اسلامی از ارزش و ثواب بالایی برخوردار است.» (سایت

مرحوم فاضل لنکرانی ([www.lankarani.net](http://www.lankarani.net)) اسلام بر حفظ حیات جنین از زمانی که نطفه منعقد می‌شود، تأکید نموده است و برای سقط آن مجازاتی قرار داده است. روایات بسیاری در این باره وجود دارد که به حد تکرار رسیده است. (حرعاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۱ هـ ج ۱۹، ص ۲۳۷-۲۴۶). این روایات، به طور صریح بر مجازات سقط، دلالت دارند و فقهای عامه و خاصه نیز براساس آن روایات، فتوا داده‌اند. اسلام، جز در موارد استثنائی و عسر و حرج (سختی و تنگنا) سقط را جایز ندانسته است. «هرگاه مادر از دنیا برود و جنین زنده باشد، واجب است طفل را بیرون بیاورند، اگرچه امید به زنده ماندن جنین هم نداشته باشد. احتیاط واجب این است که طرف چپ را بشکافند و در غیر این صورت، قسمتی را که احتمال سالم ماندن طفل بیشتر است، بشکافند، و پس از بیرون آوردن طفل، محل را بخیه نمایند. بر مادر واجب است که برای سلامتی نوزادی که در رحم دارد، تا وقتی که خوف جانی برای خود نداشته باشد، شرایط متعارف و معمول را و هرچه برای حفظ جنین لازم است، رعایت کند. اگر پزشک معالج تشخیص داد که فرزند داخل رحم زنده نمی‌ماند، مگر این که از رحم بیرون آورده شود و در دستگاه مخصوص (انکوباتور) گذاشته شود، در این صورت، لازم است برای حفظ آن، این عمل انجام شود، به ویژه اگر بعد از چهارماهگی باشد». (سایت مرحوم فاضل لنکرانی [www.lankarani.net](http://www.lankarani.net)). در شرائع الاسلام آمده است: «اگر زن حامله بمیرد و جنین زنده باشد، طرف چپ زن شکافته می‌شود و بجه از شکم بیرون آورده می‌شود، سپس، محل بخیه می‌شود». (حلی، شرائع الاسلام، بی تا، ج ۱، ص ۳۶).

دسوقی، از فقهای مالکی مذهب، گفته است: «اگر زن حامله بوی غذای همسایه را استشمام کند و گمان قوی داشته باشد که اگر از آن غذا نخورد، سقط جنین می‌کند، بر او واجب است آن غذا را بطلبد و در صورتی که آن غذا را نطلبد و دیگران از بارداری او اطلاع نداشته باشند و سقط کند، بر آن زن غره (عبد یا امه مرغوبی که قیمتش یک دهم دیه کامل است) واجب است، زیرا مقصر و مسبب سقط بوده است». (دسوقی، حاشیه الدسوقی، ۱۹۷۷ م، ج ۴، ص ۲۶۷).

در کتاب (فقه برای غرب‌نشینان) آمده است: «اگر مادری جنین خود را سقط کند، باید دیه بپردازد. هم چنین پدر یا هر شخص دیگر مانند پزشک، حق ندارد سقط جنین کند و اگر کردند، دیه بر آنان لازم می‌شود». (حکیم، فقه برای غرب‌نشینان، ۱۳۷۹، ص ۲۶۹) و نیز در همین کتاب آمده است: «زن نمی‌تواند جنینی را که روح در آن حلول کرده است، به هیچ عنوانی بیندازد». (همان‌جا).

### ب- تأخیر انداختن اجرای حد زن باردار

اگر زن باردار در اثر ارتکاب جنایت مستحق مجازات شود، مجازاتش به خاطر حفظ و سلامت جنین، تا وضع حمل به تأخیر انداخته می‌شود، «زن بارداری که به خاطر ارتکاب جنایت، مستحق اعدام است، نمی‌توان او را مجازات کرد و باید تا زمان وضع حمل وی، اجرای حکم را به تأخیر انداخت» (سایت مرحوم فاضل لنکرانی [www.lankarani.net](http://www.lankarani.net)). علامه حلی نیز، معتقد است که: «باید اجرای حد بر زن حامله را به تأخیر انداخت تا این که وضع حمل کند و از نفاس خارج شود و بعد از آن به بچه شیر دهد». (حلی، شرائع الاسلام، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۵۶؛ طوسی، المبسوط، ۱۴۱۷هـ ج ۸، ص ۳۶). از دلیل مطالب فوق، داستان «غامدیه» است، منظور از داستان غامدیه، زن حامله‌ای است که مرتکب زنا شده است و پیامبر (ص) درباره او حکم فرمود: «برود تا این که وضع حمل کند». (نووی، شرح النووی عتی صحیح مسلم، ۱۳۴۹، ج ۱۱، ص ۲۰۱).

### ج- جواز روزه خواری زن باردار

اسلام در راستای پیشگیری از وارد شدن ضرر بر جنین، روزه را بر زن باردار در دوران بارداری واجب نکرده است. در این زمینه روایات متعددی است: «احمد بن یعقوب عن محمد بن مسلم قال: سمعت أبا جعفر (ع) يقول: الحامل المقرب والمرضع القليلة اللبن لا حرج عليهما أن تفترا في شهر رمضان لانهما لا تطيقان الصوم و عليهما أن تصدق كل واحد منهما». (حرعاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۱هـ ج ۷، ص ۱۵۳). ترجمه: راوی می‌گوید: از امام باقر (ع) شنیدم که می‌گفت: زن حامله که زمان وضع حملش نزدیک باشد و زنی که به بچه شیر می‌دهد و شیرش کم است اشکال ندارد که در ماه رمضان روزه نگیرند، زیرا تحملش را ندارند، و بر آن‌ها صدقه واجب است (ازای هر روز یک مد طعام). در این روایات، به زن حامله و زنی که بچه‌ی شیرخوار دارد اجازه داده شده که در ماه رمضان روزه نگیرد. در روایتی دیگر چنین آمده: «... عن محمد بن جعفر قال: قلت لأبي الحسن (ع) إن امرأتی جعلت علی نفسها صوم شهرین فوضعت ولدها و ادرکها الحبل فلم تقو علی الصوم قال: فلتصدق مکان کل یوم بمد علی مسکین». (همان، ص ۱۵۴). ترجمه: راوی می‌گوید: به امام (ع) گفتم همسرم دو ماه روزه بر خود واجب کرده است، سپس وضع حمل کرد و باردار (حامله) شد و نمی‌تواند روزه بگیرد حضرت فرمودند ازای هر روز یک مد طعام به فقیر صدقه دهد.

فقها براساس روایات فتوا داده‌اند: «زنی که زاییدن او نزدیک است و روزه برای جنینش ضرر دارد، روزه بر او واجب نیست». (موسوی خویی، توضیح المسائل، ۱۳۹۵ هـ ص ۲۹۰). در شرح لمعه آمده است: «زنی که وضع حمل او نزدیک است، و زن کم شیر که بچه شیر می‌دهد، اگر ترس از سلامت طفل داشته باشند، باید افطار کنند». (جبی عاملی، الروضة البهیة، ۱۳۹۶ ق، ج ۲، ص ۱۲۹).

## د- حق نسب و حلال زادگی

«اسلام در راستای حمایت از جنین، احکامی قانون گذاری کرده است؛ از جمله:

۱- عده نگه داشتن زن مطلقه و شوهر مرده، تا این که وضعیت حاملگی مشخص شود و مخلوط شدن نسب‌ها به وجود نیاید و جنین متولد شده به بیش از یک پدر منسوب نشده باشد و دچار مشکل حضانت و تربیت نشود و از حقوق اقتصادی محروم نگردد.

۲- نهی از ازدواج با زن حامله، چنان که پیامبر (ص) فرموده‌اند: «کسی که به خدا و روز آخرت ایمان و اعتقاد دارد، نباید مزرعه دیگری را آبیاری کند. (کنایه است که از این که نباید با زنی که از شخص دیگری حامله است مقاربت کرد». رک: نووی، شرح صحیح مسلم، ۱۳۴۹، ج ۱۱، ص ۲۰۱) ابن قیم گفته است: «قرار دادن چهار ماه و ده روز عده زن شوهر مرده، بر اساس مصلحت و حکمت است، زیرا در این مدت وضعیت حاملگی مشخص می‌شود». (ابن قیم، اعلام الموقعین، ۱۴۰۸ هـ ج ۲، ص ۶۷). مرحوم فاضل لنکرانی می‌فرماید: «به دلیل اهمیت فراوان حفظ نسب‌ها، و لزوم توجه به عدم اتصال فرزندان به غیر از پدر و مادر، بر کسانی که در افاق عمل زایمان کار می‌کنند، لازم است نهایت دقت را بنمایند که در تحویل نوزادان به پدر و مادر، اشتباهی رخ ندهد». (سایت مرحوم فاضل لنکرانی [www.lankarani.net](http://www.lankarani.net)).

روایتی از امام صادق با این مضمون نقل شده است که در روز قیامت، معذب‌ترین مردم کسی است که نطفه‌اش را در رحم زنی که بر او حرام است قرار داده است. (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳ هـ ج ۴، ص ۴۳).

## ه- حق حیات جنین

در راستای حفظ جنین و اجتناب از ارتکاب جنایت بر او در اسلام مجازاتی برای مرتکبین سقط جنین قانون گذاری کرده است. در روایات مربوط به دیه، برای هر مرحله از مراحل سقط جنین، دیه تعیین شده است. در اسلام، جز در مواردی استثنایی و مشقت آور، کیفر و مجازات سقط جنین، از بدو بارداری بر اساس مراحل گوناگون آن در نظر گرفته شده است. این مجازات، دلیل حرام بودن سقط جنین در مراحل گوناگون شکل گیری آن است. روایات مجازات سقط جنین، به حد فراوانی رسیده اند، و فقها جز در موارد ضرورت و عسر و حرجی بودن بارداری، بر اساس آن روایات، فتوا داده اند. در فروع کافی (کلینی رازی، ۱۳۶۲، ج ۷، ص ۳۴-۳۴۲)، شانزده روایت در این زمینه ذکر شده است.

در تهذیب الاحکام (طوسی، ۱۳۸۲ هـ ج ۱۰، ص ۲۸۱-۲۸۸)، بیست و چهار حدیث، بیان شده، و در وسائل الشیعه (حرعاملی، ۱۴۰۱ هـ ج ۱۹، ص ۲۳۷-۲۴۶ و...) حدود بیست روایت ذکر شده است. کفاره نیز، به عنوان مجازات، در صورتی که سقط بعد از حلول روح باشد، ذکر شده است. (جبعی عاملی، الروضة البهیة، ۱۳۹۶ ق، ج ۱۰، ص ۲۹۴؛ نجفی، جواهر الکلام، ۱۴۰۴ ق، ج ۴۲، ص ۳۶۳).<sup>۱</sup>

## احکام شرعی جنین سقط شده و مادر او

اگر سقط جنین بعد از کامل شدن خلقت جنین رخ دهد، احکامی که برای ولادت گذاشته می شود بر سقط جنین نیز گذاشته می شود مانند: سپری شدن عده، طلاق گرفتن مشروط به تولد نوزاد و پاک شدن زن، اما اگر سقط در مراحل اولیه بارداری باشد یعنی قبل از دمیدن روح باشد، علمادراین زمینه نظرات مختلفی دارند.

## سپری شدن عده زن مطلقه

در وسائل الشیعه آمده: «محمد بن یعقوب، عن حمید بن زیاد، عن ابن سماعه، عن أبی الحسن (ع) قال: سأله عن الحبلی إذا طلقها زوجها فوضعت سقطاً تم أولم یتم، اووضعت مضغة فقال: کل شیء یستبین أنه حمل تم أولم یتم فقد انقضت عدتها و إن کان مضغة». (حرعاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۱ ق،

<sup>۱</sup> مراجعه شود به فصل مجازات سقط جنین

ج ۱۵، ص ۴۲۱). در شرح لمعه آمده: «عده زن باردار به وضع حمل بستگی دارد به هر شکل از مادر جدا شود در صورتی که منشأ خلقت انسان باشد گرچه به صورت علقه باشد و یک لحظه بعد از طلاق وضع حمل صورت گیرد ولی سقط نطفه ملاک برای سپری شدن عده نیست». (جبعی عاملی، الروضة البهیة، ۱۳۹۶ق، ج ۶، ص ۶۲).

در جواهر آمده: «بر هر مرحله از مراحل شکل گیری جنین جز مرحله نطفه سه امر تعلق می گیرد، وجوب دیه، سپری شدن عده ی زن مطلقه، زیرا بدیهی است که وضع حمل بر زنی که سقط کرده صدق می کند و کنیز می شود ام ولدت». (نجفی، جواهر الکلام، ۱۴۰۴ق، ج ۴۲، ص ۳۶۸) امام خمینی در تحریر الوسیله فرموده: «پایان عده زن مطلقه وضع حمل است گرچه بدون فاصله بعد از طلاق وضع حمل کند، خواه تام الخلقه باشد یا نباشد گرچه به صورت مضغه یا علقه باشد». (موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۳۵).

مرحوم فاضل لنکرانی فرموده: «زن بارداری که پایان عده او به وضع حمل می باشد، با سقط جنین وی چه به عمد و چه به غیر عمد، عده اش تمام می شود». (www.lankarani.net)

به نظر علمای حنفیه، شافعیه و حنابله، عده با سقط علقه یا مضغه که صورت آدمی ندارد. سپری و تمام نمی شود. (کاسانی، بی تا، بدائع الصنائع، ج ۳، ص ۱۹۶) به نظر علمای مالکیه با جدا شدن جنین از مادر گرچه علقه باشد عده زن حامله سپری و تمام می شود. (دسوقی، حاشیة الدسوقی، ۱۹۷۷م، ج ۲، ص ۴۷۴). قرطبی در جامع الاحکام گفته: «سقط علقه یا آنچه بعد از مرحله علقه است مانند مضغه، وضع حمل به حساب می آید و عده زن با آن پایان می یابد. این نظر مالک و پیروانش است. شافعی گفته سقط علقه برای پایان یافتن عده ملاک نیست بلکه پدیدار شدن شکل آدمی ملاک است و اگر شکل آن ظاهر نگردد و تنها گوشت باشد دو نظر در مورد آن استنباط و نقل شده است، و بنا به عبارت نقل شده عده سپری می شود» (انصاری قرطبی، جامع الاحکام، ۱۴۰۵ق/۱۹۸۵م، ج ۱۲، ص ۹۰).

### ترتیب احکام نفاس بر زنی که سقط کرده

اگر زن در مرحله ی مضغه سقط کند نفاس به حساب می آید و احکام طهارت زن نفساء بر او لازم است، اما اگر قبل از شکل گیری جنین در مرحله مضغه سقط کند احکام نفساء بر آن زن مترتب

نمی‌شود. (کاسانی، بدائع الصنائع، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۹۶؛ دسوقی، حاشیة الدسوقی، ۱۹۷۷م، ج ۱، ص ۱۱۷؛ رملی، نهاية المحتاج، ۱۹۳۸م، ج ۱، ص ۱۲۸).

آیت‌الله نوری همدانی در پاسخ به سوال ۲۴۹ در مورد خانمی که سقط جنین کرده فرموده است: «اگر غسل جنابت انجام داده، کفایت از غسل نفاس می‌کند و اعمالی که بعد از غسل جنابت انجام داده صحیح است». (سایت آیت‌الله نوری همدانی).

به نظر علمای مالکیه اگر زنی مضغه را سقط کند حکم نفساء دارد. (دسوقی، همان، ج ۱، ص ۱۱۷). این قول نزد شافعیه معتبر است. (زیلعی، تبیین الحقائق، ۱۳۱۳ق، ج ۱، ص ۶۳) به نظر علمای حنفیه زنی که سقط کرده حکم نفساء ندارد تا زمانی که چیزی از خلقت آدمی جنین ظاهر نشده باشد (بهوتی، منتهی الارادات، ۱۴۰۲ق، ج ۵، ص ۳۳۷). علمای حنبلی همین نظر علمای حنفیه را دارند. (همان). مرحوم فاضل لنکرانی فرموده‌اند: «اگر جنین سقط شده چهار ماه یا بیشتر داشته باشد، باید جنین را غسل میت داد و کفن و دفن کنند، و کسی که با بدن او تماس داشته است مانند: پزشک، مادر، پرستار و ... باید غسل مس میت انجام دهد». (www.lankarani.ne)

### غسل، کفن و دفن جنین سقط شده و نماز بر او

درو سائل الشیعه از امام صادق (ع) روایت شده جنین سقط شده اگر چهار ماهه باشد غسل او واجب است: «زرارة عن الصادق (ع) قال: السقط اذا تم له اربعة اشهر غسل» (حرعاملی، وسائل الشیعة، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۵۰۲).

سماعه از امام صادق (ع) روایت کرده اگر خلقتش کامل باشد غسل، کفن و دفن او واجب می‌شود: «قال سألت عن السقط اذا استوت خلقة يجب عليه الغسل والحد والكفن؟» قال (ع): «نعم كل ذلك يجب عليه اذا استوى» (همان). در مستدرک الوسائل آمده: «و اذا سقطت المرأة وكان السقط تاما غسل وحط وكفن ودفن وان لم يكن تاما فلا يغسل ويدفن بدمه وحده اتمامه اذا اتى عليه اربعة اشهر». (نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۷۵). یعنی اگر تام‌الخلقه باشد غسل، کفن و دفن می‌شود و اگر تام‌الخلقه نباشد غسل واجب نیست و دفن می‌شود، کامل بودن جنین با سپری شدن چهار ماه از انعقاد نطفه است. صاحب جواهر گفته: «اگر صدا بزنند بر او نماز خوانده می‌شود و دفن می‌گردد» (نجفی، جواهر الکلام، ۱۴۰۴ق، ج ۳۹، ص ۷۰).



مرحوم فاضل لنکرانی فرموده‌اند: «جنین سقط شده در صورتی که مرده به دنیا بیاید، نجس است. جنین سقط شده در صورتی که کمتر از چهار ماه دارد، باید در پارچه‌ای پیچیده شده و بدون غسل دفن شود.

بچه سقط شده در صورتی که کم‌تر از چهار ماه تمام داشته باشد لازم است به طور متعارف غسل دهند و کفن نمایند و سپس دفن شود و خواندن نماز میت لازم نیست.

— کسانی از قبیل مادر، ماما و... که با بدن بچه سقط شده‌ای که چهار ماه تمام بیشتر دارد تماس مستقیم پیدا کرده‌اند، لازم است غسل مس میت انجام دهند و اگر تماس توسط دستکش و مانند آن غیرمستقیم باشد، غسل لازم نیست. (www.lankarani.net).

به نظر علمای اهل تسنن اگر جنین در حالی که سقط می‌شود زنده باشد مثلاً صدا بزند لازم است غسل، کفن، دفن و بر او نماز خوانند. (ابن عابدین، حاشیه ابن عابدین، ۱۳۸۶ق، ج ۲، ص ۲۲۷؛ طرابلسی حطاب، مواهب الجلیل، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۰۸، ۲۴۰؛ ابن قدامه، المغنی، ۱۹۸۴م، ج ۱۲، ص ۳۷). ابن منذر ادعای اجماع بر آن (غسل و کفن و دفن و نماز خواندن بر او) نموده است. (ابن منذر، الاجماع، ۱۴۰۷ق، ص ۱۴۲).

در مصنف عبدالرزاق آمده که رسول خدا (ص) فرموده: «إذا استهل المولود صلی علیه، و إن لم يستهل لم یصل علیه» یعنی اگر صدازد استهلال کرد بر او نماز خوانده شود و اگر استهلال نکرد صدانزد بر او نماز خوانده نمی‌شود. (صنعانی، المصنف، ۱۳۹۲ق، ج ۳، ص ۵۲۹).

اما اگر قبل از چهار ماه سقط شود، به نظر مشهور فقهای اهل تسنن غسل نمی‌شود و بر او نماز خوانده نمی‌شود، بلکه در پارچه‌ای گذاشته می‌شود و دفن می‌گردد به خاطر حفظ کرامت انسان، ولی بعضی از علمای حنفیه معتقدند که غسل می‌شود. (ابن عابدین، همان، ۱۳۸۶ق، ج ۲، ص ۲۲۸).



## فصل سوم

### سقط جنین از دیدگاه

### قرآن، سنت، عقل و فقها

#### سقط جنین از دیدگاه قرآن

قبل از بیان حکم سقط جنین از منظر قرآن، لازم است به چند نکته اشاره شود، از آیات قرآن کریم و روایاتی که نقل شد به دست می آید که پدیده دمیدن روح در جنین بعد از تمامیت خلقت ظاهری و شکل گرفتن اعضای او است، و در بعضی روایات که نقل شد پایان چهار ماهگی (۱۲۰) روز را زمان دمیدن روح در جنین می دانند. تسویه در آیات عبارت است از: هماهنگی و توازن اعضای بدن جنین، از جمله این آیات آیه (۷۲) سوره (ص) است: «فَإِذَا سَوِيَتْهُ نُفِخَتْ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ».

ترجمه: پس آنگاه که او را به خلقت بیاراستیم و از روح خود در او دمیدیم پس بر او سجده کنید. آیاتی که ممکن است به آن‌ها بر حرام بودن سقط جنین استناد کرد عبارتند از:

۱- «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ». (سوره انعام، آیه ۱۵۱).

ترجمه: نفس آدمی را نکشید خدا شما را به این اندرزها سفارش نموده است.

۲- «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا». (سوره مائده، آیه ۳۲).

ترجمه: هر کس، کسی (نفسی) را بکشد که در مقابل قتل نفس نباشد یا اینکه در روی زمین فساد کند گویا همه مردم را کشته است.

دو آیه مزبور دلالت بر حرام بودن قتل نفس دارند، اما آیا لفظ نفس بر جنین صدق می کند تا اینکه مشمول آیات فوق شود و گفته شود که بر حرام بودن سقط جنین هم دلالت می کند. در پاسخ باید گفت: بر جنین قبل از دمیدن روح لفظ شیء صدق می کند نه نفس انسانی، پس اقدام به سقط جنین

قبل از دمیدن روح قتل نفس به حساب نمی آید، بنابراین در روایتی آمده: «... فاذا انشأ فيه خلق آخر وهو الروح فهو حينئذ فيه الف دينار دية كاملة» (کلینی رازی، الفروع من الکافی، ۱۳۶۲ ش، ج ۷، ص ۳۴۳)؛ یعنی اگر روح در جنین ایجاد شد در این هنگام آن جنین دارای نفس می باشد و دیه آن کامل که هزار دینار است، خواهد بود.

بنابراین، آیات مزبور برحرام بودن سقط جنین بعد از دمیدن روح دلالت دارند، و نسبت به سقط قبل از دمیدن روح ساکت می باشند و هیچ دلالتی بر آن ندارند.

اما آیا بعد از دمیدن روح به خاطر عذر و ضرورت چنانچه جان مادر مورد تهدید قرار بگیرد و به طور قطع ثابت شود که ادامه بارداری باعث مرگ مادر می شود، سقط جنین جایز است؟ در اینجا این کار (سقط جنین) باید براساس انتخاب کم ترین ضرر از بین دو ضرر صورت بگیرد. که آیا ضرر از دست دادن مادر و فوت او بیشتر به خانواده و جامعه لطمه می زند یا ضرر سقط جنین؟ در این حال باید براساس مخالفت بین دو مفسده عمل شود و آن را ملاک قرار داد.

۳- «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ». (سوره انعام، آیه ۱۵۱)؛ فرزندان را از فقر نکشید ما شما و آن ها را روزی می دهیم.

۴- «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ إِنْ قَتَلْتُمْ كَانَ خَطَاً كَبِيراً». (سوره اسراء، آیه ۳۱). فرزندان خود را به خاطر ترس از فقر نکشید، ما شما و آن ها را روزی می دهیم، به یقین کشتن آن ها گناه بزرگی است. این دو آیه بر حرام بودن قتل اولاد (فرزندان) دلالت دارند، اولاد (جمع ولد) و از ماده ی ولادت است که بر فرزند بعد از زایمان و ولادت صدق می کند و بر جنین قبل از تولد، حقیقتاً ولد صدق نمی کند، بنابراین، این سقط جنین قتل ولد به حساب نمی آید.

۵- «وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ». (سوره تکویر، آیه ۷ و ۸). هنگامی که از دختران زنده به گور سؤال می شود که شما به چه گناهی کشته شدید؟ این آیه نیز بر حرام بودن سقط جنین دلالت ندارد زیرا موضوع آیه به قرینه شأن نزول آن، زنده به گور کردن دختران است، یعنی دخترانی که بعد از تولد توسط بعضی از عرب های جاهلی زنده به گور می شدند، پس آیه دلالت بر حرام بودن سقط جنین نمی کند.

فاضل مقداد سیوری در استدلال بر اینکه سقط جنین، زنده به گور کردن به حساب نمی آید، می گوید: «روایت شده است که صحابه در مورد معنای موءده، زنده به گور شده، اختلاف نظر پیدا

کردند و اینکه آیا بیرون ریختن منی (وَأَد)، زنده به گور کردن محسوب می‌شود؟ و آیا سقط جنین توسط زن به صورت عمدی زنده به گور کردن است؟ امام علی (ع) فرموده‌اند: سقط جنین توسط زن، زنده به گور کردن به حساب نمی‌آید تا زمانی که طبقات و مراحل هفت گانه (التارات السبع) بر جنین بگذرد.

مراد حضرت علی (ع) از طبقات و مراحل هفت گانه (التارات السبع در روایت) طبقات و مراحل هفت گانه خلقت است که در آیه (وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ). (سوره مؤمنون، آیه ۱۳) وارد شده است، سپس حضرت با این عبارت اخیر اشاره کردند به اینکه هرگاه طفل زنده به دنیا بیاید و بعد از تولد گریه کند سپس دفن شود، زنده به گور کردن محسوب می‌شود و زنی که جنین خود را سقط کرده، زنده به گور کننده محسوب نمی‌شود. (مقداد سیوری، کنز العرفان فی فقه القرآن، ج ۲، ص ۳۷۵).

### اسقاط جنین از منظر سنت

در روایاتی از سقط جنین نهی شده است و برای هر مرحله از مراحل شکل‌گیری و خلقت دیه قرار داده شده، از این فهمیده می‌شود که سقط جنین در مراحل مختلف بدون عذر و ضرورت جایز نیست، به خصوص بعد از دمیدن روح. از جمله این روایات، روایت ذیل است که راوی می‌گوید: «سألت اباجعفر (ع) عن امرأة شربت دواء و هي حامل ولم يعلم بذالك زوجها فالت ولدها فقال: ان كان له عظم وقد نبت عليه اللحم، عليها دية تسلمها الى ابيه، وان كان حين طرحته علقه او مضغه فان عليها أربعين ديناراً، أو غرة تؤديها الى ابيه قلت له: فهي لا ترث ولدها من دية مع ابيه؟ قال: لا، لانها قتلتها فلا ترثه». (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۱ ق، ج ۱۷، ص ۳۹۰). راوی می‌گوید: از امام باقر (ع) در خصوص زنی پرسیدم که دارویی نوشیده، درحالی که باردار بوده و شوهرش از این موضوع آگاهی نداشته، در اثر آن بچه‌اش را سقط کرده امام علی (ع) فرمود: اگر جنین به مرحله استخوان‌بندی رسیده و گوشت بر آن روئیده باشد، بر زن دیه‌ای است که باید آن را به پدر جنین بپردازد و اگر زمانی که آن را سقط کرد، علقه و یا مضغه بوده باشد باید چهل دینار و یا غره (عبد یا امه مرغوبی که قیمتش یک دهم دیه کامل است) به پدرش بپردازد. عرض کردم: آیا این زن از دیه فرزندش ارث نمی‌برد؟ امام (ع) فرمودند: خیر، زیرا وی او را کشته است، به همین دلیل از او ارث نمی‌برد.

اسحاق بن عمار می گوید: «قلت لا بی الحسن (ع): المرأة تخاف الحبل فتشرب الدواء فتلقى مافی بطنها؟ قال: لا، فقلت، انما هو نطفة، فقال: ان اول ما یخلق نطفة». (حر عاملی، همان، ج ۱۹، ص ۱۵)؛ راوی می گوید به امام رضا (ع) عرض کردم: زن از باردار شدن می ترسد و دارو می نوشد و آنچه در شکم دارد می اندازد، امام (ع) فرمود: این کار را نباید بکند، گفتیم: نطفه ای بیش نیست، امام (ع) فرمود: نخستین چیزی که آفریده می شود، نطفه است. از دو روایت مزبور این مطلب استناد می شود که مصرف کردن دارو برای سقط جنین جایز نیست.

در روایات اهل سنت نیز برای سقط جنین، دیه قرار داده شده است، وابوه هریره گفته است: ((ان امراتین من هذیل رمت احدهما الاخری فطرحت جنیناً، فقضی فیه رسول الله (ص) بغرة)) (عسقلانی، بلوغ المرام، ۱۳۸۰ ق، ج ۱۲، ص ۲۴۷)؛ یعنی یکی از دو زن از قبیله هذیل به دیگری سنگی زد، دیگری در اثر آن سقط جنین کرد، پیامبر (ص) حکم کرد غره پرداخت کند.

و در حدیثی دیگر که راوی آن جابر بن عبدالله است آمده که رسول خدا (ص) غره ای بر عاقله ضارب قرار داده است (سجستانی، سنن ابی داود، ۱۹۸۳ م، ج ۴، ص ۵۴۲). این نمونه ای از روایات فریقین در این زمینه است. در آن ها برای سقط جنین دیه قرار داده شده، بنابراین سقط جایز نیست مگر به خاطر ضرورت و عذر موجه که در بحث سقط جنین از دیدگاه فقها به طور مفصل مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

### سقط جنین از دیدگاه عقل و بنای عقلا

سقط جنین امری ناپسند و زشت است، به طوری که مرتکبین آن تلاش می کنند آن را پوشیده نگه دارند و کارشان فاش نشود و بر خلاف میل فطری انسان است به خصوص اگر بعد از دمیدن روح و کامل شدن جنین باشد، زیرا در سقط آن شبهه لطمه وارد کردن به حرمت انسان است. علاوه بر اینکه در میان تمام مذاهب و ملل جهان یک جرم و عمل زشت به حساب می آید، و عقلای جهان آن را جز در شرایط خاصی زشت می دانند. البته در مواردی عقل اجازه به سقط جنین می دهد و گاهی این امر را لازم می داند، مانند موردی که بین زنده ماندن مادر و زنده ماندن جنین باید یکی را انتخاب نمود و یا در صورت خودداری از سقط جنین حیات مادر و جنین با هم در معرض خطر قرار بگیرند و نیز در مواردی که ادامه بارداری باعث سختی و مشقت فراوان شود و قابل تحمل نباشد. در چنین

مواردی بنای عقلا این است که ملاک و مصلحت دو طرف را با هم سنجیده، و بین بد و بدتر، بد را ناچارا انتخاب کنند و آن چه مهم تر است ارجح قرار گیرد.

### سقط جنین از دیدگاه فقها و علمای مذاهب اسلامی

بدون تردید مسأله سقط جنین امروزه بیش از پیش، توجه عموم مردم را به خود جلب کرده است، به خصوص سقط جنین در موادی که ادامه بارداری برای زن مشقت و سختی داشته باشد، و یا حفظ آبرو و حیثیت زن و خانواده او در سقط جنین و رهایی از عواقب آن باشد، بنابراین به دست آوردن حکم آن دارای اهمیت ویژه‌ای است. احکام شرعی سقط جنین و آثار مترتب بر آن از دیدگاه علمای شیعه و اهل سنت با توجه به انگیزه‌های متعدد سقط (کورتاژ) مورد بررسی قرار گرفته است، از جمله: سقط جنین به انگیزه نجات دادن مادر در صورتی که ادامه حاملگی حیات مادر یا حیات جنین و مادر را تهدید کند. سقط جنین به خاطر پیشگیری از انتقال بیماری‌های خونی مانند بیماران هموفیلی، سقط جنین به انگیزه‌ی رهایی از به وجود آمدن کودک ناقص الخلقه، سقط جنین به انگیزه پیشگیری از سرایت صفات ارثی و... بعضی از فقها گفته‌اند اگر به سقط جنین اجازه دهیم باید علل و اسباب ضروری بودن سقط جنین به طور قطع ثابت شود و به نتایجی که در پی دارد یقین حاصل شود و دلایلی که بیان می‌شود به قدری محکم باشد که به ممنوعیت سقط ترجیح داده شود و مدت سپری شدن بارداری و دمیدن روح در جنین مدنظر قرار بگیرد. این بحث به حق زن باردار در سقط جنین در موارد گوناگون از دیدگاه فقهای شیعه و اهل سنت پرداخته است.

بعضی از فقهای مذاهب اهل تسنن اجماع نموده‌اند بر اینکه سقط جنین به حساب نمی‌آید مگر بعد از سپری شدن (۱۲۰) روز از بسته شدن نطفه. آن‌ها حلول روح در جنین را منوط به سپری شدن این مدت کرده‌اند. حنبلی‌ها زمانی سقط جنین را جرم می‌دانند که جنین به شکل انسان کامل در آمده باشد.

بعضی از علمای حنفیه و شافعیه سقط جنین را قبل از حلول روح، بدون هرگونه شرطی بی‌اشکال و مباح دانسته‌اند، بعضی دیگر از فقهای حنفیه معتقدند اگر دلیلی داشته باشد مباح است، برخی از فقهای مالکی آن را حرام می‌دانند هر چند قبل از دمیدن روح باشد و عده‌ای دیگر از فقهای همین مذهب سقط را قبل از چهل روز مکروه دانسته‌اند. بیشتر فقهای مذاهب اهل تسنن در مورد

سقط بعد از دمیدن روح به ملاک‌ها و مصلحت‌هایی که در آن است توجه کرده‌اند که آیا بر مصلحت و ملاک‌های حرام بودن سقط جنین ترجیح دارند یا خیر؟ و به عبارتی دیگر باید کم‌ترین ضرر از میان دو ضرر و مهم‌ترین و ارجح‌ترین را مدنظر قرارداد.

نظر فقهای امامیه درباره‌ی سقط جنین این است که بعد از بسته شدن نطفه اجازه‌ی سقط وجود ندارد و برای مراحل مختلف آن (نطفه قرار یافته در رحم، علقه، مضغه، عظام) (تشکیل استخوان) قبل از پوشاندن به گوشت و پس از آن، و بعد از دمیدن روح) در صورت سقط، دیه تعیین کرده‌اند، و صرف اینکه جنین ناقص‌الخلقه و یا پس از تولد فقط مدت کوتاهی زنده بماند و یا به انگیزه‌رهایی از جنین نامشروع اجازه به سقط جنین ندارد. مگر اینکه بقای جنین برای مادر موجب زحمت طاقت‌فرسا باشد که در این صورت قبل از دمیدن روح بنا به نظر بعضی از فقهای سقط جنین جایز است اما بعد از دمیدن روح دیگر جایز نیست و در صورتی که ثابت شود که بین زندگی مادر و جنین باید یکی انتخاب گردد و ترس از بین رفتن وجود دارد باید آنچه به مصلحت و ارجح است مدنظر قرار گیرد، بنابراین از دیدگاه آن‌ها جنین دارای حقوقی است و آثاری بر آن مترتب می‌شود.

سقط جنین ممکن است پیش از دمیدن روح و یا پس از آن باشد، قبل از دمیدن روح دارای مراتبی است، ممکن است در یکی از سه مرحله: نطفه (لقاح تخمک و اسپرم)، علقه و مضغه باشد. دمیدن روح در جنین بعد از (۱۲۰) روز یا سپری شدن چهارماه از بسته شدن نطفه است. سقط به انگیزه‌های متعدد و گوناگون می‌باشد، مانند سقط جنین به قصد پنهان کردن عمل شنیع زنا، سقط به خاطر سختی و مشقت، سقط به علت ناقص‌الخلقه بودن جنین، سقط در صورتی که جان مادر در اثر ادامه بارداری مورد تهدید قرار بگیرد، سقط در راستای کنترل جمعیت، سقط به خاطر فقر و مشکلات اقتصادی، سقط به خاطر ابتلاء مادر و یا جنین به بیماری‌های واگیر و خطرناک.

احکام این موارد از منظر فقهای مذاهب اسلامی متفاوت است که به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌گیرند:



## سقط جنین هنگام تهدید جان زن باردار

### ۱. آراء و نظرات فقهای شیعه

از فقهای معاصر شیعه که به طور صریح فتوی داده‌اند: مقام معظم رهبری، آیت‌الله سیستانی، مرحوم فاضل لنکرانی، آیت‌الله مکارم و آیت‌الله صائمی که سقط را قبل از دمیدن روح جایز دانسته‌اند. آرای این بزرگواران عبارت است از: «سقط جنین شرعاً حرام است و در هیچ حالتی جایز نیست، مگر آن‌که استمرار حاملگی برای حیات مادر خطرناک باشد که در این صورت سقط جنین قبل از دمیدن روح اشکال ندارد، ولی بعد از دمیدن روح جایز نیست حتی اگر ادامه حاملگی برای حیات مادر خطرناک باشد مگر آن‌که استمرار بارداری، حیات مادر و جنین هر دو را تهدید کند و نجات زندگی طفل به هیچ وجه ممکن نباشد ولی نجات زندگی مادر به تنهایی با سقط جنین امکان داشته باشد» (خامنه‌ای، رساله اجوبه الاستفتاءات، ۱۳۸۵ش، ص ۲۸۰).

«اگر تهدید حیات مادر بر اثر استمرار حاملگی مستند به نظر پزشک متخصص و مورد اطمینان باشد، سقط جنین قبل از دمیدن روح در آن اشکال ندارد». (همان، ص ۲۷۹).

از امام خمینی سؤال شده: زنی حامله شده و یک ماه ونیم از بارداری او می‌گذرد، پزشکان می‌گویند حاملگی برای مادر خطر جانی دارد و موجب فلج شدن وی خواهد گشت، آیا سقط جنین برای چنین مادری جایز است یا خیر؟ امام در جواب می‌فرماید: «اگر ضرر و خطر جانی برای مادر دارد، قبل از دمیده شدن روح در جنین، سقط جایز است». (وحیدی، احکام بانوان، ۱۳۷۳، ص ۹۷). آیت‌الله اراکی در پاسخ به سؤالی درباره‌ی سقط چنین گفته: «اگر قبل از دمیدن روح باشد و اطمینان از گفته دکتر حاصل شود به این که در صورت بقای جنین، مادر می‌میرد، جایز است» (اراکي، استفتاءات، ۱۳۷۳، ص ۲۵۰).

آیت‌الله سیستانی می‌گوید: «سقط کردن بچه جایز نیست، هر چند از زنا باشد، مگر اینکه باقی ماندن آن برای زن ضرر غیرقابل تحملی داشته باشد یا مشقت زیاد داشته باشد که در این صورت قبل از جان یافتن بچه (قبل از دمیدن روح) جایز است در غیر این صورت به هیچ وجه سقط جایز نیست» (سیستانی، منتخب توضیح المسائل، ۱۴۲۰ق، ص ۲۵۰).

و نیز فرموده: «انداختن حمل پس از بسته شدن نطفه جایز نیست، مگر آن‌که ترس از آن باشد که ادامه حمل به جان مادر زیان بزند، که در این صورت اگر روح در نطفه دمیده نشده باشد جایز است لیکن

پس از دمیده شدن روح در نطفه، سقط جنین مطلقاً جایز نیست». (همان، ص ۳۲۲) و در جواب سؤال ذیل: اگر به خاطر جنین جان مادر در خطر باشد سقط آن جایز است یا خیر؟ آقای سیستانی فرموده‌اند: «اگر جان نداشته باشد جایز است و بر کسی که سقط کند دیه لازم است و اگر جان داشته باشد به هیچ وجه جایز نیست». (محمودی، مسائل جدید، ۱۳۸۶ ش، ج ۴، ص ۱۳۷).

در کتاب (فقه برای غرب‌نشینان مطابق با فتاوی آیت‌الله سیستانی) سؤال شده «آیا مادری که فرزند نمی‌خواهد می‌تواند جنین خود را قبل از حلول روح بیندازد در حالی که ماندن جنین، خطر جدی برای مادر ندارد؟

جواب: او چنان حقی را ندارد مگر آن که بقای جنین برای مادر موجب زحمت فوق‌العاده و طاقت‌فرسا باشد». (حکیم، فقه برای غرب‌نشینان، ۱۳۷۹ ش، ص ۲۸۴).

و نیز در همین کتاب آمده: «پس از بسته شدن نطفه، سقط جنین به هیچ وجه جایز نمی‌باشد مگر زمانی که مادر بر جان خود بترسد و یا ماندن جنین در شکم او آن قدر پر زحمت باشد که غیر قابل تحمل گردد و برای خلاصی از آن، جز سقط جنین راهی دیگر نداشته باشد، در این صورت تا روح در جنین دمیده نشده سقط جایز است» (همان، ص ۲۸۳).

آیت‌الله نوری همدانی سقط جنین را جایز نمی‌داند مگر در صورتی که معالجه‌ی زن حامله به سقط جنین بستگی داشته باشد، در مسأله (۹۸۸) از ایشان سؤال شده: «اگر زن حامله مریض شود و دکتر متخصص تشخیص بدهد که معالجه‌ی زن بستگی به سقط جنین دارد، آیا در این فرض سقط جنین جایز است؟

ایشان می‌فرمایند: «جایز نیست»، و نیز در مسأله (۹۰۷) سؤال شده: «پزشکان برای درمان بیماری زن حامله‌ای اینطور تشخیص داده‌اند که بیمار باید بچه چهارماهه خود را سقط کند، آیا سقط کردن جایز است یا خیر؟ و اگر جایز است آیا دیه تعلق می‌گردد یا خیر؟ و اگر دیه تعلق بگیرد دکتر معالج باید دیه بدهد یا مادر؟ ایشان در پاسخ می‌فرماید: «سقط جنین در هیچ حال جایز نیست و در فرض مذکور دیه را دکتر معالج باید بدهد».

آیت‌الله نوری در چند فتوای دیگر که در صورتی که زن حامله مبتلا به سرطان باشد و یا اینکه ادامه حاملگی موجب شدت یافتن بیماری‌ها مانند بیماری کلیوی، عصبی و...

شود نیز سقط جنین را جایز ندانستند و تنها در یک مورد که سقط درمانی برای حفظ جان مادر در بیماری‌های مختلف با تشخیص متخصصین مورد اعتماد باشد، سقط را جایز دانسته است. این فتاوی عبارتند از:

مسأله ۸۷۷- اگر ادامه حاملگی موجب شدت یافتن و یا طولانی شدن بیماری مادر گردد، مانند بیماری‌های کلیوی، قلبی و عصبی آیا سقط جنین را تجویز می‌فرمایید؟ جواب: خیر

مسأله ۸۷۹- در زن حامله که مبتلا به سرطان رحم شده است و درمان آن به اشعه درمانی نیاز دارد و دادن اشعه هم باعث ناقص‌الخلقه شدن جنین می‌شود آیا می‌توان قبل از اشعه درمانی سقط درمانی کرد؟ در صورت جواز چند درصد احتمال ایجاد ناهنجاری در مصرف دارو، اشعه درمانی و شیمی درمانی موجب تجویز سقط جنین می‌باشد؟

جواب: بدون سقط جنین زن بیمار را معالجه نمایند.

مسأله ۸۸۰- آیا در زن مبتلا به سرطان رحم که حامله است می‌توان قبل از دادن اشعه، سقط درمانی کرد؟ جواب: جایز نیست.

مسأله ۸۸۱- سقط درمانی برای حفظ جان مادر در بیماری‌های مختلف که در کتب علمی معتبر و متخصصین مورد اعتماد اعلام می‌نمایند چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که جان مادر در خطر است مادر می‌تواند جنین را سقط نماید ولی برای دیگران جایز نیست استفتاءات، سایت آیت‌الله نوری همدانی ([www.nooriamedani.com](http://www.nooriamedani.com)).

آقای مکارم شیرازی در صورتی که خطری متوجه مادر باشد سقط جنین را در مراحل اولیه جایز می‌داند، ایشان در پاسخ به سؤال ذیل سقط جنین یک ماهه با رضایت شوهر و با استفاده از آمپول چه حکمی دارد؟ فرموده‌اند: جایز نیست مگر آن که خطر مهمی متوجه زن باشد. و در جواب به این سؤال که آیا سقط جنین را جایز می‌داند؟ گفته‌اند: تنها در صورتی که یقیناً ترس این باشد که خطر یا ضرر مهمی برای مادر داشته باشد در مراحل اولیه جایز است (استفتاءات، سایت آیت‌الله مکارم شیرازی ([www.makaremshirazi.org](http://www.makaremshirazi.org))). آیت‌الله صافی گلپایگانی در جواب این سؤال که: اگر به خاطر جنین جان مادر در خطر باشد سقط آن جایز است یا خیر؟ فرموده‌اند: «در فرض سؤال اگر روح در جنین دمیده باشد سقط آن جایز نیست و اگر روح ندمیده باشد اجازه‌ی سقط کردن جنین محل اشکال است» (محمودی، محسن، مسائل جدید ۱۳۸۶ ش، ج ۴، ص ۱۳۸).

آیت‌الله بهجت در پاسخ به سؤال فوق فرموده‌اند: «بلی باتشخیص افراد خبره و احتیاطاً خبره متعدد باشد» (همان) مرحوم آیت‌الله تبریزی در جواب همان سؤال فرموده‌اند: «قبل از دمیدن روح در فرض سؤال جایز است» (همان).

آقای صانعی گفته‌اند: «سقط جنین، مطلقاً حرام است، بلکه حتی در صد شک هم جایز نیست یعنی با احتمال انعقاد نطفه و یا بسته شدن حیض هم نمی‌توان با خوردن دارو و یا غیر آن، چنین کاری کرد. این حکم، هر چند برخلاف قواعد است، لیکن گفتار قابل سندیت است و صحیحه رفاعه بر آن دلالت دارد. ولی برای رفع خطر از مادر، با توجه به نظر کارشناسی دشواری غیرقابل تحمل، بر فرض بر اینکه روح دمیده نشده باشد نمی‌توان گفت حرام است و برای برداشتن آن دشواری حرام نیست. (صانعی، احکام بانوان، ۱۳۸۶، ص ۲۵۷).

اما سقط جنین بعد از دمیدن روح حتی موضوع خطر مرگ مادر و جنین باشد جایز نیست. ولی گفته مادر می‌تواند خود را معالجه کند هر چند منجر به سقط جنین گردد. «حکم به جواز کشتن و از بین بردن جنین، بعد از دمیدن روح (چهار ماهگی) که قتل نفس است و دیه‌اش کامل است. مشکل، بلکه ممنوع است؛ هر چند با تردید امر بین مردن مادر و یا از بین رفتن فرزند باشد در هیچ یک از آن دو، مزیت و ترجیحی به نظر نمی‌رسد، آری، در این صورت مادر می‌تواند خود را معالجه نماید، هر چند اینکه منجر به سقط جنین گردد». (همان، ص ۲۵۷-۲۵۸).

آقای صانعی در پاسخ به سؤالی درباره اینکه ادامه بارداری برای مادر خطر جانی دارد می‌گوید: «با توجه به خطر جانی که هست و بودن جنین قبل از چهار ماهگی و فرض عدم دمیدن روح، چنین سقطی را نمی‌توان گفت حرام است، بلکه ظاهراً به خاطر دشواری و حفظ نفس محترمه صاحب روح (زن باردار)، جایز است». (صانعی، استفتاءات قضایی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۵۹۶).

در همین زمینه می‌فرماید: «سقط جنین، مطلقاً حرام است، لیکن برای رفع خطر وسختی و مشقت غیرقابل تحمل برای مادر، با توجه به نظر کارشناس، تا قبل از چهار ماهگی ظاهراً مانعی ندارد؛ ولی بعد از چهار ماهگی به هیچ وجه جایز نیست، بلکه حرام است و رضایت شوهر در مواردی که سقط جایز است باید جلب گردد». (همان).

مرحوم فاضل لنکرانی در مواردی که ادامه حاملگی برای مادر خطر جانی داشته باشد و یا اینکه بیماری مادر به حدی باشد که درد غیرقابل تحمل داشته باشد، سقط جنین را جایز دانسته است. حتی

در مواردی که معالجه مادر لازم و ضروری باشد و در ضمن معالجه جنین سقط شود، جایز می‌داند هرچند بعد از دمیده شدن روح باشد. نظرات و آرای ایشان در این موارد به شرح ذیل می‌باشد: «اگر بیماری مادر به حدی است که درد غیرقابل تحمل دارد و معالجه، لازم و ضروری است ولی در ضمن معالجه جنین طبعاً سقط می‌شود، اقدام و معالجه چه قبل از دمیده شدن روح باشد یا بعد از آن، جایز است».

- اگر ادامه حاملگی در آینده برای مادر خطر جانی دارد، هرچند در حال حاضر درد غیرقابل تحملی ندارد، سقط جنین جایز است.

- اگر پزشکان متخصص بگویند: در صورتی که زن کورتاژ نکند، در هنگام تولد یا زن می‌میرد یا بچه، و از گفته آنان اطمینان حاصل شود، کورتاژ جایز است. اگر عمل جراحی برای مادر ضرورت دارد و در اثر جراحی احتمال دارد بچه بمیرد، در صورتی که مادر با عمل جراحی حتماً نجات می‌یابد، جراحی اشکال ندارد.

- اگر زنی نیاز به عمل جراحی پیدا کند که عمل جراحی، مستلزم بی‌هوشی است و یا بی‌هوشی کردن مادر بچه می‌میرد، باید در صورت امکان مادر را به وسیله بی‌حسی موضعی یا بدون بی‌هوشی عمل کرد. اما اگر بی‌هوش کردن او ضرورت دارد، مانعی ندارد.

در صورتی که زنده ماندن مادر متوقف به سقط کردن جنین باشد، سقط جایز است و باید دیه‌ی آن پرداخت شود.

استفاده از قرص‌های جلوگیری بعد از آمیزش در صورتی جایز است که زن یقین به حامله بودن خود نداشته باشد، مگر اینکه ضرر مهمی برای زن داشته باشد». استفتاءات، سایت مرحوم آیت‌الله فاضل لنکرانی (www.lankarani.net).

و نیز فرموده‌اند: «مواردی که سقط جنین جایز است به شرح ذیل می‌باشد: الف) با تشخیص پزشک متخصص و مورد اطمینان بقای حمل برای مادر خطر جانی داشته باشد، در این صورت سقط جنین جایز است هرچند پرداخت دیه لازم می‌شود.

ب) در صورتی که مادر درد غیرقابل تحمل فعلی دارد، در چنین صورتی معالجه مادر لازم و ضروری است هرچند در ضمن معالجه جنین، چه روح به آن دمیده شده باشد و چه هنوز دمیده نشده باشد سقط شود.

- سقط جنین مطلقاً جایز نیست چه قبل و چه بعد از چهار ماهگی و فقط در صورتی که ترس خطر جانی برای مادر داشته باشد این امر تجویز می‌شود.

- تنها با این احتمال که ماندن جنین در شکم مادر موجب مرگ مادر می‌شود، نمی‌توان جنین را سقط کرد، اما اگر پزشک متخصص تشخیص داد و مادر نیز از گفته او یا از راه دیگری اطمینان حاصل کرد که ماندن جنین برای حیات یا سلامت او خطر جدی دارد، اگر برای نجات جان خود جنین را سقط کند مانعی ندارد.

- خانمی که بر اثر وضع حمل زیاد گرفتار امراض گوناگون از قبیل استخوان درد، ضعف اعصاب شدید و ناراحتی قلبی شده، در صورتی که مجدداً حامله شود، خودش یا پزشک نمی‌تواند جنین را سقط کنند بلکه در چنین فرضی باید مادر از بارداری جلوگیری کند، حتی با عقیم کردن خود، اما اگر حامله شد و بقای حمل موجب ضرر غیرقابل تحمل بود، سقط جنین جایز است.

- زن بارداری که در اثر تصادف برای درمان نیاز به عمل جراحی فوری دارد و لازمه عمل این است که مادر بی‌هوش شود و در اثر بی‌هوشی مادر، یقین داریم یا احتمال می‌دهیم که جنین، بعد از دوران چهار ماهگی و دمیده شدن روح به او است سقط می‌شود، در این فرض باید کوشش شود حتی‌الامکان با بی‌حس کردن موضعی یا بدون بی‌هوشی، عمل انجام گیرد اما اگر این گونه ممکن نبود، بی‌هوش کردن مادر برای عمل جراحی اشکال ندارد، هر چند فرزندش سقط شود.» (استفتاءات، سایت مرحوم آیت‌الله فاضل لنکرانی (www.lankarani.net)).

اگر تنها راه نجات جان مادر به طور حتمی و یقینی بستگی به سقط جنین داشته باشد، تعارض میان حفظ جان انسانی که دارای حیات است و بین نطفه‌ای که آفرینش آن آغاز شده و روح در آن دمیده نشده است، در این صورت (قبل از دمیدن روح) قواعد و اصول شریعت ما را به حفظ جان انسانی که دارای حیات است ملزم می‌کند؛ زیرا سقط جنین اخف ضررین است (سبک‌ترین ضرر و زیان از بین دو ضرر) و برای از بین بردن مفسده‌ای بیشتر است.

اما اگر بعد از نفخ روح باشد، و مرگ مادر در اثر ادامه حاملگی به نظر متخصصان عادل قطعی و حتمی باشد، تعارض میان دو مفسده (مفسده مردن مادر و مفسده مردن جنین) یا بین مصلحت حفظ جان مادر و مصلحت حفظ جان جنین، باید قاعده دفع افسد به فاسد و تقدیم اهم بر مهم (برگزیدن موردی که مهم‌تر و ارجح است) مدنظر قرار داد، به نظر می‌رسد مصلحتی که در حفظ جان مادر

است مهم‌تر از مصلحت حفظ جان جنین باشد، و عواقب این مفسده بر اثر از دست دادن مادر بیشتر از عواقب مفسده بر سقط جنین است، علاوه بر اینکه مادر اصل و جنین فرع است. در بحث قصاص فقها اتفاق نظر دارند بر اینکه اگر پدر و یا مادر فرزند خود را بکشند هیچ‌یک از آن‌ها قصاص نمی‌شود و می‌گویند: اصل به خاطر فرع کشته نمی‌شود، در هر حال هر چه این یک نوع قیاس است ولی می‌تواند بیانگر همین مطلب باشد. مرحوم آیت‌الله گلپایگانی فرموده‌اند: «در صورتی که مادر ناچار از معالجه است و معالجه مستلزم اسقاط جنین است قبل از دمیدن روح، سقط جایز است» (گلپایگانی، ارشاد السائل، بی‌تا، ص ۱۷۳، س ۶۳۸).

## بررسی و تحلیل

هرچند این علما و فقها فتاوی خود را در این زمینه مستند نکرده‌اند، ولی می‌توان به دلایل ذیل بر حکم مزبور استناد کرد: قاعده دفع (افسده به فاسد، تقدیم اهم بر مهم، و ارتکاب اخف ضررین (سبک‌ترین ضرر از دو ضرر) هم‌چنین بر اساس قاعده عسر و حرج (سختی و تنگنا) زن باردار حق سقط جنین را دارد، هنگامی که امر بین دو موضوع سقط جنین و جان مادر باشد، و یا این که ادامه بارداری برای زن طاقت‌فرسا باشد. اگر تنها راه نجات جان مادر به طور حتمی و یقینی بسته به سقط جنین باشد، تعارض میان حفظ جان انسانی که دارای حیات است، و بین نطفه‌ای که آفرینش آن آغاز شده و روح در آن دمیده نشده است، در این صورت قواعد و اصول شریعت ما را به حفظ جان انسانی که دارای حیات است ملزم می‌کند؛ زیرا سقط جنین اخف ضررین است (سبک‌ترین ضرر و زیان از دو ضرر) اما اگر بعد از دمیدن روح باشد، و مرگ مادر در اثر ادامه حاملگی به نظر متخصصان عادل قطعی و حتمی باشد، اختلاف بین دو مفسده یعنی مفسده مردن مادر و مفسده مردن جنین یا بین مصلحت حفظ جان مادر و مصلحت حفظ جان جنین، باید آنچه کم‌ترین ضرر را دارد و مهم‌ترین انتخاب شود. به نظر می‌رسد مصلحتی که در حفظ جان مادر است مهم‌تر از مصلحت حفظ جان جنین باشد، مفسده‌های متعاقب بر از دست دادن مادر بیشتر از مفسده‌هایی است که در پی سقط جنین به وجود می‌آید. علاوه بر این، مادر اصل و جنین فرع است. در بحث قصاص، فقها اتفاق نظر دارند بر این که اگر پدر فرزند خود را بکشد، قصاص نمی‌شود و

می‌گویند: اصل به خاطر فرع کشته نمی‌شود، در هر حال گرچه این یک نوع قیاس است، ولی می‌تواند بیان‌گر موضوع سقط جنین باشد.

## ۲. آراء و نظرات علمای اهل تسنن

فقها و علمای اهل تسنن در این زمینه نظرات و آرای مختلفی دارند، بعضی از معاصرین اهل تسنن به اجازه‌ی سقط جنین فتوی داده‌اند، حتی اگر بعد از (۱۲۰) روز (یعنی بعد از دمیدن روح باشد) از جمله این‌ها محمود شلتوت رئیس سابق جامع الازهر است که گفته: «اگر از راه مطمئن ثابت شود که باقی ماندن جنین بعد از اینکه حیات او تحقق یافت، یعنی بعد از (۱۲۰) روز حتماً به مرگ مادر منجر می‌شود دین اسلام بر اساس قواعد عمومی و اصولش به أخف ضررین (سبک‌ترین ضرر ازد و ضرر) دستور می‌دهد، اگر در باقی مانده جنین مرگ مادر نهفته است و جز سقط جنین راهی برای نجات مادر نیست، درحالی‌که مادر دارای سهمی از حیات باشد. دارای حقوقی و وظایفی است، علاوه بر اینکه مادر ستون خانواده است بنابراین معقول نیست مادر را به خاطر جنین قربانی کرد» (شلتوت، الفتاوی الاسلامیه، ۱۹۶۲م، ص ۴۶۴).

در گزارش کنفرانس رباط (مراکش) که توسط علمای اهل تسنن تحت عنوان اسلام و تنظیم خانواده (الاسلام وتنظیم الاسره) در سال ۱۹۷۱ میلادی برگزار شده آمده: «آرای فقها بررسی شده و معلوم شده که سقط جنین بعد از ماه چهارم حرام است، مگر به خاطر ضرورت تأکیدی جهت حفظ جان مادر، اما قبل از چهارماهگی با وجود آرای فقهی متعدد نظر صحیح، منع سقط جنین در تمام مراحل است، مگر اینکه برای حفظ حیات مادر سقط جنین بسیار ضروری باشد یا از زنده ماندن جنین ناامید شوند» (تقریر مؤتمر الرباط عن الاسلام و تنظیم الاسره، ۱۹۷۴م).

ابن عابدین از علمای حنفی مذهب سقط جنین را جایز نمی‌داند، اگرچه در صورت ادامه بارداری ترس بر جان مادر باشد، به نظر ایشان مرگ مادر در صورت ادامه بارداری حتمی نیست بلکه یک امرخیالی است ایشان گفته: «اگر جنین زنده باشد کشتن او جایز نیست زیرا مرگ مادر به خاطر ادامه بارداری حتمی نیست، پس جایز نیست قتل انسان زنده به خاطر یک امر وهمی» (ابن عابدین، حاشیه ابن عابدین، ۱۳۸۶ق، ج ۲، ص ۲۳۸).



ممکن است این سخن مورد نقد قرار بگیرد و گفته شود امروزه علم پزشکی می تواند از مرگ قطعی و حتمی اطلاع دهد و کشف کند، در پاسخ گفته می شود: کسانی که معتقد به سقط جنین در این مورد شده اند فتوی آن ها، براساس قطع و یقین داشتن به مرگ مادر در صورت ادامه بارداری بوده است.

این قدامه از علمای حنبلی مذهب، سقط جنین را بعد از دمیدن روح جایز نمی داند اگرچه ترس برجان مادر وجود داشته باشد ابن قدامه، المغنی، ج ۸، ص ۲۴۴).

بعضی از معاصرین اهل تسنن سقط جنین قبل از دمیدن روح را به خاطر ضرورت و عذر معتبر جایز دانسته اند و یکی از ضرورتها نجات دادن جان مادر است از جمله این ها یوسف قرضاوی است. (قرضاوی، فتاوی معاصره، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۵۴۷).

## اسقاط جنین هنگام تهدید جان مادر و جنین

### ۱. آراء و مستندات فقهای شیعه

از فقهای شیعه مقام معظم رهبری سقط جنین قبل از دمیدن روح و بعد از دمیدن روح را جایز می داند در صورتی که نجات زندگی طفل ممکن نباشد و ناگزیر از انتخاب بین مرگ جنین به تنهایی و یا مرگ جنین به همراه مادر او باشد. نظرات ایشان در این مورد به شرح زیر ارائه می گردد.

در مسأله ۱۲۶۱ از مقام معظم رهبری به صورت ذیل استفتاء شده: «اگر جنین در رحم، در شرف مرگ حتمی باشد و باقی ماندن آن در رحم به همان حال برای زندگی مادر خطرناک باشد، آیا سقط آن جایز است و اگر شوهر آن زن مقلد کسی باشد که سقط جنین در حالت مذکور را جایز نمی داند ولی زن و اقوام او از کسی تقلید می کنند که آن را جایز می داند، تکلیف مرد در این حالت چیست؟ در پاسخ می فرمایند: «چون در فرض سؤال ناچار از انتخاب بین مرگ حتمی طفل به تنهایی و بین مرگ حتمی طفل و مادر او هستند، بنابراین چاره ای جز این نیست که لااقل زندگی مادر با سقط جنین نجات داده شود و در فرض سؤال، شوهر حق ندارد همسرش را از این کار منع کند، ولی واجب است تا حد امکان به گونه ای عمل شود که قتل طفل مستند به کسی نشود». (خامنه ای، رساله اجوبه الاستفتاءات، ۱۳۸۵ش، ص ۲۸۱) و نیز می فرمایند: «سقط جنین شرعاً حرام است و در هیچ حالتی جایز نیست، مگر آن که ادامه ی حاملگی برای حیات مادر خطرناک باشد که در این صورت

سقط جنین قبل از دمیدن روح، اشکال ندارد ولی بعد از دمیدن روح جایز نیست حتی اگر ادامه حاملگی برای حیات مادر خطرناک باشد، مگر آن که استمرار بارداری حیات مادر و جنین هر دو را تهدید کند و نجات زندگی طفل به هیچ وجه ممکن نباشد ولی نجات زندگی مادر به تنهایی با سقط جنین امکان داشته باشد. (همان، ص ۲۸۰)

از مرحوم اراکی سؤال شده: هرگاه به تشخیص پزشک متخصص، حمل برای مادر خطر داشته باشد یعنی حفظ هر دو ممکن نباشد و به ناچار باید یکی از آن‌ها از بین برود، آیا سقط جایز است؟ و آیا بین دمیدن روح و قبل از دمیدن روح تفاوت هست؟ در جواب می‌فرماید: «بعد از دمیدن روح جایز نیست و قبل از آن، محل اشکال است». (اراکي، استفتاءات، ۱۳۷۳ش، ص ۲۵۲، س ۱۵). یکی از موارد جایز بودن سقط جنین به نظر مرحوم لنکرانی موردی است که بقای جنین موجب مرگ مادر و جنین بشود. از جمله مواردی که سقط جنین جایز است بقای جنین موجب مرگ مادر و جنین - دو - بشود» (سایت مرحوم آیت الله لنکرانی) و نیز فرموده: «مادر بارداری که ادامه حاملگی با حیات او مغایرت دارد و پرورش جنین خارج رحم ممکن نباشد و بعد از مرگ مادر هم زنده نمی‌ماند، در صورتی می‌توان به منظور نجات جان مادر به حاملگی خاتمه داد که تا آخرین زمان امکان ادامه حیات آن دو صبر شود. (لعل الله یحدث بعد ذلک امرأ) و پس از آن بعد از اطمینان کامل به این که جنین در هر حال فوت خواهد کرد، سقط آن به منظور حفظ جان مادر توسط مادر مانعی ندارد». (همان).



**تحلیل:** می‌توان نظرات و فتاوی این دسته از فقها را مستند کرد به حکم عقل به مرتکب شدن اخف ضررین، چون ضرر از دست دادن جنین کم‌تر است از ضرر از دست دادن مادر و معقول نیست مادر را قربانی جنین کرد. مادر اصل است نمی‌شود وی را قربانی جنین کرد که فرع است.

## ۲. آراء علمای اهل تسنن

به نظر برخی از علمای اهل تسنن اگر سقط جنین تنها راه نجات مادر از مرگ حتمی است که منجر به مرگ مادر و جنین شود، سقط به طور مطلق جایز است چه بعد از دمیدن روح یا قبل از دمیدن روح باشد. (الموسوعة الفقهية الكويتية، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۷).

## اسقاط جنین نامشروع

### ۱. آراء و مستندات فقهایی شیعه

فقهائ نسبت به سقط جنین نامشروع چه در اثر تجاوز به اجبار باشد و یا در اثر زنا با رضایت متفاوتی قایل نشده‌اند و سقط آن را جایز ندانسته‌اند، جز در صورتی که در بارداری نامشروع یک دختر مشقت باشد و به آبروی خانوادگی او لطمه وارد کند که در این صورت آیت‌الله سیستانی و آقای صانعی آن را در صورتی که قبل از دمیدن روح باشد، جایز دانسته‌اند.

در کتاب (فقه برای غرب‌نشینان مطابق با فتاوی آیت‌الله سیستانی) به صورت سؤال و جواب آمده: سؤال: بارداری نامشروع یک دختر برای او بسیار سخت و احیاناً به آبروی خانوادگی او لطمه وارد می‌کند آیا او می‌تواند جنین را سقط کند؟ جواب: اگر بارداری به اندازه‌ای زحمت داشته باشد که طاقت‌فرسا شده و راه نجاتی جز سقط جنین، وجود نداشته باشد قبل از حلول روح در جنین، این عمل جایز است» (حکیم، فقه برای غرب‌نشینان، ۱۳۷۹ش، ص ۳۱۱).

آقای صانعی در کتاب (احکام بانوان) می‌گوید: «اگر زنی از زنا آبستن شود، جایز نیست بچه‌اش را سقط کند، اما اگر قبل از چهار ماهگی برای جلوگیری از ضایع شدن آبرو و حیثیت سقط کند نمی‌توان گفت حرام است، بلکه به جهت رفع سختی، مشکل آبروریزی، مخصوصاً با فرض توبه جایز است، ولی به هر حال، بعد از چهار ماهگی برای جلوگیری و دمیده شدن روح، سقطش به هیچ وجه جایز نیست و قتل نفس و آدم‌کشی است». (صانعی، احکام بانوان، ۱۳۸۶، ص ۲۵۷).

در کتاب استفتاءات قضایی در مورد حکم سقط جنین نامشروع سؤال ذیل مطرح شده: «اگر زنی به طور نامشروع حامله شده باشد، خواه پدر طفل معلوم باشد یا نه، فرزند وی در آینده در اجتماع مشکلات عاطفی و اجتماعی بسیار زیادی خواهد داشت، هم‌چنین حیثیت اجتماعی خانواده وی به شدت لکه‌دار خواهد شد. در این مورد آیا با تقاضای وی، اقدام به سقط جنین از سوی پزشک مجاز است؟ آیا جواز در تمام دوران حاملگی وجود دارد یا نه؟

آقای صانعی در پاسخ فرموده: «تا قبل از چهار ماهگی، قطعاً به حکم برداشتن دشواری از کودک، و نیز برداشتن مشقت از زن و مرد و خانواده، مانعی ندارد؛ اما بعد از چهار ماهگی که اعضای جنین کامل شده و به نحوی دارای حیات است، که عرفاً به آن قتل نفس گفته می‌شود. قطعاً سقط جایز نیست. «قضاء لا طلاق و عموم ادلة حرمة قتل النفس»، و حرمت آن عقلاً و نقلاً و عقلاً شامل همه

قتل نفس‌ها، هرچند قتل نفس زنا زاده می‌باشد». (صانعی، استفتاءات قضایی، ۱۳۸۴ش، ج ۲، ص ۵۹۶-۵۹۷).

اما در غیر آن صورت (یعنی اگر به خاطر دوری از مشقت نباشد) به نظر آیت‌الله سیستانی مطلقاً سقط جنین به علت نامشروع بودن آن جایز نیست، ایشان فرموده‌اند: «سقط کردن بچه جایز نیست، هرچند از زنا باشد». (سیستانی، توضیح المسائل، ۱۴۲۰، ص ۲۵۰).

مرحوم فاضل لنکرانی فرموده‌اند: «سقط جنین حرام است، پس بر زن حامله جایز نیست چیزی بخورد یا کاری انجام دهد که موجب سقط جنین او بشود، حتی اگر زنی از زنا باردار شود، جایز نیست بچه‌اش را سقط کند. نیز فرموده‌اند: «زن اگر جنین خود را که از زنا باردار شده سقط کند مرتکب گناه کبیره شده است و اموری را باید انجام دهد، از جمله:  
الف: باید فوراً توبه کند.

ب: دیه جنین سقط شده را پرداخت کند.

ج: اگر جنین به چهار ماهگی رسیده، کفاره جمع نیز بر عهده او می‌آید» (سایت مرحوم آیت‌الله فاضل لنکرانی).

مقام معظم رهبری سقط جنین نامشروع جایز نمی‌دانند: «سقط جنین حرام است هرچند بر اثر زنا باشد و در خواست پدر باعث جواز آن نمی‌شود». (خامنه‌ای، رساله اجوبه المسائل، ۱۳۸۵ش، ص ۲۸۰).  
در جای دیگر در جواب مسأله ۱۲۷۰ «که آیا سقط جنینی که نطفه‌اش با هم‌بستر شدن به شبهه توسط فرد مسلمان و یا زنا منعقد شده، جایز است؟ فرموده‌اند: جایز نیست». (همان، ص ۲۸۱).

آیت‌الله نوری همدانی سقط جنین نامشروع را جایز نمی‌داند ایشان در پاسخ به مسأله (۹۸۹) «سقط جنین در مورد حاملگی در اثر تجاوز جنسی که فشار روحی سختی را بر مادر تحمیل می‌کند چه حکمی دارد؟ می‌فرمایند: سقط جنین در هیچ حالی جایز نیست». (استفتاءات، سایت آیت‌الله نوری همدانی [www.norihamedani.com](http://www.norihamedani.com)).

می‌توان آراء و فتاوی فقها در باره حرام بودن سقط جنین نامشروع را به روایات بسیاری مستند کرد؛ در تهذیب الاحکام بیست و چهار حدیث ذکر شده (طوسی، ۱۳۸۲ق، ج ۱۰، ص ۲۸۱-۲۸۸). در فروغ کافی شانزده روایت بیان شده (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۷، ص ۳۴۲-۳۴۷). و در وسائل الشیعه حدود بیست روایت آمده است (حر عاملی، ۱۴۰۱ق، ج ۱۹، ص ۱۳۷-۲۵۶). از این روایات فهمیده می‌شود که

سقط جنین در مراحل مختلف خلقت بدون عذر و ضرورت جایز نمی‌باشد، به خصوص پس از دمیدن روح، به عنوان مثال از امام باقر(ع) در خصوص زنی پرسیده‌اند که دارویی نوشیده، در حالی که باردار بوده و شوهرش از این موضوع آگاهی نداشته است و بچه در اثر آن سقط شده است. حضرت در پاسخ این سؤال، از امام علی(ع) نقل کرد که فرمود: اگر حمل به مرحله استخوان‌بندی رسیده و گوشت بر آن روییده باشد، بر زن دیه‌ای است که باید آن را به پدر جنین پردازد و اگر زمانی که آن را سقط کرد، علقه یا مضغه بوده باشد، باید چهل دینار و یا غره (عبد یا امه مرغوبی که قیمتش یک دهم دیه کامل است) به پدرش پردازد. راوی می‌گوید: عرض کردم آیا این زن از دیه فرزندش ارث نمی‌برد؟ امام فرمود: خیر زیرا وی او را کشته است، به همین دلیل از او ارث نمی‌برد (حرعاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۱ق، ج ۱۷، ص ۳۹۰) در روایتی دیگر از امام رضا(ع) سؤال شد که زنی از باردار شدن می‌ترسد و دارو می‌نوشد و آنچه را که در شکم دارد می‌اندازد. امام فرمود: این کار را نباید بکند، سؤال کننده گفت: نطفه‌ای بیش نیست. امام فرمود: نخست چیزی که آفریده می‌شود، نطفه است. از دو روایت فوق به دست می‌آید که مصرف کردن دارو برای سقط جنین جایز نیست. (همو، ج ۱۹، ص ۱۵). مجازات سقط جنین از بدو بارداری بر اساس مراحل گوناگون آن در نظر گرفته شده است، جز در مواردی که مشقت و سختی در پی دارد و یا در موارد استثنایی. آیه‌ی ذیل نیز می‌تواند مستندی برای فتاوی فقها مبنی بر حرام بودن سقط جنین باشد «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (سوره اسراء، آیه ۱۵). «هیچ کس گناه دیگری را به دوش نگیرد». بنابراین جایز نیست حیات بی‌گناهی را قربانی شخص گناهکار دیگری کرد.

## ۲. آراء و مستندات علمای اهل تسنن

برخی از علمای اهل تسنن بر عدم جواز سقط جنین نامشروع به دلایل زیر استدلال نموده‌اند:

- ۱- پیامبر (ص) به زن زناکاری به نام غامدیه گفته بود برود تا اینکه وضع حمل کند، و اجرای حد بر او را به تأخیر انداخت تا اینکه وضع حمل کرد و بچه‌اش را شیر داد، این دلالت دارد بر اینکه سقط جنین به قصد پنهان کردن عمل زنا و فحشا جایز نیست. (عباس شومان، اجهاض الحمل و ما یترتب علیه من احکام فی الشریعه، ۱۴۱۹ق، ص ۵۴). ناگفته نماند به تأخیر انداختن اجرای حد بر زن حامله مورد اتفاق شیعه و اهل تسنن است و در روایات فریقین آمده است.

۲- آیه «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (سوره اسراء، آیه ۱۵). هیچ کس گناه دیگری را به دوش نگیرد، بنابراین جایز نیست حیات بی گناهی را قربانی شخص گناهکار کرد (بوطی، تحدید النسل وقایه و علاج، ۱۹۸۸م، ص ۱۲۸).

۳- جایز بودن سقط جنین در چهل روز و در مراحل اولیه شکل گیری جنین، به علت عذر موجه و ضرورت در صورتی است که جنین از نطفه مشروع تشکیل یافته باشد. (همان).

۴- جایز بودن سقط جنین نامشروع تناقض آشکار دارد با مجازاتی که قانون گذار مقدس برای فرد زناکار منظور داشته است، رسوایی او در میان مردم باعث می شود از تکرار زناکاری دوری کند. (همان).

در مقابل این گروه از علمای اهل تسنن؛ بعضی از شافعیه در صورتی که زن زناکار توبه نموده و بداند که اگر سقط جنین انجام نشود چه ضرر و زیانی برایش خواهد داشت، سقط جنین نامشروع را جایز می دانند. (رملی، نهایه المحتاج، ۱۳۸۶ق، ج ۸، ص ۴۶۱).

### سقط جنین در صورت تجاوز با اکراه

حکم سقط جنین نزد فقهای شیعه و اهل تسنن در راستای مخفی کردن عمل زنا تفاوت ندارد بین اینکه زنا با رضایت زن باشد، یا با اکراه و به زور و خشونت، ولی بعضی از فقهای معاصر اهل تسنن سقط جنین را در صورتی که با اکراه و زور به زن تجاوز شده باشد جایز دانسته اند؛ از جمله: یوسف القرضاوی، جاد الحق علی جاد الحق رئیس سابق الازهر و دکتر محمد سعید طنطاوی رئیس جامع الازهر. (عمر غانم، احکام الجنین فی الفقه الاسلامی، ۱۳۲۱ق، ص ۱۷۷-۱۷۸؛ البار، الجنین المشوه و الامراض الوراثیه، ۱۴۱۱ق، ص ۶۷-۶۳).

### سقط جنین به خاطر ناقص الخلقه بودن جنین، یا بیماری های ارثی و واگیر

تنها به دلیل ناقص الخلقه بودن جنین از نظر فقهای شیعه و اهل تسنن نمی توان اجازه ی سقط جنین داد. ولی اگر در اثر بیماری های ارثی و مسری و دارای ژن معیوب که باعث مبتلا شدن فرزندان به آن می شوند و در نتیجه چنین فرزندان می موجب سختی و مشقت می شوند، و اگر تشخیص آن به وسیله

متخصصان قطعی باشد، بیشتر فقهای حنفی، شافعی، حنبلی و اکثریت فقهای معاصر اهل تسنن و بعضی از فقهای معاصر شیعه سقط جنین قبل از دمیدن روح را جایز دانسته‌اند.

### ۱. نظرات فقهای شیعه

آیت‌الله نوری همدانی در مسأله ۸۸۲ در مورد سقط جنین به خاطر ناقص‌الخلقه بودن فتوای عدم جواز سقط داده است، مسأله و پاسخ آن به شرح زیر است: «اگر تشخیص داده شود جنین در حال حاضر یا در صورت رشد و تولد ناقص‌الخلقه بوده یا خواهد بود، آیا می‌توان قبل از دمیده شدن یا پُرس از دمیده شدن روح در آن، اقدام به سقط جنین کرد؟ جواب: خیر، جایز نیست». (سایت آیت‌الله نوری همدانی).

مقام معظم رهبری فرموده‌اند: «ناقص‌الخلقه بودن جنین، مجوز شرعی برای سقط جنین حتی قبل از دمیدن روح در آن محسوب نمی‌شود». (خامنه‌ای، رساله اجوبه الاستفتاءات، ۱۳۸۵ ش، ص ۲۷۹). در مسأله ۱۲۶۲ سؤالی مطرح شده که عبارت است از «پزشکان متخصص می‌توانند از طریق استفاده از روش‌ها و دستگاه‌های جدید، نواقص جنین در دوران بارداری را تشخیص دهند و با توجه به مشکلاتی که افراد ناقص‌الخلقه بعد از تولد در دوران زندگی با آن مواجه می‌شوند، آیا سقط جنینی که پزشک متخصص و مورد اطمینان آن را ناقص‌الخلقه تشخیص داده، جایز است؟ جواب: سقط جنین در هر سنی به مجرد ناقص‌الخلقه بودن آن و یا مشکلاتی که در زندگی با آن مواجه می‌شود جایز نمی‌شود». (همان، ص ۲۸۱-۲۸۰).

سؤالی دیگر در این زمینه عبارتست از: «اگر زن بارداری مجبور به معالجه لثه یا دندان‌هایش شود، و بر اساس تشخیص پزشک متخصص نیاز به عمل جراحی پیدا کند، آیا با توجه به اینکه بیهوشی و عکس‌برداری با اشعه باعث نقص جنین در رحم می‌شود، سقط جنین برای او جایز نیست؟ جواب: دلیل مذکور مجوزی برای سقط جنین محسوب نمی‌شود». (همان).

در کتاب (فقه برای غرب‌نشینان مطابق با فتاوی آیت‌الله سیستانی) آمده: «تنها بدین جهت که جنین ناقص‌الخلقه و یا پس از تولد، فقط مدت کوتاهی زنده خواهد ماند مجوز سقط جنین نمی‌شود، پس مادر نمی‌تواند اجازه چنان کاری را به پزشکان بدهد و آنان نیز نمی‌توانند جنین را خارج کنند و دبه

بر عهده کسی است که عمداً به چنان کاری دست زده است». (حکیم، فقه برای غرب‌نشینان، ۱۳۷۹، ص ۲۸۴-۲۸۳).

مرحوم فاضل لنکرانی فرموده است: «اگر بدانیم جنین مبتلا به بیماری خاصی است که بعد از تولد، خواهد مرد و یا به بیماری‌های ژنتیک و یا به ناهنجاری‌های نوزادان گرفتار خواهد شد، این امور مجوز سقط جنین نیست، بلکه در این موارد هم چنان این عمل حرام است اگر پزشکان به خانمی بگویند: فرزندی که در رحم داری از لحاظ ذهنی عقب مانده است، و یا از لحاظ بدنی نقص عضو دارد، زن نمی‌تواند کاری کند که جنین سقط شود و نیز نمی‌تواند خود را برای سقط جنین آماده کند و در صورت تحقق چنین امری توسط مادر یا پزشک، علاوه بر آن که مرتکب گناه کبیره شده‌اند، دیه بر کسی که این کار را انجام داده است واجب است». (سایت مرحوم آیت‌الله لنکرانی).

در مورد حکم سقط جنین در صورتی که زوجها دچار بیماری‌های ارثی و واگیر سخت باشند، سؤال‌هایی مطرح شده، سؤالات با پاسخ فقها و علما به شرح زیر می‌باشد:

از مقام معظم رهبری سؤال شده که: «بعضی از زوجها، مبتلا به بیماری‌های خونی بوده، و دارای ژن معیوب می‌باشند و در نتیجه ناقل بیماری به فرزندان خود هستند و احتمال این که این فرزندان مبتلا به بیماری‌های شدید باشند، بسیار زیاد است و چنین کودکانی از بدو تولد تا پایان عمر، دائماً در وضع مشقت باری به سر خواهند برد. مثلاً بیماران هموفیلی همواره ممکن است با کوچک‌ترین ضربه‌ای دچار خونریزی شدید منجر به فوت و فلج شوند. حال آیا با توجه به آن که تشخیص این بیماری در هفته‌های اول بارداری ممکن است آیا سقط جنین در چنین مواردی جایز است؟

جواب: اگر تشخیص بیماری در جنین قطعی است و داشتن و نگهداشتن چنین فرزندی موجب سختی و مشقت می‌باشد در این صورت جایز است قبل از دمیده شدن روح، جنین را سقط کنند ولی بنابر احتیاط، دیه آن باید پرداخت شود». (خامنه‌ای، رساله اجوبه الاستفتاءات، ۱۳۸۵ش، ص ۲۸۰-۲۸۱).

در مسأله ۸۷۸- آیا در موارد زیر قبل از دمیدن روح می‌توان سقط درمانی انجام داد؟ پس از دمیدن چگونه خواهد بود؟

الف: بیماری‌هایی که می‌دانیم مسلماً جنین پس از تولد خواهد مرد.



ب: بیماری‌های ژنتیکی.

ج: ناهنجاری‌های نوزادان، مثل آنانسفالی (عدم وجود مغز).

آیت الله نوری همدانی در پاسخ می‌فرماید: در تمام موارد مذکور جایز نیست.

و در مسأله ۱۲۳۱- در دوران حاملگی، برخی از بیماری‌های جنین که مغایرت با حیات دارد و طبق نظر پزشکان محترم؛ نوزاد پس از تولد قطعاً قادر به ادامه حیات نبوده و در ساعات یا روزهای اولیه تولد خواهد مرد؛ در خصوص چنین بیماری‌ها و ناهنجاری‌هایی که بعداً (بعد از ۱۶ هفتگی) روح در جنین دمیده می‌شود، یا قابل تشخیص هستند و تولد چنین نوزادی که امیدی به حیاتش نیست در بسیاری از مواقع والدین را نگران نموده و گاهی پیامدهای منفی روحی و جسمی به دنبال دارد و چه بسا اقدام به سقط غیرقانونی می‌نمایند که از جهت پزشکی برای مادر مشکلاتی ایجاد می‌کند، خواهشمند است بفرمائید آیا سقط جنین در چنین مواردی جایز است؟ وظیفه پزشک در این گونه موارد چیست؟

آقای نوری همدانی در پاسخ به این سؤال می‌فرماید: بعد از دمیدن روح سقط کردن اصلاً جایز نیست و قبل از دمیدن روح نیز جز در موارد استثنائی جایز نیست. (استفتاءات، سایت آیت الله نوری همدانی (www.noorihamedani.com)).

چند سؤال در مورد سقط جنین در ارتباط با موضوع فوق از مرحوم اراکی شده، سؤالات و پاسخ آن‌ها به شرح زیر است:

سؤال- آیا در موارد زیر قبل از دمیدن روح می‌توان سقط درمانی انجام داد؟

الف) بیماری‌هایی که می‌دانیم مسلماً جنین پس از تولد خواهد مُرد. ب) بیماری‌های ژنتیکی. ج) ناهنجاری نوزادان (مثل آنانسفالی).

جواب: به هیچ وجهی سقط جنین جایز نیست مگر در صورتی که برای مادر خطر جانی باشد، قبل از دمیدن روح با پرداخت دیه. (حجت، هادی؛ طلعتی، محمدهادی، احکام پزشکان، ۱۳۸۶ش، ص ۱۲۷، استفتای مستقل از دفتر آیت الله اراکی).

سؤال- سقط درمانی برای حفظ جان مادر، در بیماری‌های مختلفی که در کتب علمی معتبر آمده و متخصصین مورد اعتماد اعلام می‌نمایند چه حکمی دارد؟

جواب: سقط جنین به هیچ وجهی جایز نیست و موجب دیه است. بلی اگر برای مادر خطر جانی باشد و به جز سقط، راهی برای درمان مادر نباشد، قبل از دمیدن روح دریچه (جنین) با پرداخت دیه اشکال ندارد.

سؤال- آیا در زن مبتلا به سرطان رحم که حامله است می توان قبل از دادن اشعه، سقط درمانی کرد؟  
جواب: سقط جایز نیست، بلی اگر با معالجه مادر، جنین سقط شود بر کسی چیزی نیست.

سؤال- هنگامی که دادن اشعه باشیمی درمانی (مثلاً به یک مادر شش ماهه حامله) چندماه زندگی او را طولانی تر می کند آیا جنین را باید حفظ کرد (یعنی اشعه را به تاخیر انداخت) با این که درمان ضدسرطان را شروع کرد که با فرض اخیر جنین سقط می شود؟

جواب: در فرضی که مادر به درمان نیاز دارد، لازم نیست درمان را تاخیر انداخت.

سؤال- زنی آبستن است و خونریزی دارد، اگر با جراحی جلوی خون را نگیرند بیچه (جنین) تلف می شود. آیا واجب است عمل جراحی پس از دمیدن روح و آیا با قبل از دمیدن فرق می کند؟ جواب: در صورت دمیدن روح، واجب است معالجه در صورت امکان و در صورت عدم دمیدن روح، احتیاط واجب است. (اراکي، استفتاءات، ۱۳۷۳ش، ص ۲۵۲).

## ۲. آراء علمای اهل تسنن

در صورتی که پزشکان متخصص به طور دقیق و قطعی نه بر اساس ظن و توهم وجود بیماری های ارثی خطرناک را تشخیص دهند، و نتیجه آن بیماری ها باعث مشقت برای فرزند و خانواده اش بشود. اگر قبل از دمیده شدن روح در جنین باشد، مشهور علمای حنفی، بعضی از فقهای شافعی و حنبلی، و ابن رشد از مالکیه معتقدند که سقط جنین مباح و بدون اشکال است و از علمای معاصر اهل تسنن: شیخ یوسف قرضاوی، جاد الحق، خلیل المیس، حبیب خوجه، عبدالله البسام، مصطفی الزرقا نیز همین نظر را دارند. (فتحیه عطوی، الاجهاض بین الشرع والقانون والطب، ۲۰۰۱م، ص ۲۹۶-۲۹۳؛ عمر غانم، احکام الجنین فی الفقه الاسلامی، ۱۳۲۱ق، ص ۱۸۶-۱۸۴).

مجمع فقهی وابسته به رابطه العالم الاسلامی در دوره دوازدهم سال ۱۹۹۵م (المجمع الفقہی التابع لرابطه العالم الاسلامی) سقط جنین را قبل از دمیده شدن روح، با سه شرط زیر مباح دانسته است:  
الف- موافقت همسر و شوهر، زیرا هر دو دارای حقوق و تکالیفی متعلق به سقط جنین دارند.

ب - جان زن حامله به خطر شدیدتری مبتلا نشود.

ج - گواهی دادن دو پزشک عادل بر ضرورت سقط (کورتاژ) و دال بر اینکه خطر سخت‌تری از خطر سقط متوجه حامله نمی‌شود در صورت اجرای عمل کورتاژ. (قحطانی، ۲۰۰۳م، مجله الشریعة، اجهاض الجنین المشوه، شماره ۵۴، ص ۲۰۱).

برخی از علمای شافعی در صورتی که نزد پزشک ثابت شود که جنین عیوب ارثی دارد در حالی که قبل از دمیدن روح در جنین باشد اجازه به سقط جنین داده‌اند است. (شرینی، الاقناع، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۲۹).

بعضی از علمای حنبلی نیز معتقدند اگر جنین دچار بیماری‌های ارثی باشد و هنوز در آن دمیده نشده باشد می‌توان جنین را سقط کرد. (مرداوی، الانصاف فی معرفة الراجح من الخلاف، ۱۳۷۵ق، ج ۱، ص ۳۸۶).

به نظر بعضی از علمای حنفی مذهب اگر نزد پزشک ثابت شود که در جنین عیوب و بیماری‌های ارثی است، در صورتی که قبل از دمیدن روح باشد سقط جنین جایز است. (ابن عابدین، حاشیه ابن عابدین، ۱۲۷۲ق، ج ۲، ص ۳۹۰).

### سقط جنین به خاطر کنترل جمعیت و مشکلات اقتصادی

سقط جنین به خاطر فقر و مشکلات اقتصادی و یا به قصد کنترل جمعیت جایز نیست.

در گزارش کنفرانس دوم مجمع تحقیقات و بررسی‌های اسلامی که در محرم سال ۱۳۸۵ق در قاهره برگزار شد آمده: سقط جنین به قصد کنترل جمعیت، یا استفاده از وسایلی که منجر به نازایی در راستای کنترل جمعیت باشد شرعاً برای زوج‌ها و دیگران جایز نیست. (گزارش مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۳۸۵ق).

مقام معظم رهبری فرمودند: «سقط جنین به مجرد مشکلات و سختی‌های اقتصادی جایز نمی‌شود» (خامنه‌ای، رساله اجوبه المسائل، ۱۳۸۵ش، ص ۲۷۸).

در کتاب استفتاءات قضایی مسأله‌ای به شرح زیر مطرح شده: «برای خانواده‌هایی که به هیچ عنوان امکان اداره کردن فرزندان بیشتر را ندارند. بعد از مشاهده احتمال حاملگی، مثلاً چند روز از عادت ماهیانه‌اش گذشته، برای رهایی از شک و شبهه، آمپولی تزریق می‌کنند که با آن، اگر واقعاً هم حامله

باشد، حمل از بین می‌رود. باتوجه به گذشت فقط چند روز از عادت ماهیانه و اینکه اطمینان به حاملگی وجود ندارد، حکم شرعی چیست؟ آیت‌الله صانعی در پاسخ می‌گوید اگر احتمال حاملگی بدهد و آمپول تزریق کند این موضوع در بر حاملگی فرد دارد و از نظر حکم و مورد با وجود متن از موارد اصالت البراءه (برائت ذمه‌ی مکلف) خارج است». (صانعی، استفتاءات قضایی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۵۹۷-۵۹۸).

## اسقاط جنین قبل از دمیدن روح در صورت وجود عذر، ضرورت و عسر و حرج

### ۱. آرای فقهای شیعه

آقای صانعی با وجود عذر و سختی سقط جنین را جایز می‌داند، سؤالی به صورت ذیل مطرح شده: «این جانب ماهیانه مبلغ چهل هزار تومان حقوق دریافت می‌نمایم و دارای چهار فرزند هستم و با این حال، همسر که هم بیماری گواتر دارد و هم دچار ناراحتی اعصاب است و به طور مداوم تحت نظر پزشک است، به طور ناخواسته باردار شده است، بنابراین با وضعیت اقتصادی‌مان و با توجه به اینکه همسر از زمان اطلاع از باردار شدنش ناراحتی اعصابش تشدید شده، سقط جنین مذکور جایز است یا خیر؟ آیت‌الله صانعی پاسخ داده و گفته: با توجه به سختی و مشقت روحی و روانی حاصل از اطلاع به حاملگی ناخواسته همسران علاوه بر مشکل و تنگ‌دستی اقتصادی و سختی از ناحیه بیماری همسر، این جنین سقطی را قبل از چهار ماهگی و دمیدن روح نمی‌توان گفت حرام است؛ بلکه سختی و مشقت به قدری است که حرام بودنش را ازین می‌برد و با موافقت پزشک، جایز است». (صانعی، استفتاءات قضایی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۵۹۴-۵۹۵).

مرحوم فاضل لنکرانی می‌فرماید: «در بعضی از روش‌های جدید، برای مقابله با نازایی، گاهی حاملگی‌های چندقلو صورت می‌گیرد و اکثراً با زایمان زودرس همراه است و جنین‌ها قبل از تکامل از بین می‌روند. در این گونه موارد پزشکان مجاز هستند در ماه‌های اول بارداری، تعدادی از جنین‌ها را از بین ببرند تا بقیه بتوانند رشد کنند و کامل شوند». (سایت مرحوم فاضل لنکرانی) آیت‌الله سیستانی سقط جنین قبل از دمیدن روح با عذر و ضرر غیرقابل تحمل جایز دانسته است: «سقط کردن بچه جایز نیست، هر چند از زنا باشد، مگر اینکه باقی ماندن آن برای زن ضرر غیرقابل تحملی داشته باشد یا مشقت زیاد داشته باشد که در این صورت قبل از جان یافتن بچه سقط کردن آن جایز است».

(سیستانی، منتخب توضیح المسائل، ۱۴۲۰ق، ص ۲۵۰) بنابراین، تنها به دلیل ناقص الخلقه بودن یا ابتلا به بیماری‌های هموفیلی و غیره مجوز سقط جنین داده نمی‌شود؛ بلکه سقط تنها در صورتی جایز است که موجب سختی و تنگنای شدید شود.

## ۲. آراء علمای اهل سنت

ابواسحاق مروزی از شافعه معتقد است در چهل روز می‌توان سقط انجام داد، زیرا اجازه داده‌اند که زن حامله دارو برای انداختن نطفه مصرف کند. (رملی، نهایه المحتاج، ۱۳۸۶ق، ج ۸، ص ۴۱۶).  
 بعضی از علمای حنفیه نظرشان این است که قلا از دمیدن روح می‌توان جنین را سقط کرد. (ابن عابدین، حاشیه ابن عابدین، ۱۳۸۹ق، ج ۸، ص ۴۱۷؛ ابن همام، شرح فتح القدير، ۱۳۸۹ق، ج ۲، ص ۴۹۵). علی بن موسی از فقهای حنفیه سقط قبل از دمیدن روح را مکروه دانسته‌اند. (همان، ص ۳۸۰) و بعضی از حنفیه معتقدند که سقط تا قبل از اینکه عضوی از بدن کامل شود مباح است گفته‌اند: «سقط بعد از بارداری تازمانی که عضوی از آن آفریده نشده است مباح است». (همان).  
 حنبلی‌ها می‌گویند: سقط اگر در اولین مرحله‌ی بارداری باشد ایراد ندارد. (مرداوی، الانصاف فی معرفة الرجح من الخلاف، ۱۳۷۵ق، ج ۱، ص ۳۸۶).

ابن قدامه از حنبلی‌ها گفته: «اگر مضغه را سقط کرد، و قابله‌های مورد اطمینان شهادت دهند که جنین صورت مخلوق پنهانی داشته، دیه آن یک غره است (یک برده یا یک کنیز مرغوب) است؛ و اگر شهادت دادند که در ابتدا و آغاز خلقت آدمی است و شکل‌گیری آدمی در آن نمایان شده در این صورت دو وجه و نظر است: صحیح‌ترین دو نظر این است که هیچ دیه‌ای به آن تعلق نمی‌گیرد، زیرا به صورت شکل انسان در نیامده و مانند علقه است، برگردنش نیست، و به محض شک کردن مسیولیت برداشته نمی‌شود.

نظر دوم در آن، دیه غره است، چون در آغاز کامل شدن آدمی است، البته اگر در صورت نطفه و علقه باشد، وجه دوم صحیح نیست». (ابن قدامه، المغنی، ج ۱۲، ص ۷۴) ابن رشد از مالکیه می‌گوید: قبل از دمیدن روح می‌توان سقط انجام داد (ابن رشد، بدایه المجتهد ونهایه المقتصد، ۱۳۹۵ق، ج ۴، ص ۳۳۵).

ولی مشهور فقهای مالکیه می گویند مطلقاً سقط کردن جنین حرام است و بعضی از آن‌ها می گویند در صورتی که در دوره چهل روز باشد مکروه است (دسوقی، حاشیه الدسوقی علی الشرح الکبیر، بی تا، ج ۲، ص ۲۶۶).

اما دردیر از مالکیه گفته: «بیرون انداختن منی که در رحم کامل شده جایز نیست اگرچه قبل از چهل روز باشد». (دردیر، الشرح الکبیر (منح القدیر علی مختصر خلیل) بی تا، ج ۲، ص ۲۶۶-۲۶۷). بعضی از شافعیه معتقدند سقط جنین قبل از دمیده شدن روح در صورتی که دلیل داشته باشد مشکل ندارد. (رملی، نهایه المحتاج، ۱۳۸۶ق، ج ۸، ص ۴۱۶).

از شافعیه شربینی از زرکشی نقل نموده که: «اگر ضرورتی برای مصرف کردن دارو پیش بیاید، و در اثر آن زن باردار سقط کند، سزاوار است مسیول و پاسخگو نباشد» (شربینی، مغنی المحتاج، ۱۴۱۵ق، ص ۱۲۹).

حنفیه در صورتی که قبل از دمیدن روح در جنین باشد اگر به خاطر ضرورتی باشد که مادر حامله در ابتدای بارداری شیرش قطع شود و دارای بچه شیرخوار باشد و پدر بچه نتواند آیه‌ای برای بچه شیرخوار تهیه کند و هراس مرگ بچه داشته باشند می تواند جنین را سقط کند. (ابن عابدین، حاشیه ابن عابدین، ۱۳۸۶ق، ص ۳۹۰). ابن عابدین در حاشیه گفته: «اگر مادر نیاز به معالجه داشت، تا زمانی که جنین به صورت مضغه یا علقه است و عضوی از آن آفریده نشده، فقها مدت آن را صدویست روز دانسته‌اند، سقط جنین را مباح دانسته‌اند علت مباح بودن آن این است که جنین در این مدت یک آدم زنده نیست». (همان، ج ۳، ص ۱۷۶).

مشهور حنفیه اگر قبل از دمیدن روح باشد و عذری موجه وجود داشته باشد سقط را جایز دانسته‌اند (همان، ج ۳، ص ۱۷۶).

### سقط جنین بدون عذر و ضرورت

شیعه در سقط جنین بدون عذر و ضرورت اجازه صادر نکرده و برای سقط دیه تعیین نموده‌اند اگرچه نطفه باشد، مقام معظم رهبری می‌فرماید: «از بین بردن نطفه بعد از قرار گرفتن آن در رحم، و هم چنین سقط جنین در هیچ یک از مراحل بعدی جایز نیست». (خامنه‌ای، اجوبه المسائل، ۱۳۸۵ش، ص ۲۷۹). مرحوم فاضل لنکرانی گفته‌اند: «استفاده از دستگاه «آی، یو، دی» و مانند آن به خودی

خود اشکال ندارد ولی اگر موجب تلف شدن نطفه بعد از بسته شدن آن بشود استفاده از آن حرام و پرداخت دیه هم واجب است». (استفتاءات، سایت مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی).

به نظر مشهور فقهای شافعیه سقط جنین در صورتی که بدون عذر و ضرورت باشد مطلقاً حرام است. (رملی، نه‌ایة المحتاج، ۱۳۸۶، ج ۸، ص ۴۱۶).

شمس الدین محمد الرملی از شافعیه گفته: «گفته نمی شود مخالف با سقط جنین قبل از دمیدن روح اولویت دارد، بلکه احتمال کراهت و حرام بودن وجود دارد، و هرچه به زمان دمیدن روح نزدیک شود، حرام بودن سقط جنین قوی تر است چون سقط جنایت است». (همان).

حنفیه می گوید در صورتی که عذری نباشد سقط جنین جایز نیست. (ابن عابدین، حاشیه ابن عابدین، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۳۹۰) و مالکیه آن را حرام می داند (دسوقی، حاشیه الدسوقی، بی تا، ج ۲، ص ۲۶۶ و ۲۶۷).

### سقط درمانی

سازمان پزشکی قانونی تنها مرجع قانونی در ایران است که براساس فتاوی بعضی از فقها از جمله مقام معظم رهبری در موارد ضرورت سختی و مشقت قبل از دمیدن روح در جنین؛ مجوز سقط درمانی را صادر می کند. در ماده واحده قانون سقط درمانی که مورد تأیید فقهای شورای نگهبان قرار گرفته است آمده: «سقط درمانی با تشخیص قطعی سه پزشک متخصص و تأیید پزشکی قانونی مبنی بر بیماری جنین که به علت عقب افتادگی یا ناقص الخلقه بودن موجب مشقت مادر است، و یا بیماری مادر که با تهدید جانی مادر همراه باشد قبل از دمیدن روح (چهارماه) بارضایت زن مجاز می باشد و مجازات و مسئولیتی متوجه پزشکی که این کار را انجام می دهد نخواهد بود». ([www.hoqouq.com](http://www.hoqouq.com)). این ماده در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ دهم خرداد ماه یک هزار و سیصد و هشتاد و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۴/۳/۲۵ به تأیید شورای نگهبان رسید.

مقام معظم رهبری در پاسخ به استفتای مدیرعامل کانون هموفیلی ایران فرموده: «بافرض اینکه نگهداری و بزرگ کردن طفل بیمار مذکور موجب سختی و مشقت بیش از اندازه است، سقط جنین

قبل از دمیدن روح مانع ندارد ولی بنابر احتیاط دیه آن باید پرداخت شود». (سایت ارکان سراسری کانون هموفیلی ایران (www.zendegimagazin.com)).

استفتاء دکتر محمدحسن عابدی رئیس سازمان پزشکی قانونی کشور درباره ماده واحده سقط جنین درمانی از مقام معظم رهبری و پاسخ معظم له: در ماده واحده سقط جنین درمانی مصوبه مورخ ۱۳۸۴/۳/۱۰ مجلس شورای اسلامی آمده است: «سقط درمانی باتشخیص قطعی سه پزشک متخصص و تأیید پزشکی قانونی مبنی بر بیماری جنین که به علت عقب افتادگی یا ناقص الخلقه بودن موجب مشقت مادر است و یا بیماری مادر که با تهدید جانی مادر همراه باشد قبل از دمیدن روح (چهارماه) با رضایت زن مجاز می باشد و مجازات و مسئولیتی متوجه پزشکی که این عمل را انجام می دهد نمی شود». آیا گرفتن رضایت زوج جهت سقط جنین درمانی لازم می باشد؟ در صورت عدم رضایت زوج مسئولیت پزشک اقدام کننده چگونه است؟

پاسخ مقام معظم رهبری (دام ظلّه)

بسمه تعالی

با حفظ تمام بندهایی که در ماده واحده یاد شده لحاظ شد که عمل سقط جنین اشکال ندارد و رضایت شوهر شرط نیست و در صورت جواز عمل پزشک مانع ندارد ولی در صورت عدم اجازه شوهر، دیه برعهدهی پزشک است.

سازمان پزشکی قانونی برای صدور مجوز سقط درمانی نیاز به چهار گواهی دارد:

۱- گواهی آزمایشگاه ژنتیک مبنی بر ابتلای جنین به بیماری هموفیلی.

۲- گواهی پزشک متخصص کودکان مبنی بر ایجاد مشقت برای مادر در صورت تولد بیمار.

۳- گواهی پزشک متخصص بزرگسالان مبنی بر ایجاد مشقت برای مادر در صورت تولد بیمار.

۴- گواهی پزشک متخصص زنان مبنی بر ایجاد سختی برای مادر در صورت تولد بیمار.

سازمان پزشکی قانونی در صورت ارایه این چهار گواهی به شرط آن که سن جنین کم تر از چهارماه باشد مجوز سقط درمانی را صادر می کند. (همان).

بنابر آنچه بیان شد تنها به دلیل ناقص الخلقه بودن و یا ابتلای به بیماری هموفیلی و... مجوز برای سقط جنین داده نمی شود، بلکه تنها در صورتی جایز است که موجب سختی و مشقتی شود، چنانچه مقام معظم رهبری و دیگران تنها به دلیل سختی و مشقت فراوان آن را جایز دانسته اند.



## دستورالعمل اجرایی قانون سقط جنین درمانی

«مصوب ۱۳۸۴/۳/۱۰ مجلس شورای اسلامی»

### الف- تعریف عناوین مطرح در قانون

۱. «سقط جنین درمانی» یا سقط درمانی جنین با توجه به قانون مذکور عبارت است از ختم حاملگی تا چهار ماه از زمان لقاح با رعایت شرایط درج شده در قانون و این دستورالعمل.
۲. «پزشکی قانونی» به عنوان شخصیت حقوقی شامل ستاد، ادارات کل و مراکزی از سازمان پزشکی قانونی کشور می باشد که کارشناسی و بررسی در مورد سقط جنین درمانی در آن ها صورت می پذیرد.
۳. «عقب افتادگی جنین» یعنی اختلال کامل یا نسبی در ساختار یا عملکرد دستگاه عصبی جنین به هر علتی که نهایتاً منجر به تولد نوزاد زنده نشود و در صورت تولد با فاصله کوتاهی بمیرد یا دچار اختلال ذهنی یا جسمی باشد به نحوی که موجب سختی مادر گردد. ملاک تشخیص عرف پزشکی و تأیید متخصصین ذیربط است.
۴. «ناقص الخلقه بودن جنین» عبارت است از عدم تشکیل و یا اختلال در تشکیل یا تکامل یک یا چند عضو بدن به هر علت به طوری که جنین زنده متولد نشود و در صورت تولد با فاصله کوتاهی بمیرد یا معلول جسمی یا ذهنی باشد به نحوی که موجب سختی مادر گردد، اعم از آن که این معلولیت با اختلال ظاهری همراه باشد یا نباشد. ملاک تشخیص عرف پزشکی و تأیید متخصصین ذیربط است.
۵. «مشقت مادر» عبارت است از نگرانی و سختی مادر به نحوی که تحمل رنج و مشقت ناشی از ناقص الخلقه یا عقب افتادگی جنین خارج از توان وی باشد. بیماری های جنینی قید شده در جداول پیوستی و بیماری ها و اختلالاتی که متعاقباً پس از بررسی در کمیته های کارشناسی اعلام خواهد شد در صورت درخواست از مصادیق مشقت (حرج) مادر است.
- ۶- «بیماری مادر» عبارت است از: وضعیت بالینی و پزشکی مادر که تداوم بارداری در آن تهدید جانی برای وی تلقی گردد. ملاک تشخیص عرف پزشکی و تأیید متخصصین ذیربط است.
- ۷- «مادر» یعنی خانم بارداری که متقاضی انجام عمل سقط جنین درمانی است.

۸- «رضایت زن» یعنی اجازه کتبی و آگاهانه مادر برای انجام عمل سقط جنین درمانی که توسط گروه پزشکی پس از آگاه‌سازی کامل وی از وضعیت موجود و عواقب قبول یا رد عمل مذکور گرفته می‌شود.

### ب- مراحل بررسی و صدور مجوز سقط جنین درمانی

۱- درخواست بررسی و صدور مجوز سقط جنین درمانی باید تنها در ادارات کل پزشکی قانونی استان‌ها و نیز مراکز پزشکی قانونی شهرستان‌هایی که شرایط لازم در این خصوص را با تأیید معاونت پزشکی و بالینی سازمان داشته باشند تا ۴ ماه از زمان لقاح پذیرش گردد.

۲- حضور زوجین با مدارک شناسایی معتبر و تکمیل فرم مربوطه در پزشکی قانونی الزامی است. در صورت عدم حضور یا عدم دسترسی به پدر جنین یا وکیل وی استعلام مراجع ذیصلاح قضایی جهت بررسی و صدور مجوز سقط جنین درمانی ضروری می‌باشد.

۳- ارائه حداقل سه مشاوره تخصصی در تأیید تشخیص و یک نوبت سونوگرافی با تعیین سن ضروری است.

۴- مجوز سقط جنین درمانی باید عکس‌دار و با مشخصات کامل هویتی مادر صادر گردد.

۵- آمار و اطلاعات کل درخواست‌ها و مجوزهای صادرشده باید در پایان همراه به معاونت پزشکی و بالینی ارسال گردد.

۶- مسئولیت حسن اجرای این دستورالعمل با مدیرکل استان است.

این دستورالعمل اجرایی درمورد ماده واحده سقط درمانی توسط رئیس سازمان پزشکی قانونی کشور به سازمان‌های پزشکی کشور ابلاغ شده است.

در کتاب پزشکی قانونی در مورد سقط جنین درمانی یا طبی چنین آمده: «گاه مادر به بیماری‌هایی مبتلا است که ادامه بارداری برای سلامتی‌اش بسیار خطرناک و مہلک است. یا اینکه جنین موجود در رحم دچار ناهنجاری‌هایی باشد که با حیات جنین منافات داشته و جنین بعد از زایمان قادر به حیات نباشد. در این موارد با انجام مقدمات لازم پزشکی و قانونی اجازه انجام سقط‌های درمانی صادر می‌گردد.

برای انجام سقط درمانی شروط اساسی زیر لازم است:

-ادامه بارداری برای جان مادر خطرناک باشد.

-سقط قبل از دمیدن روح صورت پذیرد.

-خودعمل سقط جنین برای مادر خطر بیشتری دربر نداشته باشد.

باید دانست که برای انجام عمل سقط درمانی رضایت شوهر و زوجه وی و موافقت مقام قضایی و اظهار نظر پزشک قانونی مبنی بر لزوم قطع حاملگی لازم است. اگر شوهر به دلایلی راضی به قطع بارداری نباشد و قطع بارداری برای نجات مادر لازم باشد، در این صورت رضایت یا عدم رضایت وی مطرح نیست و حتی اگر مادر متوجه وخامت وضع خود نباشد و حاضر به سقط جنین طبی نگردد، با گواهی پزشک معالج و تأیید پزشک قانونی و موافقت مقام قضایی این عمل صورت خواهد پذیرفت. در صورتی که شرایط بندهای ۱ و ۳ در مادر وجود داشت و پس از دمیدن روح مراجعه کرد، باید مادر را برحسب نوع بیماری وخیم در بخش مربوط بستری کرد و تحت نظر متخصصان زنان و متخصص بیماری موجود در مادر قرارداد تا اگر برای مادر وخامت حال شدید پیش آمد و احتمال مرگ مادر و جنین وجود داشت، اقدام به سزارین کنند، بلکه مادر و جنین هر دو را نجات دهد، یا لااقل مادر از مرگ نجات یابد. (گودرزی، فرامرز، کیانی، مهرزاد، پزشکی قانونی، ۱۳۸۵، ص ۲۷۶-۲۷۷).



## فصل چهارم

### مجازات سقط جنین

کیفر و مجازات سقط جنین در اسلام از بدو بارداری بر اساس مراحل گوناگون آن در نظر گرفته شده است، جز در موارد استثنائی. این مجازات ها عبارتند از:

یک- قصاص.

دو- دیه.

سه- کفاره.

#### مجازات سقط جنین - قصاص

این نوع از مجازات به نظر بعضی از فقها برای جنینی است که در مرحله نهایی شکل گیری و بعد از دمیدن روح است، هرچند بعضی دیگر دیه کامل را مجازات این سقط می دانند.

- از اهل تسنن مالکیه در صورتی که جانی زن حامله را اذیت و آزار و مورد ضرب قرار دهد و در اثر آن، جنین سقط شود و بمیرد قصاص را مجازات این قتل نفس می دانند، ولی حنفیه و حنابله و اکثر شافعیه دیه کامل را برای این سقط می دانند نه قصاص. «اگر به دنبال ضرب یا اذیت و آزار زن حامله، جنین به صورت زنده متولد شود ولی قابلیت بقا نداشته باشد و بمیرد. در این حال مالکیه گفته اند که اگر این جنایت عمدی باشد قصاص واجب می گردد و در غیر این صورت دیه واجب است. ولی حنفیه، حنابله و صحیح ترین اقوال نزد شافعیه آن است که دیه کامل واجب است نه قصاص». (زحیلی، الفقه الاسلامی وادلته، ۱۹۹۷، ج ۷، ص ۵۷۷۵).

محقق حلی می گوید: «اگر شخصی زن حامله را بزند و جنین آن سقط شود و با سقط جنین بمیرد، ضارب قاتل است. حال اگر ضرب از روی عمد بوده باشد، کشته می شود و اگر شبه عمد باشد، دیه را باید از مال خود پردازد و اگر خطایی غیر عمد باشد، دیه بر عهده کسی است که ضامن ضارب است و این چنین است اگر مدتی بیمار بماند و سپس بمیرد یا سالم متولد شود لکن به گونه ای باشد

که امثال او زنده نمانند، جانی در این حالات باید کفاره بدهد». (حلی، شرائع الاسلام، ۱۹۸۳، ج ۴، ص ۲۸۳) صاحب جواهر می گوید: «ضارب باید قصاص شود زیرا موضوع قصاص نابود شدن روح محترمه است، این نظر با بیان دلایلی که مقتضی قصاص در صورت اطمینان به حیات و از بین رفتن حیات در نتیجه جنایت است مخالفتی ندارد» (نجفی، جواهرالکلام، ۱۴۰۴، ج ۴۲، ص ۳۸۱).

علامه حلی در تبصره گفته: «هرگاه شخصی زن حامله‌ای را بزند، و زن جنین را سقط کند، در حالی که زنده بوده و به همین علت بمیرد، در صورتی که عمل وی عمدی باشد بدین سبب کشته می‌شود و در صورتی که عمدی نباشد از او دیه گرفته می‌شود». (علامه حلی، تبصرة المتعلمین فی احکام الدین، ۱۴۱۰، ص ۲۱۷).

فخرالمحققین در ایضاح الفوائد در صورتی که عمل جانی عمدی باشد قایل به قصاص شده است. (فخرالمحققین، ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد، بی تا، ج ۴، ص ۷۲۷).

سلار دیلمی در المراسم العلویه می گوید: «هرگاه زن بارداری جنین خود را بکشد، دو حالت خواهد داشت، حالت اول آن است که جنینش خلقتش کامل شده باشد، در این حال این زن کشته می‌شود، حالت دوم آن است که جنین او تام و کامل نیست، در این وضعیت بر زن واجب است که دیه او را بدهد». (سلار دیلمی، المراسم العلویه، بی تا، ص ۱۴۶).

مرحوم خوئی در اینکه مشهور فقها قصاص را دراین مورد قبول دارند مورد اشکال می‌داند وی می‌فرماید: «در صورتی که زن حامله‌ای را بزنند، در نتیجه جنین سقط شود و نوزاد وی بمیرد، ضارب قاتل است و مشهور فقها بر این عقیده‌اند که در صورتی که عمل وی عمدی بوده و قصد قتل جنین را داشته باشد، قصاص او واجب است ولی این نظر اشکال دارد و نزدیک‌تر این است که دیه بر او واجب می‌شود. و هم‌چنین است اگر جنین بعد از خروج، مدتی زنده بماند و بعد بمیرد و یا اینکه سالم سقط شده باشد اما مانند آن معمولاً زنده نماند، مانند موردی که کم‌تر از شش ماه دارد». (موسوی خوئی، مبانی تکملة المنهاج، ۱۳۹۶ق، ج ۲، ص ۴۱۸). در روایات حکم به قصاص نشده است اگر چه سقط بعد از دمیدن روح و کامل شدن جنین و عمدی باشد.

## نقد و بررسی قول به قصاص

به دلایل زیر قول به قصاص قابل قبول نیست:

۱- مهم‌ترین دلایل کسانی که به قصاص معتقدند این است که دلایلی که برای قصاص بیان شده را مورد سندیت قرار می‌دهند: مثل «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ» (سوره بقره، آیه ۱۷۸). ترجمه: ای اهل ایمان برای شما حکم قصاص کشتگان معین گشته و «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ». (سوره بقره، آیه ۱۷۹). یعنی: حکم قصاص برای حفظ حیات شماست و «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا». (سوره اسراء، آیه ۳۳). ترجمه: کسی که خون مظلومی را به ناحق بریزد ما به سرپرست او اجازه‌ی تسلط بر جان او را دادیم و «وَكُتِبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ» (سوره مائده، آیه ۴۵). یعنی در تورات حکم کردیم که نفس را در مقابل نفس قصاص کنند. و نظایر این دلایل که در سنت آمده است، با عمومیت دادن این موارد به چنین موردی یعنی جنین پس از دمیده شدن روح، آن را نیز شامل همین حکم یعنی قصاص می‌دانند، زیرا جنین پس از دمیدن روح، انسان است.

جواب: استدلال یاد شده باطل است؛ زیرا اولاً در به کار بردن نفس محترمه و واژه انسان باقرار دادن این الفاظ بر جنین تردید وجود دارد، ثانیاً به فرض که لفظ «انسان» بر جنین پس از دمیده شدن روح صدق کند، ولیکن دلایل قصاص مشمول انسانی است که از مادر به صورت زنده متولد شده است، بنابر این شامل سقط جنین و حمل نمی‌شوند.

تعبیری که در این ادله آمده است از قبیل: «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا» و نیز شرایطی که برای قصاص ذکر شده است از قبیل آزادگی، دین و کمال عقل (علامه حلی، تبصرة المتعلمین، ۱۴۱۰، ص ۲۷۶) و نظایر این‌ها از اموری می‌باشند که در مورد جنین قابل تصور نیستند مگر به پیروی از والدین و نیز توجه بدین معنا که برای از بین بردن جنین معمولاً لفظ «سقط» و «اجهاض» اطلاق می‌شود نه «قتل»، این‌ها و نظایر آن از جمله اموری هستند که موجب این انصراف می‌شوند و روشن است که با وجود انصراف از قصاص این کلام به سقط دیگر اطلاق نمی‌شود. به حکم مقدمات حکمت نمی‌شود عموماً به آن سقط گفت.

۲- می‌دانیم که در باب قصاص تفاوتی بین مادر و غیر او نیست و توضیحی نیز در مورد ضربه خوردن یا خوردن دارو و نیز سایر عوامل کشنده داده نشده است، رضایت یا عدم رضایت مادر نیز ربطی به

حکم دادن به عمدی یا غیر عمدی بودن جنایت یاد شده ندارد، از این رو اگر مجازات ضاربی که به قصد سقط، زنی را زده است، قصاص بوده باشد باید مجازات مادری که با خوردن دارو اقدام به سقط جنین خود می‌کند هم قصاص باشد. در حالی که بنا بر روایات اهل بیت علیهم السلام هرگاه زنی اقدام به سقط کند محکوم به پرداخت دیه خواهد شد و از آن دیه نیز سهمی نمی‌برد. (حرعاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۱ق، ج ۱۹، ص ۲۴۲) همه اصحاب امامیه نیز این روایات را تلقی به قبول کرده و بر اساس آن فتوا داده‌اند. حال این سؤال مطرح می‌گردد که چرا باید این مورد خلاف قانون باشد، حقیقت آن است که خلاف قاعده نیست بلکه اصولاً سقط جنین غیر از قتل انسانی است که از مادر متولد شده است.

۳- از بعضی روایات برمی‌آید که مجازات ضارب، دیه است نه قصاص، لازم است به پاره‌ای از این روایات توجه کنیم.

الف - عن سعید بن المسیب، قال: سالت علی بن الحسین عن رجل ضرب امراة حاملا برجله فطرحته ما فی بطنها میتا، فقال: ان كان نطفه فانّ علیه عشرين دینارا، قلت: فما حد النطفه؟ فقال هی الّتی (اذا) وقعت فی الرحم فاستقرّت فیہ اربعین یوما، و ان طرحته و هو علقه فانّ علیه اربعین دینارا، قلت فما حد العلقه؟ قال: هی الّتی اذا وقعت فی الرحم فاستقرّت فیہ ثمانین یوما قال: و ان طرحته و هو مضغه فانّ علیه ستین دینارا، قلت فما حدّ المضغه؟ فقال: هی الّتی اذا فی الرحم فاستقرّت فیہ مائه و عشرين یوما، قال و ان طرحته و هو نسمة مخلّقه له عظم و لحم (مرتب) مزیل الجوارح قد نفخت فیہ روح العقل فان علیه دیه کامله. (همان، ص ۲۴۰).

سعید بن مسیب گوید: از امام زین‌العابدین (ع) در رابطه با مردی سؤال نمودم که زن بارداری را با لگد زده بود و در نتیجه نوزاد او به صورت مرده سقط شده بود، امام (ع) فرمودند: سقط او اگر نطفه بوده باشد بیست دینار باید بدهد. گفتم: در چه زمانی نطفه است؟ فرمودند: پس از آن که چهل روز از استقرار آن در رحم بگذرد. و اما اگر علقه سقط کرده باشد بر اوست که چهل دینار بدهد گفتم: در چه زمانی علقه است؟ فرمودند: پس از آن که هشتاد روز از استقرار آن در رحم بگذرد. امام (ع) فرمودند: و اگر مضغه سقط کرده باشد، بر اوست که شصت دینار بدهد. گفتم: در چه زمانی مضغه است؟ فرمودند: پس از آن که صد و بیست روز از استقرار آن در رحم بگذرد. امام (ع) فرمودند و



اگر جنین سقط شده موجودی باشد که گوشت و استخوان پیدا کرده و اعضا و جوارح آن مشخص شده و روح عقل در آن دمیده شده باشد بر اوست که دیه کامل بدهد.

ب- عن سلیمان بن خالد، عن ابی عبد الله (ع): ان رجل جاء الى النبی (ص) و قد ضرب امرأه حبلی فاسقطت سقطا میتا فاتی زوج المرأة الى النبی (ص) فاستعدی علیه، فقال الضارب: یا رسول الله ما اکل ولا شرب ولا استهل ولا صاح ولا استبشر. فقال النبی (ص): انک رجل سجاعه، فقضی فیہ رقبة. (حرعاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۱ق، ج ۴، ص ۲۴۳).

سلیمان بن خالد از امام صادق روایت کرده است که مردی زن حامله‌ای را بزد و در نتیجه بچه آن زن به صورت مرده سقط شد، وی نزد پیامبر (ص) رفت. شوهر آن زن نیز آمد و علیه او به پیامبر شکایت کرد، ضارب گفت: موجودی سقط شده که نه می‌توانست غذا بخورد و نه چیزی بنوشد، در هنگام سقط نیز گریه نکرد، فریاد نزد، خنده نیز نکرد. پیامبر (ص) فرمودند: تو شاعری و مطالبی که می‌گویی شبیه شعر است و حکم کرد به این که بنده‌ای به عنوان دیه به او بدهد.

همان‌طور که مشخص است هر دو حدیث یاد شده هر چند صراحت در سقطجنین عمدی ندارند ولی شامل هر دو حالت عمد و غیر عمد می‌شوند و معصوم (ع) در مورد چنین ضاربی حکم به قصاص نکرده بلکه دیه مقرر کرده‌اند.

۴- با توجه به آنچه گفته شد و نیز باتوجه به این مطلب که آیات و روایات درباره‌ی سقط عمدی جنین برای ضارب قصاص ندانسته‌اند، حداقل نسبت به قصاص جنین فردی شک داریم، بنابراین نوبت به گفتن قوانینی است که در موارد شک و اشتباه بیان می‌شوند در این موارد اصل احتیاط در قتل نفس که از اصول پذیرفته شده و محکم فقه اسلامی است و نیز قاعده منع حد (درء الحدود)، بیانگر عدم قصاص هستند. (وطنی، پژوهش‌نامه متین، شماره ۲۴، ۱۳۸۳ش، کیفر سقطجنین و ضرورت اصلاح ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی).

آیت‌الله صانعی کیفر قصاص را برای سقطجنین نفی می‌کند. در کتاب استفتاءات قضایی ایشان آمده: «سوال ۱۷۶- سقطجنین در چه صورتی قصاص دارد؟ و اگر پزشکی به درخواست والدین، اقدام به سقطجنین کرد چه مسئولیتی دارد؟

جواب- سقطجنین حرام است و اگر بعد از گذشتن چهارماه و دمیدن روح باشد قتل نفس است، لیکن به نظر اینجانب قصاص ندارد.

سوال ۱۷۷- چنانچه زن حامله‌ای بدون عذر شرعی جنین خود را سقط نماید و جنین دارای روح باشد، آیا با تقاضای ولی دم جنین، زن حامله قصاص می‌شود یا خیر؟

جواب- اینکه کدام موارد شامل قصاص می‌شود و کدام موارد شامل قصاص نمی‌شود جای بحث و فکر زیاد دارد. به علاوه شاید بتوانیم قاعده‌ی (فلا قود لمن لایقاد منه) را که نوعی استدلال است، شامل این مورد هم بدانیم و این قاعده تنها اختصاص به قصاص نکردن عاقلی که دیوانه‌ای را کشته (که مورد روایت است) نداشته باشد. پس ظاهراً زن باردار قصاص نمی‌شود، به علاوه که قصاص نکردن موافق با احتیاط در قتل نفس هم می‌باشد.

سوال ۱۷۸- احکام سقط جنین عمدی را در دو فرض قبل و بعد از دمیدن روح جداگانه بیان فرمایید. جواب- آنچه بیان کننده‌ی قصاص در قتل نفس است می‌گوید که دیه‌ی جنین، بعد از دمیدن روح دیه کامل است، همان قصاص است و مقتضای بیان عبارات فقها نیز همین است، هر چند مسئله خصوصاً کم‌تر مورد مخالفت قرار گرفته است ولی در عبارات اصحاب اشاره‌هایی به قصاص دارد، کما اینکه احتمال این وجود دارد که از این استدلالات و فتواها دست بکشند و قصاص انجام نشود. و در این مورد احتمال منصرف شدن از قصاص زیاد است و به هر حال، حتی بر مبنای قصاص و بیان دلایل باید مشخص شود که سقط کننده جنین توجه به قتل نفس و آدم کشی نداشته است. قصاص به خاطر شک و احتیاط در قتل نفس ثابت نمی‌گردد و به هر حال، رعایت احتیاط به پرداخت دیه کاری درست می‌باشد. لیکن سقط قبل از دمیدن روح که آدم کشی و قتل محسوب نمی‌گردد، قصاص (قود) ندارد اما حرام و گناه می‌باشد. لیکن در بعضی از موارد به خاطر سختی و تنگنای غیر قابل تحمل ممکن است به خاطر مشقتی که دارد حرام بودنش از بین برود، زیرا دلایلی که برای داشتن سختی به کار برده می‌شود بر دلایل و قواعد اولیه سقط جنین مقدم و ارجح است و تنها در قتل نفس حاکمیت ندارد و قتل نفس و سقط جنین بعد از چهار ماهگی، مطلقاً حرام و گناه است. (صانعی، استفتاءات قضایی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۵۳-۱۵۵).

### مجازات سقط جنین - دیه

مجازات سقط جنین در روایات دیه تعیین شده، علما نیز بر اساس روایات فتوی داده‌اند. جز تعدادی از علما که در صورت سقط جنین به طور عمد مجازات را قصاص می‌دانند. این روایات متواترند، در

فروع کافی (کلینی رازی، ۱۳۶۲ ش، ج ۷، ص ۳۴۲-۳۴۷) شانزده روایت ذکر شده، در تهذیب الاحکام (طوسی، ۱۳۸۲ ق/۱۹۶۲ م، ج ۱۰، ص ۲۸۸-۲۸۹) بیست و چهار حدیث آمده و در وسایل الشیعه (حرعاملی، ج ۱۹، ص ۲۳۷-۲۴۶)<sup>۱</sup>. اینجا در ابتدا روایات ذکر می شود، سپس آراء و نظرات علمای خاصه و عامه ارائه می گردد:

دیهی سقطجنین در روایات و سخنان علما به ترتیب زیر است:

- ۱- دیه‌ی نطفه که در رحم مستقر شده بیست دینار.
- ۲- دیه‌ی علقه که خون بسته است چهل دینار.
- ۳- دیه‌ی مضغه که به صورت گوشت در آمده است شصت دینار.
- ۴- دیه‌ی جنین در مرحله ای که به صورت استخوان در آمده و هنوز گوشت نرویده است هشتاد دینار.
- ۵- دیه‌ی جنین که گوشت و استخوان‌بندی آن تمام شده و هنوز روح در آن پیدا نشده یکصد دینار. در پنج مرحله فوق هیچ تفاوتی بین پسر و دختر نمی باشد.
- ۶- دیه‌ی جنین که روح در آن پیدا شده است، اگر پسر باشد دیه کامل و اگر دختر باشد نصف دیه‌ی پسر و اگر مشخص نباشد جنسیت چیست، سه ربع دیه‌ی پسر خواهد بود.

## روایات دیه

در بعضی روایات و کلمات علما غره (برده یا کنیز مرغوب) به عنوان دیه ذکر شده است. روایات مزبور به شرح زیر می باشند:

- ۱- محمد بن یعقوب باسانیده الی کتاب ظریف، عن امیر المومنین (ع) قال: جعل دیه الجنین مائة دینار، وجعل منی الرجل الی ان یکون جنینا خمسة اجزاء فاذا کان جنینا قبل ان تلجه الروح مائة دینار، وذلک ان الله عزوجل خلق الانسان من سلاله و هی النطفه فهذا جزء، ثم علقه فهو جزء أن، ثم مضغه فهو ثلاثة اجزاء، ثم عظمها فهو اربعة اجزاء، ثم یکسا لحما فحينئذ تم جینا فکملت لخمسة اجزاء مائة دینار، و المائة دینار خمسة اجزاء فجعل للنطفه خمس المائة عشرين دینارا، و للعلقه خمس المائة

<sup>۱</sup> باتوجه به اینکه بیشتر این روایات در مباحث قبل ترجمه شده‌اند بنابراین، از ترجمه دوباره‌ی آن‌ها خودداری می شود، و تنها مورد بررسی قرار می گیرند.

اربعين ديناراً، و للمضغة ثلاثة اخماس المائة ستين ديناراً، و للعظم اربعة اخماس المائة ثمانين ديناراً فاذا كسا اللحم كانت له مائة كاملة، فاذا نشأ فيه خلق آخر و هو الروح فهو حبلى نفس بالف دينار كاملة ان كان ذكراً، و ان كان انثى فخمسة ائة دينار، و ان قتلت امرأة و هى حبلى متم. فلم يسقط ولدها و لم يعلم اذكر هو او انثى و لم يعلم ابعدا مات ام قبلها فديته نصفين نصف دية الذكر و نصف دية الانثى و دية المرأة كاملة بعد ذلك، و ذلك ستة اجزاء من الجنين، و ائفى عليه السلام: فى منى الرجل يفرغ عن عرسه فيعزل عنها الماء و لم يرد ذلك نصف خمس المائة عشرة دنانير، و اذا افرغ فيها عشرين ديناراً. و قضى فى دية جراح الجنين من حساب المائة على ما يكون من جراح الذكر و الانثى و الرجل و المرأة كاملة، و جعل له فى قصاص جراحته و معقلته على قدر ديته و هى مائة دينار و رواه الصدوق و الشيخ (حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ١٩، ٢٣٧، و ٢٣٨).

٢- و عن على بن ابراهيم، عن ابيه، عن ابن ابي عمير، عن عبدالله بن سنان، عن رجل، عن ابي جعفر (ع) قال: قلت له: الرجل يضرب المرأة فتطرح النطفة؟ قال: عليه عشرون ديناراً، فان كان علقه فعليه اربعون ديناراً، فان كان مضغة فعليه ستون ديناراً، فان كان عظما فعليه الدية. (همان، ص ٢٣٨).

٣- و عن محمد بن يحيى، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن اسماعيل، عن صالح بن عقبه، عن سليمان بن صالح، عن ابي عبدالله (ع): فى النطفة عشرون ديناراً، و فى العقلة اربعون ديناراً، و فى المضغة ستون ديناراً، و فى العظم ثمانون ديناراً، فاذا كسى اللحم فمائة دينار، ثم هى دية حتى يستهل، فاذا استهل فالدية كاملة. و رواه الصدوق باسناده عن محمد بن اسماعيل بن بزيع مثله (همان).

٤- و عنه، عن احمد بن محمد بن عيسى، عن ابن محبوب، عن ابي ايوب الخزاز، عن محمد بن مسلم قال: سألت ابا جعفر (ع) عن الرجل يضرب المرأة فتطرح النطفة، فقال: عليه عشرون ديناراً، فقلت: يضربها فتطرح العقلة، فقال: عليه اربعون ديناراً، فقلت: فيضربها فتطرح المضغة فقال: عليه ستون ديناراً فقلت: فيضربها فتطرح و قد صار له عظم، فقال: عليه الدية كاملة، و بهذا قضى امير المؤمنين (ع) فقلت: فما صفة النطفة التى تعرف بها؟ فقال: النطفة تكون بيضاء مثل النخامة الغليظة فتمكث فى الرحم اذا صارت فيه اربعين يوماً، ثم تصير الى علقه، قلت: فما صفة خلقه العقلة التى تعرف بها؟ فقال: هى علقه كعلقه الدم المحجمة الجامدة تمكث فى الرحم بعد تحويلها عن النطفة اربعين يوماً، ثم تصير مضغة، فقلت: فما صفة المضغة و خلقتها التى تعرف بها؟ فقال: هى مضغة لحم حمراء فيها عروق خضر مشبكة، ثم تصير الى عظم، قلت: فما صفة خلقته اذا كان عظماً؟ فقال اذا كان عظماً شق لها السمع و

البصر و رتبت جوارحه فاذا كان كذلك فان فيه الديّة كاملة . و رواه الشيخ باسناده عن احمد بن محمد و الذي قبله باسناده عن محمد بن يحيى مثله (همان، ص ۲۳۸ و ۲۳۹).

۵- و عنه، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن اسماعيل ، عن صالح بن عقبه، عن يونس الشيباني قال: قلت لابي عبدالله (ع): فان خرج في النطفة قطرة من دم؟ فقال القطرة عشر النطفة، فيها اثنان وعشرون دينارا، قلت: فان قطرت قطرتين؟ قال: اربعة و عشرون دينارا، قلت: فان قطرت ثلاث؟ قال: فستة و عشرون دينارا، قلت: فاربع؟ قال: فثمانية و عشرون دينارا وفي خمس وثلاثون و مازاد على النصف فعلى حساب ذلك حتى تصير علقه، فاذا صارت علقه ففيها اربعون. (همان).

۶- وبالاِسناد عن صالح، عن ابي شبل قال: حضرت يونس و ابو عبدالله (ع) يخبره بالديات قال: قلت: فان النطفة خرجت متحضضة بالدم، قال: فقال لي: فقد علقت ان كان دما صافيا ففيها اربعون دينارا، و ان كان دما اسود فلاشئ عليه الا التعزير، لانه ما كان من دم صاف فذلك للولد، وما كان من دم اسود فذلك من الجوف، قال ابو شبل: فان العقلة صار فيها شبه العرق من لحم؟ قال: اثنان و اربعون العشر (دينارا) فقلت: فان عشر اربعين اربعة؟ قال: لا إنما هو عشر المضغة لانه أنما ذهب عشرها فكلما زادت زيد حتى تبلغ الستين، قلت: فان رأيت المضغة مثل العقدة عظما يا بساً؟ قال: فذاك عظم أول ما يتبدى العظم فيتبدى بخمسة أشهر ففيه أربعة دنانيز، فان زاد فزد أربعة أربعة (حتى تتم الثمانين) قلت فاذا وكزها فسقط الصبي ولا يدرى احيا كان ام لا؟ قال: هيهات يا ابا شبل اذا مضت خمسة اشهر فقد صارت فيه الحياة و قد استوجب الديّة و رواه الصدوق باسناده عن محمد بن اسماعيل عن أبي شبل و الذي قبله عنه، عن يونس الشيباني و رواه علي بن ابراهيم في تفسيره، عن ابيه، عن سليمان بن خالد، عن ابي عبدالله (ع) نحوه و كذا الذي قبله (حرعاملی، ج ۱۹، ص ۲۳۹ و ۲۴۰).

۷- وباسناده عن صالح بن عقبه، عن يونس الشيباني قال: حضرت أنا و أبو شبل عند أبي عبدالله (ع) فسألته عن هذه المسائل في الديات ثم سأل أبو شبل و كان أشد مبالغه فخليته حتى استنظف (همان).

۸- و عن علي بن ابراهيم، عن أبيه، عن ابن محبوب، عن عبدالله بن غالب عن أبيه، عن سعيد بن المسيب، قال: سألت علي بن حسين (ع) عن رجل ضرب امرأة حاملا بر جله فطرحته ما في بطنها ميتا، فقال: إن كان نطفه فان عليه عشرين دينارا، قلت: فما حد النطفه؟ فقال: هي التي اذا وقعت في الرحم فاستقرت فيه اربعين يوما، وان طرحته وهو علقه فان عليه اربعين دينارا، قلت: فما حد العلقه؟ قال: هي التي اذا وقعت في الرحم فاستقرت فيه ثمانين يوما قال: و إن طرحته و هو مضغة فان عليه ستين

دينارا، قلت: فما حد المضغة؟ فقال: هي التي إذا وقعت في الرحم فاستقرت فيه مائة و عشرين يوما، قال: و إن طرحته و هو نسمة مخلقة له عظم و لحم (مرتب) مزيل الجوارح قد نفخت فيه روح العقل فان عليه دية كاملة. و رواه الشيخ باسناده عن علي بن ابراهيم و الذي قبله باسناده عن صالح بن عقبة و الذي قبلهما باسناده عن احمد بن محمد بن عيسى، عن عبدالله بن مغيرة، و باسناده عن محمد بن الحسن الصفار عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن محمد بن اسماعيل و كذا الذي قبله. (همان، ص ٢٤٠ و ٢٤١).

٩- محمد بن الحسن باسناده عن محمد بن الحسن الصفار، عن احمد بن محمد ابن عيسى عن العباس بن موسى الوراق، عن يونس بن عبد الرحمن، عن ابي جرير القمي قال: سألت العبد الصالح (ع) عن النطفة ما فيها من الدية؟ و ما في العقلة؟ و ما في المخلقة و ما يقر في الارحام؟ فقال انه يخلق في بطن امه خلقا من بعد خلق يكون نطفة اربعين يوما، ثم تكون علقه اربعين يوما، ثم مضغة اربعين يوما، ففي النطفة اربعون دينارا، و في العقلة ستون دينارا و في المضغة ثمانون دينارا فقال: إنه يخلق في بطن امه خلقا من بعد خلق يكون نطفة اربعين يوما، ثم تكون علقه اربعين يوما ثم مضغة اربعين يوما ففي النطفة اربعون دينارا، فاذا اكتسى العظام لحما ففيه مائة دينار، قال عز وجل: «ثم أنشأناه خلقا آخر فتبارك الله أحسن الخالقين» فان كان ذكر ففيه الدية و إن كانت انثى ففيها ديتها. أقول: هذا محمول على زيادة خلقه النطفة إلى أن تبلغ علقه، و زيادة العقلة إلى أن تبلغ المضغة، و زيادة المضغة إلى أن تبلغ العظم. (همان، ص ٢٤١).

١٠- محمد بن محمد المفيد في (الارشاد) قال: قضى على (ع) في رجل ضرب امرأة فألقت علقه أن عليه ديتها اربعين دينارا، و تلا (ع) «و لقد خلقنا الانسان من سلاله من طين ثم جعلناه نطفة في قرار مكين ثم خلقنا النطفة علقه فخلقنا العلقه مضغة فخلقنا المضغة عظاما فكسونا العظام لحما ثم أنشأناه خلقا آخر فتبارك الله أحسن الخالقين» ثم قال: في النطفة عشرون دينارا، و في العلقه اربعون دينارا، و في المضغة ستون دينارا و في العظم قبل أن يستوى خلقه ثمانون دينارا، و في الصورة قبل أن تلجه الروح مائة دينار، فاذا ولجتها الروح كان فيها ألف دينار. (همان، ص ٢٤١ و ٢٤٢).

١١- محمد بن الحسن باسناده عن الحسين بن سعيد، عن ابن محبوب، عن علي بن رثاب، عن أبي عبيد، عن أبي عبدالله (ع) في امرأة شربت دواء و هي حامل لتطرح و لديها فألقت ولدها، قال: و ان كان له عظم قد نبت عليه اللحم و شق له السمع و البصر فان عليها دية تسلمها الى ابيه قال: و إن كان

جنینا علقه أو مضغه فان عليها أربعين دينارا، أو غرة تسلمها إلى أبيه، قلت: فهي لا ترث من ولدها من ديتة؟ قال: لا، لأنها قتلته. ورواه الكليني و الصدوق. (همان، ص ۲۴۲).

۱۲- و باسناده عن علي بن ابراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير عن محمد بن أبي حمزة، عن داوود بن فرقد، عن أبي عبدالله (ع) قال: جاءت امرأة فاستعدت على أعرابي قد أفرعها فألقت جنينا، فقال الاعرابي: لم يهل و لم يصح ومثله يطل، فقال النبي: اسكت سجاعة، عليك غرة وصيف عبد أو أمة. ورواه الصدوق باسناده عن محمد بن أبي عمير و الذي قبله باسناده عن الحسن بن محبوب مثله. (همان).

۱۳- و عنه، عن أبيه، عن النوفلي، عن السكوني، عن أبي عبدالله (ع) قال: قضى رسول الله (ع) في جنين الهلالية حيث رميت بالحجر فألقت ما في بطنها ميتا فان عليه غرة عبد أو أمة. و رواه الكليني عن علي بن ابراهيم و كذا الذي قبله و الاول عن محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد و عن علي بن ابراهيم عن ابيه جميعا، عن ابن محبوب مثل. (همان، ص ۲۴۳ و ۲۴۲).

۱۴- و باسناده عن الحسن بن محبوب، عن أبي أيوب، عن سليمان بن خالد، عن أبي عبدالله (ع) أن رجلا جاء إلى النبي (ع) و قد ضرب امرأة حبلى فاسقطت سقطا ميتا فأتى زوج المرأة إلى النبي (ص) فاستعدى عليه، فقال الضارب: يا رسول الله ما أكل و لا شرب و لا استهل و لا صاح و لا استبش (استبشر) فقال النبي: إنك رجل سجاعة، ففضى فيه رقبة. (همان).

۱۵- و باسناده عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن علي بن الحكم، عن علي بن أبي حمزة، عن أبي بصير، عن أبي عبدالله (ع) قال، إن ضرب الرجل امرأة حبلى فألقت ما في بطنها ميتا فان عليه غرة عبد أو أمة يدفعه، إليها. ورواه الكليني عن محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد مثله. (همان).

۱۶- و باسناده عن محمد بن علي بن محبوب، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب عن ابي ايوب، عن أبي عبيدة والحلي، عن أبي عبدالله (ع) قال: سئل عن رجل قتل امرأة خطأ و هي على رأس ولدها تمخض، فقال: خمسة آلاف درهم و عليه دية الذي في بطنها وصيف أو وصيفة أو أربعون دينارا. و باسناده عن الحسن بن محبوب مثله. ورواه الكليني عن محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد و عن علي بن ابراهيم، عن أبيه جميعا، عن ابن محبوب. (همان، ص ۲۴۳ و ۲۴۴).

۱۷- و باسناده عن الحسين بن سعيد، عن ابن أبي عمير، عن جميل بن دراج، عن عبيد بن زرارة قال: قلت لابي عبدالله (ع): الغرة قد تكون بمائة دينار، و تكون بعشرة دنانير، فقال: بخمسين. و راوره الصدوق باسناده عن جميل بن دراج مثله. (همان، ص ۲۴۴).

۱۸- و عنه، عن ابن محبوب، عن إسحاق بن عمار، عن أبي عبدالله عليه السلام قال: إن الغرة تزيد و تنقص و لكن قيمتها أربعون دينارا. و رواه الكليني عن علي بن ابراهيم، عن أبيه، عن ابن محبوب و الذي قبله عن علي ابن ابراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير مثله. (همان).

۱۹- و باسناده عن النوفلي، عن السكوني، عن أبي عبدالله (ع) قال: الغرة تزيد و تنقص و لكن قيمتها خمسمائة درهم. أقول: و تقدم ما يدل على أن دية العلقه أربعون دينارا و دية المضغة ستون و ما بينهما خمسون. (همان).

۲۰- محمد بن يعقوب، عن عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن خالد عن عثمان بن عيسى، عن سماعة، عن أبي عبدالله (ع) قال: سألته عن الرجل ضرب ابنته و هي حلبة فأسقطت سقطا ميتا فاستعدى زوج المرأة عليه فقالت المرأة لزوجها: إن كان لهذا السقط دية و لي فيه ميراث فان ميراثي منه لابي فقال: يجوز لايها ما وهبت له. روى محمد بن الحسن باسناده عن الحسين بن سعيد عن الحسن بن زرعة عن سماعة مثله و رواه الصدوق باسناده عن سماعة مثله و باسناده عن الحسن بن محبوب عن أبي أيوب عن سليمان بن خالد مثله و قال: يودي أبوها إلى زوجها ثلثي دية السقط. (همان، ۲۴۶).

### مفاد روایات فوق از نظر صاحب جواهر

در جواهر الکلام آمده: «به نظر مشهور فقها دیه ی جنین اگر در حکم مسلمان آزاد باشد در صورتی که کامل باشد و روح در آن حلول نکرده باشد یک صد دینار است، این امر در کتاب انتصا رسید مرتضی و کتاب غنیه محقق کرکی آمده، در خلاف شیخ طوسی و سرائر بن ادریس و مبسوط شیخ طوسی فقهای امامیه همگی بران اجماع داشته اند. و شاید هم چنین باشد یعنی مسئله اجماعی باشد، بلکه به ندرت مخالفی پیدا می شود به دلیل معتبره یعنی همان صحیحی که از امام صادق (ع) و امام رضا (ع) روایت شده که از امیرالمومنین (ع) نقل نموده اند: که امام (ع) دیه ی جنین را یک صد دینار قرار داده است. و منی مرد را تا زمانی که جنین بشود پنج جزء دانسته است، اگر به جنین تبدیل شود قبل از اینکه روح در آن حلول کند دیه اش یک صد دینار است؛ زیرا خداوند متعال انسان را از



سالاله‌ای خلق نموده که عبارت است از نطفه که یک جزء است، سپس می‌شود علقه که دو جزء است، سپس می‌شود مضغه که سه جزء است، سپس می‌شود استخوان که چهار جزء است بعد گوشت می‌روید در این هنگام جنین دارای پنج جزء خواهد شد و کامل می‌گردد، که دیه‌اش یک‌صد دینار می‌باشد. یک‌صد دینار پنج جزء است: برای نطفه یک پنجم صد دینار مساوی بیست دینار است، برای علقه دو پنجم صد که چهل دینار است، برای مضغه سه پنجم صد که شصت دینار است، برای استخوان چهار پنجم دیه که هشتاد دینار است، اگر گوشت روی استخوان روئیده شود یک‌صد دینار، و اگر روح در آن دمیده شود به نفس آدمی درمی‌آید، در آن هزار دینار یعنی دیه کامل است در صورتی که مذکر باشد، و اگر مونث باشد پانصد دینار است. در مرسله از امام صادق (ع) آمده: دیه جنین پنج جزء است، یک پنجم برای نطفه که بیست دینار است، اگر جنین کامل شد دیه آن می‌شود یک‌صد دینار، و اگر روح در آن حلول کند دیه‌اش هزار دینار و یا ده هزار درهم است در صورتی که مذکر باشد، و اگر مونث باشد پانصد دینار است. اگر زن حامله کشته شود و مونث و مذکر بودن جنین نامشخص باشد دیه او دو نصف است، نصف دیه مذکر و نصف دیه مونث و دیه زن کامل است. در روایت سلیمان بن صالح از امام صادق (ع) آمده: دیه نطفه بیست دینار، دیه علقه چهل دینار و دیه مضغه شصت دینار، دیه استخوان هشتاد دینار، اگر گوشت بروید یک‌صد دینار است و اگر صدا بزند (گریه کند) یک‌صد دینار است، اگر صدا زد باید دیه کامل پرداخت. در خبر ابی جریر قمی آمده است: راوی گفته از امام کاظم (ع) سؤال کردم که دیهی نطفه چه قدر است؟ دیهی علقه چه قدر؟ دیهی مضغه چه قدر است؟ دیهی خلق (یافته) شده؟ و آنچه در رحم مستقر می‌شود چقدر است؟ حضرت فرمود: جنین در شکم مادر از خلقتی به خلقتی تبدیل می‌شود. به صورت نطفه درمی‌آید در مدت چهل روز، سپس می‌شود علقه در چهل روز، سپس می‌شود مضغه در چهل روز، دیهی نطفه چهل دینار است، دیهی علقه شصت دینار، دیهی مضغه هشتاد دینار، و اگر گوشت روی استخوان بروید (پوشاند) دیه‌اش یک‌صد دینار است خداوند متعال فرموده: او را از خلقتی به صورتی دیگر آفریدیم تبارک الله احسن الخالقین (سوره مومنون، آیه ۱۳)، اگر مذکر باشد دیه‌اش کامل است و اگر مونث باشد دیه کامل زن می‌باشد، منظور از قرائت آیه توسط امام (ع) بیان نمودن حلول روح در جنین است. ولی عمانی دیهی کامل را قبول دارد به دلیل صحیحه ابی عبیده از امام صادق (ع) و از امام باقر (ع): در مورد زنی که عمداً دارو مصرف کرده بود

درحالی که حامله بوده برای اینکه سقط جنین کند و شوهرش از آن آگاهی نداشته حضرت فرموده: اگر دارای استخوان بوده و گوشت بر آن روییده و گوش و چشم او شکافته شده، باید آن زن دیهی کامل به پدر جنین پردازد و اگر جنین علقه یا مضغه بوده بر او چهل دینار یا غره است که باید به پدر جنین پرداخت کند، راوی می گوید، گفتم: آن زن از دیه جنینش ارث نمی برد؟ امام فرمود: نه، زیرا او را کشته است. قول امام باقر (ع) در صحیحہ ابن مسلم: اگر استخوان بوده و گوش و چشم او شکافته شده و اعضایش مرتب شده دیه کامل است این دو روایت با اینکه نمی توانند با وجوهی که ذکر شد مخالفت داشته باشند، ممکن است بر دیهی کامل که مراد یک صد دینار است حمل شوند یا اینکه بستگی داشته باشند به سقط بعد از حلول روح زیرا مطلق هستند.

از اسکافی حکایت شده است: اگر جنین به طور مرده سقط شود و زنده بودنش بعد از جنایت بر مادرش معلوم نشود در آن غره (برده یا کنیز مرغوب) واجب است، اگر مادر مسلمان و آزاد باشد، غره ای که باید پرداخت کند برابر با نصف یک دهم دیه است. به دلیل قول امام صادق (ع) در صحیحہ که فرموده: رسول خدا (ص) در جنین زنی از بنی هلال که سنگی به سویش پرداخت شده بود و سقط نمود به غره (برده یا کنیز) حکم کرد. در خبر ابی بصیر آمده: اگر مردی به شکم زن حامله ای بزند و در اثر آن سقط جنین کند در حالی که مرده است باید غره (برده یا کنیز) به آن زن پرداخت شود. در خبر داود بن فرقد آمده: زنی از یک عرب بادیه نشین شکایت کرد که او را ترسانده بود و سقط نموده بود، عرب بادیه نشین گفت: سقط شده گریه نکرد، صدا نزد، پیامبر (ص) فرمود: ساکت باش تو یک سجع گویی (شاعر): بر تو لازم است غره (برده و یا یک کنیز و یا بردهی جوان) به او بدهی. در خبر سلیمان بن خالد ذکر شده: مردی نزد پیامبر (ص) رفت در حالی که زن حامله ای را زده بود و جنین درحالی که مرده بود سقط شد. شوهر آن زن نزد پیامبر رفت و شکایت کرد. مرد ضارب گفت: ای رسول خدا (ص) او چیزی نخورد و چیزی ننوشت، گریه نکرد و صدا نزد و تبسم نکرد. پیامبر (ص) فرمود: تو یک مرد سجع گویی و در مورد آن جنین به یک برده حکم کرد. در صحیحہ ابی عیینہ و حلبی از حضرت سؤال شد در مورد مردی که به طور خطا زنی در حال زایمان را کشته بود حضرت فرمود: بر آن مرد پنج هزار درهم و دیهی جنین است، که دیهی آن غره (برده جوان مذکر یا مونث) می باشد و یا چهل دینار باید پرداخت کند. در خبر ابی مریم از امام باقر (ع) آمده: مردی با ستون چادری به زن حامله ای زده و او را کشت، پیامبر (ص) اولیای دم را مخیر

کرد که یا پنج هزار درهم و غره (کنیز یا برده جوان) بگیرند، یا اینکه پنج هزار درهم به اولیای مرد قاتل بدهند و او را بکشند. خبر عبید بن زراره دلالت بر مقدار غره می‌کند که راوی به امام صادق (ع) می‌گوید: غره گاهی یک صد دینار است و گاهی ده دینار، حضرت فرمود: پنجاه دینار است. و خبر سکونی نیز مقدار و ارزش غره را این گونه بیان می‌کند که حضرت گفته غره کاهش و افزایش می‌یابد ولی قیمتش پانصد درهم است. صحیحه ابی عبیده و حلبی بر این توافق دارند که قیمت غره چهل دینار است، بلکه موثقه اسحاق از امام صادق (ع) صراحتاً این را بیان می‌کند که ارزش غره زیاد و کم می‌شود و قیمتش چهل دینار است. (نجفی، جواهر الکلام، ۱۴۰۴ق، ج ۴۲، ص ۳۶۰ و ۳۵۶). در کتاب جواهر آمده است: «اگر جنین بیش از یکی باشد، برای هر یک دیه‌ای است» (همان، ص ۳۶۳).

و نیز در کتاب مزبور بیان شده: «دیه‌ی کامل واجب نمی‌شود مگر اینکه زنده بودن جنین قبل از جنایت یقینی و قطعی باشد. (همان، ۳۶۵).

صاحب جواهر گفته: «اگر خلقت جنین کامل نشود در مقدار دیه‌ی آن دو قول و نظر هست یک- دیه‌اش غره است، شیخ طوسی در مبسوط و خلاف و در دو کتاب حدیث‌اش (تهدیب و استبصار) آن را ذکر نموده و بین روایاتی که غره در آن‌ها ذکر شده و بین آنچه در غیر این کتاب‌ها به عنوان دیه ذکر شده جمع نموده است و صحیحه ابی عبیده را برای بیان خود دلیل قرار داده است. ولی صحیحه در خصوص علقه و مضغه در پرداخت غره و یا چهل دینار مخیر دانسته است. متونی که غره در آن‌ها ذکر شده موافق با اهل تسنن می‌باشند و با روایاتی که در آن‌ها دیه‌ی جنین غیر غره ذکر شده است مخالفت و تعارضی ندارند. بعضی از آن روایات درباره واقعه‌ی خاصی هستند، بنابراین نمی‌شود همگی را باهم بیان نمود تا اینکه گفته شود اخبار مخالف طرح می‌شوند، این روایات با اخباری که غره در آن‌ها ذکر شده منافات دارند و احتمال می‌رود غره برابر بیست دینار در نطفه و چهل دینار در علقه باشد. علاوه بر این جمع بستن روایات باهم که شیخ طوسی انجام داده است درست نیست و با صحیحه که معتقد است به مخیر بودن بین چهل دینار و غره در مضغه که شخصیت دینار است سازگار نیست، علاوه بر آنچه در روایات ذکر شده در مورد مشخص کردن قیمت غره که با احتمال مزبور منافات دارد، خود شیخ طوسی نیز قیمت آن را پنجاه دینار قرار داده است. بنابراین، ضعف این نظر مشخص می‌شود. قول دیگر مشهورتر است و در غنیه ادعای اجماع بر آن

شده این است که دیه بر اساس مراحل و مراتب شکل گیری جنین تقسیم می گردد چنانچه به طور مفصل در روایات آمده، مانند آنچه در صحیح محمد بن مسلم ذکر شده که راوی گفته از امام باقر (ع) سوال کردم در مورد مردی که زن حامله ای را می زند و زن نطفه را سقط می کند حضرت فرمود دیه ی آن بیست دینار است، راوی می گوید، گفتم: او را می زند و علقه را سقط می کند فرمود دیه ی آن چهل دینار است گفتم مضغه را سقط می کند فرمود دیه ی آن شصت دینار است گفتم او را می زند و جنینی که دارای استخوان است سقط می کند فرمود: بر او دیه ی کامل است و امیرالمومنین (ع) به آنچه که بیان کردیم حکم کرده است<sup>۴۵</sup> (نجفی، جواهرالکلام، ۱۴۰۴ق، ج ۴۲، ص ۳۶۶-۳۶۸).

در شرح لمعه دیه ی جنین به ترتیب زیر بیان شده است: «دیه ی نطفه ای که در رحم مستقر است بیست دینار است. دیه ی علقه، چهل دینار است؛ و دیه ی مضغه شصت دینار است و دیه ی جنینی که دارای استخوان است هشتاد دینار و دیه ی جنینی که اندام او تکمیل شده است پیش از دمیده شدن روح یک صد دینار می باشد خواه مذکر یا مونث باشد. اگر روح در جنین دمیده شده باشد مذکر آن دیه ی کامل و مونث نصف دیه ی کامل دارد و در صورت انجام قتل جنین برای کشتن جنینی که روح در آن دمیده شده است. هم چون جنینی که به دنیا آمده است محاسبه می شود، بنابراین دیه بریدن دست کفاره واجب است دیه جنایت وارد بر اعضای جنین به نسبت دیه ی خود جنین کامل پیش از دمیدن روح پنجاه دینار است و دیه ی جراحت حارصه (جراحی که همراه خونریزی باشد) وارد بر دست جنین یک دینار است.

دیه ی جنین در صورتی که قتل، عمد یا شبه عمد باشد از مال جنایت کننده پرداخت می شود؛ در غیر این صورت مانند دیه ی نوزاد بر عهده ی عاقله است». (جبعی عاملی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ۱۳۹۶ق، ج ۱۰، ص ۲۸۹-۲۹۳).

شیخ صدوق در المقنع فرموده: «دیه نطفه بیست دینار است، دیه علقه چهل دینار است. دیه مضغه شصت دینار است، دیه استخوان هشتاد دینار است و اگر گوشت استخوان را بپوشاند یک صد دینار است مگر اینکه صدا بزند یا گریه کند، شروع به گریه کند، در این صورت دیه کامل است. اگر در نطفه قطره ای خون پیدا شود دیه آن قطره دو درهم است که در این صورت دیه نطفه می شود بیست و دو دینار، اگر دو قطره باشد دیه آن بیست و چهار دینار است و... تا اینکه می شود علقه که دیه آن

چهل دینار است، و اگر با نطفه خون مخلوط شود در صورتی که خون صاف باشد دیه آن چهل دینار است، و اگر خون سیاه باشد دیه ندارد و مجازاتش تعزیر است، زیرا آنچه از خون صاف باشد مال جنین است و آنچه از خون سیاه است از درون زن است. اگر علقه شبیه رگ‌های گوشت باشد دیه آن چهل و دو دینار است اگر در درون مضغه همانند بند استخوان خشک باشد که آن نشانه پیدا شدن استخوان است. دیه آن چهار دینار است و هر چه افزوده شود در مقابلش چهار دینار اضافه می‌شود تا اینکه به هشتاد دینار می‌رسد، اگر گوشت روی استخوان بروید و جنین سقط شود و مشخص نشود که زنده بوده یا مرده، اگر پنج ماه سپری کرده باشد دارای حیات است و در آن دیه کامل است». (صدوق ابن بابویه قمی، المقنع، ۱۴۱۵ق، ص ۵۱۰ و ۵۰۹).

امام خمینی (ره) می‌فرماید: «اگر روح در جنین وارد شده باشد در سقط آن دیه‌ی کامل است، در صورتی که حکم مسلمان آزاد داشته باشد و مذکر باشد اما اگر مونث باشد نصف دیه‌ی کامل در آن است. و اگر گوشت رویده شود و آفرینشش کامل گردد دیه‌ی آن یک‌صد دینار است خواه مذکر باشد یا مونث، در مضغه شصت دینار و در علقه چهل دینار و در نطفه که در رحم مستقر شده بیست دینار است. در تمام مراحل فوق هیچ فرقی بین مذکر و مونث نیست». (موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۵۹۷).

مرحوم خوئی می‌فرماید: «دیه نطفه بیست دینار، دیه علقه چهل دینار، دیه مضغه شصت دینار، و اگر استخوان بروید دیه آن هشتاد دینار و اگر گوشت روی استخوان بروید دیه آن یک‌صد دینار است و اگر روح در آن دمیده شود دیه آن هزار دینار است اگر مذکر باشد و پانصد دینار اگر مونث باشد». (خوئی، مبانی تکملة المنهاج، ۱۳۹۶ق، ج ۲، ص ۳۹۸). و نیز فرموده: «اگر حمل بیش از یک جنین باشد هر یک از آن‌ها دیه دارد». (همان، ۴۰۹).

مقام معظم رهبری می‌فرماید: «اگر علقه باشد دیه‌ی آن چهل دینار است، و اگر مضغه باشد شصت دینار است و اگر استخوان بدون گوشت باشد هشتاد دینار است و دیه به وارث جنین با رعایت طبقات ارث پرداخت می‌شود ولی وارثی که خودش در سقط جنین دست داشته از آن، سهمی ندارد». (خامنه‌ای، رساله‌ی اجوبه‌ی المسائل، ۱۳۸۵ش، ص ۲۸۰).

«مرحوم لنکرانی» در مواردی که سقط جنین حرام است، پرداخت دیه‌ی آن واجب می‌شود، بلکه در مواردی که سقط جنین جایز است نیز دیه‌ی آن باید داده شود و بر عهده کسی است که جنین را سقط کرده است. (سایت مرحوم آیت‌الله لنکرانی).

از آیت‌الله مکارم سوال شده: «دیه‌ی سقط جنین در ماه دهم به دلیل فقر چقدر است؟  
جواب: دیه کامل یک انسان را دارد». (سایت آیت‌الله مکارم شیرازی).

مرحوم خوئی فرموده: «اگر انسان کاری کند که زن حامله سقط کند و جنین سقط شده برای زوج آزاد مسلمان باشد چنانچه چیزی که سقط شده نطفه باشد دیه‌اش بیست مثقال شرعی طلای سکه دار است، که هر مثقال آن (۱۸) نخود می‌باشد. و اگر علقه یعنی خون بسته باشد چهل مثقال و اگر مضغه یعنی پاره‌ی گوشت باشد، شصت مثقال. اگر استخوان شده باشد هشتاد مثقال و اگر گوشت آورده ولی هنوز روح در او دمیده نشده صد مثقال و اگر روح در او دمیده شد، چنانچه پسر باشد دیه او هزار مثقال و اگر دختر باشد، دیه او پانصد مثقال شرعی طلای سکه‌دار است و در همه‌ی این موارد اگر به جای هر یک مثقال طلا ده درهم نقره بدهد کافی است». (خوئی، توضیح المسائل، ۱۳۹۵ق، ص ۵۰۵). و نیز گفته: اگر زن حامله کاری کند که بچه‌اش سقط شود، باید دیه‌ی آن را به وارث بچه بدهد و به خود زن چیزی از آن نمی‌رسد. و اگر کسی زن را بکشد، باید دیه‌ی زن و بچه را بدهد. (همان).

در شرح لمعه آمده: «هرگاه شخصی آسیبی بر جنین وارد سازد و او را سقط نماید. دیه‌ی جنین را پدر و مادرش به ارث می‌برند و در صورت نبودن آن دو کسانی که پدر و مادر جنین نزدیک‌اند، مثل این که پدر و مادر جنین با خود جنین بمیرند یا پدر پیش از جنین و مادر با او بمیرد که در این صورت کسانی که به وسیله پدر خویشاوند نسبی جنین هستند مانند خواهر و برادر. از این مطلب که ارث بردن دیه جنین مخصوص خویشان پدری قرار داده شده است فهمیده می‌شود که هیچ یک از خویشان مادری ارث نمی‌برد». (جبعی عاملی، ج ۸، ص ۲۱۱).

اگر در اثر تأخیر سزارین، جنین بمیرد یا آسیبی به مادر وارد شود و به همین علت نقصی بر مادر یا جنین وارد شود، در صورتی که مرگ و آسیب به کسی استناد داده نشود کسی ضامن نیست، اما اگر مستند به کسی باشد او ضامن است مگر آن که قبل از آن شرط کرده باشند که کسی ضامن مرگ آن‌ها در عمل نیست و کوتاهی در عمل هم نکرده باشد. (سایت مرحوم آیت‌الله فاضل

لنکرانی) نیز فرموده: «مادر بارداری که برای سقط شدن جنین خود، عملی را انجام نداده، لیکن با عدم رعایت نکات لازم و مهیا نکردن شرایط جنین را سقط نموده است چون حفظ جنین مستند به مادر است، کار حرامی را مرتکب شده و دیه جنین بر او واجب می شود. اما اگر به اندازه متعارف رعایت کرده، مسوولیتی ندارد». (همان).

اهل تسنن روایت نموده اند که رفاعه بن رافع گفته: «با عمر، علی، زبیر، سعد بن ابی وقاص و چند نفر از صحابه نشسته بودیم و در مورد عزل صحبت کردند، یکی از آن ها گفت: اشکال ندارد، دیگری گفت: ادعا می شود که عزل و آد (زنده به گور) کوچک است، علی (ع) فرموده: و آد نمی باشد مگر اینکه تارات هفت گانه (مراتب هفت گانه) را سپری کند که از سلسله گل است. سپس نطفه می شود سپس علقه، سپس مضغه، سپس استخوان، سپس گوشت، سپس به خلقتی دیگر تبدیل می گردد، عمر گفت: درست فرمودید، خداوند تورا نگه دارد». (ابن رجب حنبلی، قواعد ابن رجب، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۵۶).

درالجامع لاحکام القرآن آمده: «مالک گفته: دیه آنچه زن سقط می کند مضغه یا علقه یا منشأ بچه است، در صورتی که به شکم زن زده شود غره است. شافعی گفته: چیزی به آن تعلق نمی گیرد مگر اینکه اثری از خلقتش آشکار گردد. مالک گفته: اگر جنین سقط کند و صدا نزند دیهی آن غره است و اگر صدا بزند دیهی کامل به آن تعلق می گیرد. شافعی و سایر فقها گفته اند: اگر به وسیله حرکت یا عطسه یا صدا زدن و غیره دانسته شود که زنده بوده دیهی آن کامل است». (انصاری قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۱۴۰۵ق/۱۹۸۵م، ج ۱۲، ص ۱۰).

### مسئولیت پزشک

اگر پزشک در تشخیص دادن اشتباه کند و مجوز دارو مضر صادر کند و جنین در اثر دارویی که نوشته تلف شود، مهارت پزشک مدنظر قرار داده می شود که با فراتر گذاشتن او در درمان تا چه حدی بوده است.

مسئولیت پزشک در پرتوی حالات و صورت های ذیل مشخص می شود:

الف- صورت اول: پزشک در علم پزشکی مهارت داشته باشد، و در اثر معالجه او از طریق جراحی یا با توصیف دارو مضر آن شخص تلف شود و یا اینکه عضوی از اعضای جنین از بین برود، پزشک

ضامن آن نیست، ابن قیم این صورت را حکایت نموده است. (ابن قیم، زادالمعاد، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۳۹-۱۴۳).

ب- صورت دوم: پزشک معالج جاهل باشد و مهارت نداشته باشد، در این صورت علما در مسئول بودن پزشک اتفاق نظر دارند. ابن قیم می گوید: «اگر فردی عمل پزشکی را بکند ولی در آن علم نداشته باشد اقدام به تلف نفس نموده است و در آنچه که نمی داند بدون ترس وارد شده است و بیمار را فریب داده و به او ضرر رسانده، بنابراین مسئول است، این موضوع مورد اجماع علما است.» (همان، ص ۱۳۹).

پیامبر (ص) فرموده: «من تطب و هو لا يعلم منه طب، فهو ضامن» (سجستانی ابو داود، سنن ابی داود، ۱۴۱۹ق، کتاب الدیات، حدیث ۴۵۸۶؛ نسایی، سنن النسائی، ۱۹۶۴م، کتاب القسامه، حدیث ۴۸۳۰). یعنی: هر کس طبابت کند در حالی که علم طب نداشته باشد ضامن است.

ج- صورت سوم: پزشک مهارت داشته باشد، ولی در معالجه اشتباه کند و نفس یا عضوی از بین برود و یا چیزی که به فرد سود می رسانده نابود شود چنین پزشکی اگر بیش از اندازه دخالات نموده به اتفاق آراء علما ضامن و مسئول است. منظور از ضمانت پزشک این است که در صورت خطا و اشتباه، دیه بر عاقله او (خویشاوندانی که ضامن دیه ی او هستند) واجب می شود نظر مشهور فقهای اهل تسنن این است -جز بعضی از مالکیه- «پزشک باید دیه را از مال خودش بپردازد». (سرخسی، المبسوط، ۱۳۲۴ق، ج ۱۶، ص ۱۱، رملی انصاری، نهایة المحتاج، ۱۹۳۸م، ج ۸، ص ۳۵؛ البار، الجنین المشوه والامراض الوراثیة، ۱۴۰۷ق، ص ۵۸).

فاضل لنکرانی: «از آن جهت که سقط جنین جایز نیست، پزشک یا شخص دیگری که چنین عملی را انجام دهد علاوه بر ارتکاب گناهی بزرگ باید بداند: یک: دیه سقط جنین بر او واجب است.

دو: وجهی که بابت اجرت سقط جنین دریافت می کند حرام است. (سایت مرحوم فاضل لنکرانی) نیز فرموده: «پزشک در هنگام تجویز دارو برای زنان باردار باید به مضر نبودن دارو برای مادر و جنین او داشته باشند و در صورتی که دارویی تجویز کند که به مادر یا جنین ضرر وارد کند، ضامن



است». (همان) و نیز فرموده‌اند: «اگر پزشک با جراحی و با تزریق آمپول این عمل را انجام دهد ضامن دیه خواهد بود». (همان).

در کتاب (فقه برای غرب‌نشینان مطابق با فتاوی آیت‌الله سیستانی) آمده: «اگر مادری جنین خود را سقط کند باید دیه بپردازد و هم‌چنین است پدر و یا هر شخص دیگر مانند پزشک که حق ندارند سقط جنین کنند و اگر کردند دیه بر آنان لازم می‌شود». (حکیم، فقه برای غرب‌نشینان، ۱۳۷۹ش، ص ۲۶۹).

### جنایت بر جنین بین عمد، شبه عمد، و خطا

نظرات و آراء گوناگونی بین مذاهب و علما در این زمینه وجود دارد که به شرح زیر بیان می‌گردد:

۱- بعضی گفته‌اند جنایت بر جنین عمد نیست بلکه شبه عمد یا خطاست. حنفیه، حنابله و مشهور شافعیه همین نظر را بیان می‌کنند و به حدیث جابر ابن عبدالله از پیامبر (ص) که در سقط جنین غره بر عاقله ضارب (کسی که ضامن پرداخت دیه‌ی ضارب است) قرار داده است استدلال نموده‌اند، این‌ها گفته‌اند اگر به نظر پیامبر (ص) جنایت بر جنین عمدی به حساب می‌آمد، غره (دیه) بر عاقله ضارب قرار نمی‌داد (ابن عابدین، حاشیه ابن العابدین، ۱۳۶۸ق، ج ۵، ص ۶۱۹؛ رملی، نه‌ایه المحتاج، ۱۹۳۸م، ج ۷، ص ۳۶۳؛ انصاری، اسنی المطالب، بی‌تا، ج ۴، ص ۹۴؛ ابن قدامه، المغنی، ۱۹۸۴م، ج ۷، ص ۷۶۴).

(ولی این استدلال مردود است، زیرا ممکن است غره بر جنایت در حدیث جابر به‌خاطر این باشد که جنایت خطا یا شبه عمد بوده)

۲- جنایت بر جنین ممکن است عمدی باشد و ممکن است خطا باشد، مالکیه این نظر را قبول دارند این نظر دوم نزد شافعیه است و ظاهریه نیز همین نظر را قبول دارند.

دلیل این‌ها این است: اگر کسی با فرد باردار دشمنی داشته باشد به عمد جنایت را مرتکب می‌شود و حیات جنین بنابراین اصل متحقق است، زیرا اصل زنده بودن جنین است تا زمانی که خلاف آن ثابت نشده باشد. (ابن رشد، بدایه المجتهد و نه‌ایه المقتصد، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۳۸؛ ابن حزم اندلسی، المحلی، ۱۹۶۷م، ج ۱۲، ص ۳۸۲).

در صورتی که جنین به صورت مرده از مادرش جدا شود، بیشتر علماء گفته‌اند غره و كفاره واجب‌اند و به حدیث ابو هریره در صحیح مسلم و بخاری استناد کرده‌اند. (ابن قدامه، المغنی، ۱۹۸۴م، ج ۷، ص ۸۰۳).

ابو هریره گفته: «دو زن از قبیله هذیل درگیر شدند یکی از آن دو سنگی به سوی دیگری انداخت آن زن و جنینش مردند، دعواری نزد رسول خدا (ص) مطرح کردند رسول خدا حکم کرد به اینکه غره به عنوان دیه واجب است و دیه زن مقتول بر کسی که ضامن قاتل است قرار دارد. (عسقلانی، بلوغ المرام، ۱۹۷۹م، ج ۳، ص ۱۱۹۴، حدیث ۱۰۹۴؛ بخاری، صحیح البخاری، ۱۴۰۲ق، ج ۱۲، ص ۲۱۲؛ نیسابوری، صحیح مسلم، ۱۳۴۷ق، ج ۱۱، ص ۱۷۷).

در دوران خلافت عمر، عمر در مورد حکم سقط جنین با اطرافیان مشورت کرد، مغیره بن شعبه گفت: در محضر پیامبر (ص) بودیم حضرت به غره (برده یا کنیز) حکم کرد، عمر گفت: کسی بیاور که با تو شهادت دهد، محمد بن مسلمة شهادت داد. (سجستانی ابوداود، سنن ابی داود، ۱۹۸۳م، ج ۲، ص ۵۴۳؛ بیهقی، السنن الکبری، ۱۳۴۴ق، ج ۸، ص ۱۱۴).

فقها اتفاق دارند در مورد تعدد (دو قلو و چندقلو بودن) جنین در صورتی که سقط کنند غره به تعداد آنها متعدد می‌شود. (دسوقی، حاشیه الدسوقی، ج ۴، ص ۲۶۸؛ ابن قدامه ۱۹۸۴، المغنی، ج ۷، ص ۸۰۲).

شافعیه و حنابله علاوه بر غره كفاره را نیز واجب دانسته‌اند و تعدد آن هنگام تعدد جنین سقط شده نیز شده‌اند، مشهور فقهای اهل تسنن گفته‌اند که باید دیه‌ی کامل پرداخت شود. در صورتی که جنین زنده از مادر جدا شود و در اثر جنایت بمیرد. اگر مادر در اثر جنایت بمیرد و در شکمش جنین باشد، یا اینکه جنین در حالی که مرده است از مادر جدا شود، به نظر مشهور فقها ثابت نمی‌شود که جنین نیز به دلیل آن جنایت کشته شده است زیرا احتمال دارد مرگ جنین به علت مرگ مادر باشد نه به سبب جنایت و در صورت شک مجازات واجب نیست. بعضی از شافعیه، ابن حزم ظاهری و زهری با ثابت شدن مرگ جنین جنایت را ثابت شده می‌دانند هر چند از مادر جدا نشده باشد.

به نظر علمای حنفیه: اگر زن عمدتاً بدون اجازه شوهر سقط کند، عاقله (خویشاوندانی که ضامن پرداخت دیه‌ی او می‌باشند) او، ضامن غره هستند، و زن از ارث بردن از دیه (غره) محروم می‌گردد اما اگر شوهر اجازه سقط بدهد، یا اینکه سقط عمدی نباشد گفته‌اند غره لازم نیست؛ زیرا جنایت

صورت نگرفته است و غره حقش است چون وارث است. نظردرست این است که غره بر عاقله زن واجب است. اما اگر مادر از دیگری درخواست کند که جنین اش را سقط کند، در صورتی که با اجازه شوهرش باشد، کسی که مامور سقط شدن است ضامن نیست. (ابن عابدین، حاشیه ابن عابدین، ۱۳۶۸ق، ج ۵، ص ۳۷۷؛ زیلعی، تبیین الحقائق، ۱۳۱۳ق، ج ۶، ص ۱۴۰).

### شروط جنایت بر جنین

بعضی از فقها در تحقق جنایت بر جنین شرط کرده اند: که جنین باید از مادر جدا شود و اگر از مادرش جدا نشود جنایت بر او ثابت نمی شود چون علم و یقین به آن وجود ندارد البته امروزه علم پزشکی اثبات می کند که تلف جنین در اثر جنایت بوده یا خیر؟ در این زمینه نظراتی وجود دارد:

۱- حنفیه در تحقق جنایت شرط کرده اند که جنین زنده از مادرش جدا شود و اگر مرده بعد از مرگ مادرش جدا شود جانی تنها ضامن دیه ی مادر است؛ زیرا در ظاهر مرگ مادر سبب مرگ جنین بوده. (ابن عابدین، حاشیه ابن عابدین، ۱۳۶۸ق، ج ۵، ص ۳۶۰؛ کاسانی، بدائع الصنائع، ج ۷، ص ۳۲۶).

۲- شافعیه (شرینی، الاقناع، ۱۳۸۶ق، ج ۴، ص ۱۳۵) و حنابله (ابن قدامه، المغنی، ۱۹۸۴م، ج ۹، ص ۵۳۸) تفاوتی قایل نیستند بین اینکه جنین از مادر جدا شود در حالی که مادرش زنده باشد یا بعد از مرگ مادرش جدا شود. زیرا جنین به سبب جنایت جانی تلف شده است. (ابن قدامه، المغنی، ۱۹۸۴م، ج ۹، ص ۵۳۸).

۳- امری دلالت کند بر اینکه اگر منشا انسان بودن جنین ثابت شود در این صورت مجازات ثابت می شود. و یا امری بعد از جنایت حاصل شود که لازمه اش جدایی جنین از مادرش عرفاً باشد، چه جنایت را مادر مرتکب شده باشد چه شخص دیگری در این صورت جنایت ثابت می شود (شرینی، الاقناع، ۱۳۸۶ق، ج ۴، ص ۱۰۳؛ ابن قدامه، المغنی، ۱۹۸۴م، ج ۸، ص ۴۰۵؛ ابن عابدین، حاشیه ابن عابدین، ۱۳۸۶ق، ج ۵، ص ۳۶۰).

### مسئول پرداخت دیه جنین سقط شده

۱- به نظر فقهای حنفیه دیه بر عاقله است و باید در مدت یکسال پرداخت شود: (ابن عابدین، همان، ص ۳۷۷).

۲- قول برتر نزد شافعیه غره در مدت یک سال بر عهده عاقله است. (فیروزآبادی شیرازی، المذهب، ج ۲، ص ۱۹۸؛ انصاری، ۱۳۱۳ق، ج ۴، ص ۹۴).

۳- به نظر مالکیه، غره به عهده جانی است در صورت عمد و شبه عمد و هم چنین در حال خطا مگر اینکه مقدار غره به ثلث دیه یا بیشتر برسد که در این صورت بر عاقله جانی است<sup>۸۳</sup>. (دسوقی، حاشیه الدسوقی، ج ۴، ص ۳۶۸، طرابلسی خطاب، مواهب الجلیل، بی تا، ج ۶، ص ۲۵۷).

به نظر حنابلّه: غره بر عاقله است در صورتی که جنین با مادرش بمیرد چه جنایت خطا یا شبه عمد باشد، اما اگر عمد باشد، یا اینکه تنها جنین بمیرد از مال جانی است. (ابن قدامه، همان، ۱۹۸۴م، ج ۷، ص ۸۰۶؛ مرداوی، الانصاف، ۱۳۷۵ق، ج ۱۰، ص ۱۱۹، ۱۲۳).

### دیه جنین اهل کتاب

اگر جنین در حکم غیر مسلمان باشد، دیه او یک دهم دیه پدرش است، مانند جنین مسلمان که در این خلاف نیست، بلکه شیخ طوسی در کتاب خلاف گفته مورد اجماع است. در ظاهر هم چنین است چنانچه بسیاری از علماء به آن معتقدند، تایید می شود. در احکام دیه ی سقط دیه ی غیر مسلمان مانند دیه ی مسلمان انجام می شود. ولی در روایات مسموع و سکونی از امام صادق (ع) از پدرش از علی (ع) نقل شده که علی (ع) در جنین یهودی و مسیحی و مجوسی به یک دهم دیه ی مادرش حکم کرده است. (نجفی، جواهر الکلام، ۱۴۰۴ق، ج ۴۲، ص ۳۶۱).

اگر روح در جنین دمیده شود، دیه ی کامل برای مذکر و نصف دیه برای جنین مونث است، و بین مسلمان آزاد و غیر مسلمان تفاوتی نیست و مورد اتفاق است به دلیل روایاتی که ذکره شده اند، و عموماً آنها را تایید می کنند. (همان، ص ۳۶۴).

در وسائل الشیعه آمده: «... عن أبي عبد الله (ع) أن أمير المؤمنين (ع) قضی فی جنین الیهو دیة و النصرانیة و المجوسیة عشر دیة أمه». (حرعاملی، همان، ۱۴۰۱ق، ج ۱۹، ص ۱۶۶ و ۲۴۶؛ یعنی حضرت

علی(ع) درباره جنین سقط شده یهودی، نصرانی و مجوسی، به یک دهم دیه‌ی کنیز حکم کرده است.

مرحوم خوئی می‌فرماید: «به نظر مشهور فقها دیه‌ی جنین غیرمسلمان یک دهم دیه‌ی پدرش است یعنی هشتاد درهم ولی دارای اشکال است و نظر آشکارتر این است که دیه‌اش یک دهم دیه‌ی مادرش یعنی چهل درهم است» (موسوی خوئی، مبانی تکملة المنهاج، ۱۳۹۶ق، ج ۲، ص ۴۰۷).

### کیفر و مجازات سقط جنین - کفاره

در تحریرالوسیله آمده: «کفاره به جانی برجین قبل از دمیدن روح تعلق نمی‌گیرد و دیه‌ی کامل و کفاره واجب نیست مگر بعد از اینکه اطمینان حاصل شود که جنین زنده است هرچند با شهادت دو شاهد عادل ماهر باشد». (موسوی خمینی، تحریرالوسیله، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۵۹۸).

اگر جنین به چهار ماهگی رسیده، کفاره جمع نیز بر عهده او می‌آید. (سایت مرحوم لنکرانی). کفاره واجب می‌شود در صورتی که روح در جنین سقط شده دمیده شده باشد. «برای کشتن جنین که روح در آن دمیده شده است، هم چون جنینی که به دنیا آمده است کفاره واجب می‌گردد. جیعی عاملی، الروضة البهیة، ۱۳۹۶ق، ج ۱۰، ص ۲۹۴) در کشتن جنین در تمام مراحل قبل از دمیدن روح کفاره‌ای وجود ندارد؛ زیرا زمانی کفاره بر قتل لازم می‌شود که مقتول زنده بوده باشد. (همان، ص ۲۹۳).

مرحوم خوئی گفته: «اگر سقط جنین قبل از حلول روح باشد کفاره بر جانی نیست، اما اگر بعد از حلول روح باشد، به نظر مشهور فقها کفاره بر جانی واجب است ولی این نظر اشکال دارد و گفتن واجب نبودن کفاره بعید نیست». (موسوی خوئی، مبانی تکملة المنهاج، ۱۳۹۶ق، ج ۲، ص ۴۰۹، ۴۱۰). در کتاب جواهر آمده: «بر جنایتکار نزد ما امامیه کفاره واجب نیست بلکه اجماع بیان شده و به دست آمده بر آن دلالت دارد، زیرا قتل بر آن صدق نمی‌کند با فرض قبل از دمیدن روح، بر خلاف آنچه از شافعی حکایت شده که کفاره را واجب دانسته در آنچه که غره در آن واجب است و از جمله جنین کامل قبل از دمیدن روح نزد او، ضعف این نظر روشن است». (نجفی، جواهر الکلام، ۱۴۰۴ق، ج ۴۲، ص ۳۶۴). صاحب جواهر فرموده: «اگر توسط شخص دیگری جنایت صورت گرفته باشد کفاره واجب است و اشکالی در این نظر نیست زیرا موجب آن تحقق یافته». (همان، ص ۳۶۶).

مرحوم فاضل «زن اگر جنین خود را که از زنا باردار شده سقط کند مرتکب گناه کبیره شده است و اموری را باید انجام دهد: الف) باید فوراً توبه کند. ب) دیه‌ی جنین سقط شده را پرداخت کند. ج) اگر جنین به چهار ماهگی رسیده، کفاره‌ی جمع نیز بر عهده او می‌آید». (سایت مرحوم فاضل لنکرانی).

حنفیه نظرشان بر این است که کفاره مستحب است. (ابن عابدین، حاشیه ابن عابدین، ۱۳۸۶ق، ج ۵، ص ۳۷۷؛ ابن قدامه، المغنی، ۱۹۸۴م، ج ۷، ص ۸۱۶). به نظر مالکیه کفاره مستحب است. (دسوقی، حاشیه الدسوقی، ج ۴، ص ۲۶۸، ۲۶۹؛ خرسی، شرح الخرسی علی مختصر الخلیل، ۱۳۱۶ق، ج ۵، ص ۲۷۴).

شافعیه کفاره را همراه غره واجب دانسته‌اند. (رملی، نه‌ایه المحتاج، ۱۹۳۸م، ج ۴، ص ۹۵). حنبلی‌ها نیز کفاره را به همراه غره واجب دانسته‌اند. (ابن قدامه، المغنی، ۱۹۸۴م، ج ۷، ص ۸۱۶).

در کتاب مغنی المحتاج آمده: دیه‌ی جنین اهل کتاب و مجوس که امان‌نامه دارند، یک دهم دیه‌ی مادرش است، و هم‌چنین است دیه‌ی زن کافر. (شرینی، مغنی المحتاج، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۰۳) به نظر مشهور فقهای اهل تسنن مجازات سقط: دیه، کفاره و محرومیت از ارث است (ابن عابدین، حاشیه ابن عابدین، ۱۳۶۸ق، ج ۵، ص ۳۷۷). کاسانی، بدائع الصنائع، بی‌تا، ج ۷، ص ۳۲۶؛ شربینی، الاقناع، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۰۵).

امام مالک و ابو یوسف کفاره را مستحب دانسته‌اند<sup>۱۰۳</sup>. (ابن عابدین، همان، ۱۳۶۸ق، ج ۵، ص ۳۷۷).

## تحلیل و جمع‌بندی نهایی

۱- جنین دارای حقوق مادی و معنوی است. حقوق مادی جنین عبارت‌اند از: ارث، نفقه، وصیت، هبه، حق شفعه و وقف، فقهای عامه و خاصه، بر سه مورد اول اتفاق نظر دارند، ولی در مورد این که نفقه به خاطر جنین است یا به خاطر مادرش، میان فقها اختلاف نظر است. بعضی از علمای عامه، اجازه‌ی وقف کردن را برای جنین داده‌اند، ولی به نظر فقهای خاصه صحیح نیست. به نظر بعضی از علمای اهل تسنن، هبه به جنین صحیح است، و به نظر بعضی دیگر از علمای اهل تسنن و فقهای شیعه، صحیح نمی‌باشد و گفته‌اند: در هبه، قبض (گرفتن) شرط است که نسبت به جنین امکان ندارد.

تعدادی از اهل تسنن گفته‌اند: جنین حق شفعه دارد، اما علمای شیعه با آن مخالفت نکرده‌اند بهره‌مند بودن جنین از این حقوق، مشروط به موجود بودن جنین و زنده متولد شدن او است.

۲- حقوق معنوی جنین عبارت‌اند از: حق حیات، حق مواظبت و مراقبت و سلامت، حق نسب و حلال‌زادگی، تأخیر انداختن اجرای حد بر مادر جنین، جواز روزه‌خواری مادر او. میان علمای اهل تسنن و تشیع در مورد حقوق معنوی جنین اختلاف نظری وجود ندارد.

۳- بر جنین سقط شده و مادر او احکامی مترتب می‌شود از جمله: سپری شدن عده‌ی زنی که سقط کرده، طهارت و احکام نفاس، کفن کردن جنین سقط شده و غسل او در صورتی که چهار ماهه باشد و اگر صدا بزند بر او نماز خوانده می‌شود.

۴- سقط جنین به حکم عقل و از نظر عقلا امری ناپسند و زشت است جز در موارد ضرورت و سختی که در این هنگام براساس قاعده دفع افسد به فاسد، تقدیم اهم بر مهم و ارتکاب اخف ضررین (برگزیدن سبک‌ترین ضرر) حکم می‌شود.

۵- در صورتی که جان مادر بر اثر ادامه‌ی بارداری مورد تهدید قرار گیرد، به نظر مقام معظم رهبری سقط جنین قبل از دمیدن روح جایز است و بعد از آن جایز نمی‌باشد. و به نظر آیت‌الله سیستانی: اگر ادامه حاملگی ضرر غیرقابل تحمل و مشقت زیادی برای مادر داشته باشد قبل از حلول روح جایز است. آیت‌الله مکارم شیرازی سقط جنین قبل از دمیدن روح در صورتی که خطر مهمی به طور قطع و یقین متوجه مادر شود جایز دانسته است. مرحوم آیت‌الله فاضل لنکرانی در صورتی که بارداری ترس خطر جانی برای مادر داشته باشد، سقط را جایز دانسته است.

آیت‌الله صانعی سقط جنین در صورت سخت بودن بارداری قبل از دمیدن روح قبل از دمیدن روح باشد حرام نمی‌داند. آیت‌الله نوری همدانی سقط را جایز نمی‌داند حتی در صورتی که درمان و معالجه زن حامله به سقط جنین بستگی داشته باشد و تنها اگر جان مادر در خطر باشد مادر می‌تواند سقط کند ولی برای دیگران جایز نیست.

۶- سقط جنین به نظر بعضی از علمای معاصر اهل تسنن اگر بسیار ضروری باشد یا از زنده ماندن جنین نا امید شوند آن را جایز می‌دانند، خواه قبل از چهار ماه یا بعد از چهار ماه باشد. بعضی دیگر از علمای عامه سقط جنین را جایز نمی‌دانند، از جمله ابن عابدین از علمای حنفی مذهب هر چند نجات

جان مادر به آن بستگی داشته باشد. ابن قدامه از علمای حنبلی سقط جنین بعد از دمیدن روح جایز نمی‌داند هر چند ادامه بارداری ترس خطر جانی برای مادر داشته باشد.

۷- در صورتی که جان مادر و جنین هردو، مورد تهدید قرار بگیرند، مقام معظم رهبری به شرط اینکه ناچار به برگزیدن مرگ جنین به تنهایی یا مرگ مادر و جنین هردو باشد اجازه‌ی سقط جنین را داده‌اند هر چند بعد از دمیدن روح باشد. به نظر مرحوم فاضل لنکرانی اگر ادامه بارداری برای هردو مادر و جنین خطر داشته باشد سقط جایز است. به نظر آقای صانعی اگر مجبور به انتخاب بین مرگ مادر یا جنین باشد، مادر می‌تواند خود را معالجه کند هر چند منجر به سقط شود.

بعضی از علمای اهل تسنن در صورتی که سقط جنین تنها راه نجات مادر از مرگ حتمی باشد و ادامه بارداری منجر به مرگ مادر و جنین شود، سقط را جایز می‌دانند گرچه بعد از دمیدن روح در جنین باشد.

۸- در صورتی که جنین نامشروع باشد به نظر آیت‌الله سیستانی اگر بارداری برای دختر بسیار سخت و طاقت‌فرسا باشد، سقط قبل از حلول روح جایز است، اما تنها به دلیل نامشروع بودن جنین بدون سختی سقط را جایز نمی‌باشد. به نظر مقام معظم رهبری، سقط جنینی که با زنا یا با (همخوابی شبه ناک) بسته شده جایز نمی‌باشد و به نظر مرحوم فاضل لنکرانی و آیت‌الله همدانی جایز نمی‌باشد. از نظر آیت‌الله صانعی اگر بارداری نامشروع سخت باشد قبل از دمیدن روح جایز و بعد از حلول روح حرام است. اکثریت مطلق علمای اهل تسنن سقط جنین نامشروع را مجاز ندانستند، بعضی از علمای شافعیه در صورتی که ادامه‌ی بارداری برای زن زناکار سختی و مشقتی داشته باشد و زن توبه کند سقط را جایز دانسته‌اند و بعضی از معاصرین اهل تسنن از جمله قرضاوی و ططاوی سقط جنین نامشروع در صورتی که تجاوز به زن با اکراه و عنف باشد را جایز دانسته‌اند.

۹- سقط جنین به خاطر ناقص‌الخلقه بودن جنین و بیماری‌های ارثی و واگیر، از نظر مقام معظم رهبری تنها به دلیل ناقص‌الخلقه بودن جنین سقط جایز نیست، اما اگر تشخیص بیماری در جنین قطعی باشد و نگهداشتن چنین فرزندی موجب سختی باشد، قبل از دمیدن روح جایز است. به نظر آیت‌الله نوری همدانی، آیت‌الله سیستانی و مرحوم فاضل لنکرانی سقط جنین به خاطر ناقص‌الخلقه بودن جایز نمی‌باشد.



از دیدگاه علمای عامه (جز اکثریت علمای مالکی مذهب) در صورتی که پزشکان متخصص به طور قطع و یقین تشخیص بیماری‌های ارثی خطرناک دهند و نتیجه آن بیماری‌ها باعث مشقت برای فرزند و خانواده شود جایز است.

۱۰- سقطجنین به خاطر کنترل جمعیت و مشکلات اقتصادی از دیدگاه علمای عامه و خاصه حرام است.

۱۱- سقطجنین بدون عذر موجه و ضرورت از دیدگاه علمای عامه و خاصه در تمام مراحل شکل‌گیری جنین حرام است.

۱۲- در روایات و سخنان علما برای سقطجنین (جز در موارد استثنایی مانند موارد سختی و ضرورت) به ترتیب ذیل دیه تعیین شده:

الف- دیه‌ی نطفه که در رحم مستقر شده بیست دینار. ب- دیه‌ی علقه که خون بسته است چهل دینار. ج- دیه‌ی مضغه که به صورت گوشت درآمده است شصت دینار. د- دیه‌ی جنین در مرحله‌ای که به صورت استخوان درآمده و هنوز گوشت نرویده است هشتاد دینار. و- دیه‌ی جنین که گوشت و استخوان‌بندی آن تمام شده و هنوز روح در آن پیدا نشده یکصد دینار. در پنج مرحله فوق هیچ تفاوتی بین دیه‌ی پسر و دختر نیست.

۱۳- به سقطجنین پس از حلول روح در صورتی که عمدی باشد كفاره تعلق می‌گیرد.

۱۴- به نظری بعضی از علما بر سقطجنین در مرحله‌ی نهایی شکل‌گیری و بعد از حلول روح قصاص است، ولی بر اساس روایات و نظر بیشتر فقها مجازاتش دیه کامل است.

۱۵- مراحل شکل‌گیری جنین از منظر قرآن و روایات به صورت ذیل می‌باشد: نطفه که در رحم مستقر شده، علقه که خون بسته است، مضغه که به صورت گوشت درآمده است، استخوان (به صورت استخوان درآمده و هنوز گوشت نرویده است)، به صورت گوشت و استخوان‌بندی آن تمام شده قبل از دمیدن روح و حلول روح در جنین.

۱۶- مدت هر مرحله از مراحل خلقت و شکل‌گیری جنین در روایات اهل تسنن و تشیع مشخص شده. مدت تعیین شده در روایات متفاوت است دسته‌ای از روایات برای هر مرحله ۴۰ چهل روز، دسته‌ای دیگر ۳۰ سی روز و دسته‌ی سوم ۴۲ چهل و دو روز تعیین نموده است و در چند روایت ۴۵ چهل و پنج روز ذکر شده است. زمان حلول روح در جنین بعد از چهار ماه (۱۲۰ روز) است.

۱۷- در روایات، از سقط جنین نهی شده و برای سقط در هر مرحله از مراحل شکل گیری جنین، دیه قرار داده شده است، از این مطلب به دست می آید که سقط جنین در تمام مراحل، بدون ضرورت و سختی حرام است.

۱۸- در روایات و سخنان علما برای سقط جنین، جز در موارد استثنائی مانند موارد مشقت و ضرورت، به ترتیب ذیل دیه تعیین شده است:

الف - دیهی نطفه که در رحم مستقر شده، بیست دینار است. ب - دیهی علقه که خون بسته است، چهل دینار است.

ج - دیهی مضغه که به صورت گوشت درآمده، شصت دینار است.

د - دیهی جنین در مرحله ای که به صورت استخوان درآمده، و هنوز گوشت نرویده، هشتاد دینار است. و - دیهی جنین که گوشت و استخوان بندی آن تمام شده، و هنوز روح در آن پیدا نشده، یک صد دینار است. در پنج مرحله فوق، هیچ تفاوتی بین دیه پسر و دختر نیست.

۱۹- به سقط جنین، پس از حلول روح در صورتی که عمدی باشد، كفاره تعلق می گیرد.

۲۰- به نظر بعضی از علما، حکم سقط جنین در مرحله نهایی شکل گیری و بعد از حلول روح، قصاص است، ولی بر اساس روایات و نظر بیشتر فقها، مجازاتش دیهی کامل است نه قصاص.

۲۱- سقط عمدی جنین پیش از دمیده شدن روح، با توجه به دیدگاه های گوناگونی که از مذاهب مشهور فقهی از جمله بیشتر فقهای معاصر اهل سنت، بیان شده، هنگام تهدید جان مادر نه تنها جایز است، بلکه می تواند واجب باشد، زیرا در تعارض میان زندگی موجود دارای نفس (مادر) و موجودی که فاقد نفس است و شیء نامیده می شود به وجود می آید، و از دست دادن جنین در مقایسه با از دست دادن مادر، زیان کمتری را متوجه جامعه می کند، اما درباره سقط عمدی پس از دمیده شدن روح، بعضی از فقهای معاصر، بر این باورند که بدون عذر معقول اقدام به سقط جایز نیست و بعضی دیگر بدون عذر معقول آن را جایز می دانند.

۲۲- در مورد حرام بودن سقط جنین در صورتی که جنین دارای روح باشد میان شیعه و اهل تسنن اختلافی وجود ندارد، زیرا جنین دارای نفس است و بر اساس تمام آیات و احادیث قتل انسان محسوب می شود.

اما در صورتی که جنین دارای روح نباشد یعنی قبل از دمیدن روح باشد، جمعی از اهل تسنن آن را جایز می‌دانند؛ اما شیعه آن را حرام می‌دانند هر چند در این فرض استثنائاتی نیز وجود دارد. در این مقاله مواردی دیگر مورد بررسی قرار گرفته‌اند از جمله: موردی که مردن جنین قطعی باشد، موردی که بقای جنین موجب مرگ مادر شود و سقط جنین ناشی از زنا.

۲۳- حکم سقط جنین از نظر مذاهب اهل تسنن به شرح زیر است:

الف) فقهای شافعیه دو نظریه دارند:

نخستین نظریه می‌گوید سقط جنین بعد از استقرار نطفه در رحم اگر چه قبل از اتمام چهل روز باشد حرام است.

دوم عده‌ای دیگر از جمله ابواسحاق مردوی با استناد به نظریه ابوحنیفه، سقط جنین را در مرحله نطفه و علقه مورد چشم‌پوشی قرار داده‌اند و با عذر شرعی سقط آن را جایز دانسته‌اند، اگر چه امام محمد غزالی سقط نطفه بعد از لقاح را در هر مرحله‌ای باشد حرام می‌داند.

ب) از نظر فقهای حنفی، سقط جنین قبل از دمیدن روح در آن یعنی قبل از گذشت چهار ماه بر آن امکان‌پذیر است، اگر چه فقیهان این مذهب سقط جنین را قبل از دمیدن روح حرام ندانسته‌اند.

ج) از نظر مذهب مالکیه: خارج ساختن نطفه ترکیب یافته با تخمک زن بعد از لقاح را هر چند قبل از گذشت چهل روز باشد جایز نمی‌دانند و حالت عذر را هم استثنا ننموده‌اند.

د) از نظر مذهب حنبلی: فقهای این مذهب سقط جنین را با گذشت بیشتر از چهل روز بر آن جایز نمی‌دانند.

ه) از نظر فقهای ظاهری: این‌ها سقط جنین را در هر شرایطی جایز نمی‌دانند و هیچ عذری را برای سقط جنین موجه نمی‌شمارند.

۲۴- در صورتی که جان مادر بر اثر ادامه‌ی بارداری مورد تهدید قرار گیرد، به نظر مقام رهبری سقط جنین قبل از دمیدن روح جایز است و بعد از آن جایز نمی‌باشد. و به نظر آیت الله سیستانی اگر ادامه حاملگی ضرر غیرقابل تحمل و مشقت زیادی برای مادر داشته باشد، سقط قبل از حلول روح جایز است. آیت الله مکارم شیرازی سقط جنین را قبل از دمیدن روح در صورتی که ادامه بارداری خطر مهمی به طور قطع و یقین متوجه مادر کند جایز دانسته است. مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی هم در صورتی که بارداری ترس خطر جانی برای مادر داشته باشد، سقط را جایز دانسته است. آیت

الله نوری همدانی سقط را جایز نمی‌داند حتی در صورتی که درمان و معالجه زن حامله به سقط جنین بستگی داشته باشد، و تنها اگر جان مادر در خطر باشد مادر می‌تواند سقط کند ولی برای دیگران جایز نیست.

برخی از علمای معاصر اهل سنت معتقدند اگر سقط جنین بسیار ضروری باشد یا امیدی به زنده ماندن جنین نباشد، سقط جایز است، خواه قبل از چهار ماه باشد یا بعد از چهار ماه. بعضی دیگر از علمای عامه سقط جنین را جایز نمی‌دانند، هر چند نجات جان مادر بر آن متوقف شود. مانند ابن عابدین از علمای حنفی مذهب و ابن قدامه از علمای حنبلی.

۲۵- در صورتی که جان مادر و جنین هردو، مورد تهدید قرار بگیرند، مقام معظم رهبری معتقدند که اگر مجبور به انتخاب مرگ جنین به تنهای یا مرگ مادر و جنین هردو باهم باشند هر چند بعد از دمیدن روح باشد سقط جایز است نظر مرحوم فاضل لنکرانی اگر ادامه بارداری برای هردو، مادر و جنین خطر داشته باشد سقط جایز است. بعضی از علمای اهل تسنن در صورتی که سقط جنین تنها راه نجات مادر از مرگ حتمی باشد و ادامه بارداری منجر به مرگ مادر و جنین شود، سقط را جایز می‌دانند اگر چه بعد از دمیدن روح در جنین باشد.

۲۶- برخی از علمای شافعی نظرشان بر این است که اگر ادامه بارداری برای زن زنا کار سختی و مشقت زیاد و آشکار دارد، اگر توبه کند سقط جنین جایز است و بعضی از معاصران اهل تسنن از جمله قرضاوی و طنطاوی سقط جنین نامشروع را در صورتی که تجاوز به زن با اکراه و عنف باشد سقط جایز دانسته‌اند.

۲۷- اگر چه فتاوی فقها در مسأله سقط جنین معمولاً همراه با ارائه مستندات عقلی و نقلی نیست، اما آیات و روایاتی وجود دارد که مبنای اجتهاد در این زمینه واقع می‌شود. هم چنین توجه به قواعد فقهی مانند ارتکاب اخف ضررین، دفع افسد به فاسد و قاعده عسر و حرج نیز زمینه ساز صدور جواز سقط جنین در موارد خاص می‌گردد.

## منابع

- ١- ابن تيمية، احمد، الفتاوى الكبرى، بيروت، دارالمعرفة، ١٤٠٩ق.
- ٢- ابن حزم اندلسي، على بن احمد بن سعيد، المحلى، مصر، مكتبة الجمهورية العربية، ١٩٦٧م.
- ٣- ابن رجب حنبلي، عبدالرحمن بن شهاب الدين، جامع العلوم والحكم، مؤسسة الرسالة، ١٤١٣ق.
- ٤- ابن رجب حنبلي، عبدالرحمن بن شهاب الدين، قواعد ابن رجب، بيروت، الكتب العلمية، ١٤١٣ق.
- ٥- ابن رشد قرطبي، محمد بن احمد، بداية المجتهد ونهاية المقتصد، مصر، مطبعة مصطفى بابي الحلبي واولاده ١٣٩٥ق. وچاپ ١٩٨٥م.
- ٦- ابن سينا، ابوعلی حسین، القانون فی الطب، بيروت، دارصادر.
- ٧- ابن عابدين، محمد امين، حاشية ابن عابدين، بيروت دارالفكر.
- ٨- ابن قدامة، عبدالله بن احمد، المغنى، بيروت، عالم الكتب.
- ٩- ابن قيم جوزية، محمد، اعلام الموقعين عن رب العالمين، لبنان، دارالكتب العلمية، ١٤٠٨ق.
- ١٠- ابن قيم، زاد المعاد، لبنان، دارالكتب العلمية، ١٤٠٧ق.
- ١١- ابن كثير، تفسير ابن كثير، تحقيق سامي سلامة، دارطبعة، ١٤١٨ق.
- ١٢- ابن ماجه، محمد بن يزيد قزويني، سنن ابن ماجه، دارالجيل، ١٤١٨ق.
- ١٣- ابن منذر، الاجماع، تحقيق فؤاد عبدالمنعم، طبعة رئاسة محاكم قطر، ١٤٠٧ق.
- ١٤- ابن نجار حنبلي، محمد بن احمد فتوحى، منتهى الارادات، مصر، مكتبة دارالعروبة.
- ١٥- ابن نجيم، زين الدين، البحر الرائق، مصر، المطبعة العلمية، ١٣١١ق.
- ١٦- ابن همام حنفي، محمد بن عبد الواحد، شرح فتح القدير، مطبعة مصطفى البابي، ١٣٨٦ق.
- ١٧- انصارى قرطبي، ابو عبدالله محمد بن احمد، الجامع لاحكام القرآن، بيروت، داراحياء التراث العربى، ١٤٠٥ق/١٩٨٥م.
- ١٨- انصارى، زكريا، اسنى المطالب، داراحياء الكتب العربية.
- ١٩- بار، محمد، الجنين المشوه والامراض الوراثية، دارالقلم، ١٤١١ق.

- ۲۰-بخاری، ابو عبدالله اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۲ق.
- ۲۱-بوطی، محمدسعید، تحدید النسل وقایة وعلاج، دمشق، مکتبة الفارابی.
- ۲۲-بهوتی، منصور بن یوسف، منتهی الارادات، مطبعة انصار السنة المحمدية.
- ۲۳-یهقی، احمد بن الحسین، السنن الکبری، بیروت، دارالمعرفة.
- ۲۴-ترمذی، محمد بن عیسی، الجامع الصحیح، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ۲۵-جبعی عاملی، زین الدین، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم، انتشارات علمیة، ۱۳۹۶ق.
- ۲۶-جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش.
- ۲۸-حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تصحیح عبدالرحیم الربانی الشیرازی، طهران، المکتبة الاسلامیة، ۱۴۰۱ق.
- ۲۹-حکیم، عبدالهادی محمدتقی، فقه برای غرب نشینان مطابق با فتاوی آیت الله العظمی علی سبستانی، ترجمه سید ابراهیم سید علوی، قم، انتشارات دفتر آیت الله سیستانی، ۱۳۷۹ش.
- ۳۰-حلی، محمد ابن ادریس، السرائر، قم، مکتب النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
- ۳۱-حلی، جعفر بن الحسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، نجف، مطبعة الاداب.
- ۳۲-حلی، حسن بن یوسف، تبصرة المتعلمین فی احکام الدین، قم، منشورات دار الذخائر، ۱۴۱۰ق.
- ۳۳-حلی فخرالمحققین، ابوطالب، ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد، طهران، بنیاد فرهنگ اسلامی.
- ۳۴-خامنه‌ای، سیدعلی، رساله اجوبة الاستفتاءات، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل وابسته به مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ سی و یکم، ۱۳۸۵ش.
- ۳۵-خرشی، ابو محمد عبدالله بن محمد، شرح الخرشی علی المختصر الجلیل، مصر، المطبعة العامرة، ۱۳۱۶ق.
- ۳۶-دردیر، احمد بن محمد، الشرح الکبیر (منح القدير علی مختصر خلیل)، مصر، مطبعة عیسی البابي.
- ۳۷-دسوقی، شمس الدین محمد عرفة، حاشیة الدسوقی علی الشرح الکبیر، داراحیاء الکتب العربیة.
- ۳۸-رازی، محمد بن زکریا، الحاوی فی الطب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
- ۳۹-رملی الانصاری، شمس الدین محمد بن ابی العباس، نهاية المحتاج، القاهرة، مطبعة مصطفى الحلبي، ۱۳۸۶ق.

- ٤٠- زحيلي، وهبة، الفقه الاسلامي وادلته، دمشق، دارالفكر، ١٩٧٧م.
- ٤١- زمخشري، محمود بن عمر، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، بيروت، دارالكتاب العربي، ١٤٠٧ق/١٩٨٧م.
- ٤٢- زيعلي حنفي، فخرالدين عثمان بن علي، تبين الحقائق شرح كنزالدقائق، دارالكتاب الاسلامي.
- ٤٣- سرخسي، ابوبكر محمد بن احمد، المبسوط، بيروت، دارالمعرفة، ١٤٠٦ق.
- ٤٤- سلال ديلمى، ابن علي حمزة بن عبدالعزيز، المراسم العلوية ضمن مجموعة الينابيع الفقهية.
- ٤٥- سيستاني، سيدعلي حسيني، منتخب توضيح المسائل، قم، انتشارات دفتر آيات الله العظمى سيستاني، چاپ دوم، ١٤٢٠ق.
- ٤٦- سيوري، مقداد بن عبدالله، كنزالعرفان في فقه القران، طهران، المكتبة المرتضوية لاحياء الآثار الجعفرية، ١٣٨٥ق.
- ٤٧- سجستاني، ابوداود سليمان بن الاشعث، سنن ابي داود، طبعة منصورالبابي الحلبي، ١٤٠٣ق.
- ٤٨- شرييني، محمد، مغنى المحتاج الى معرفة معانى الفاظ المنهاج، دارالكتب العلمية، ١٤١٥ق.
- ٤٩- شرييني، محمد، الاقناع، القاهرة، مطبعة عيسى الحلبي.
- ٥٠- شلتوت، محمود، الفتاوى الاسلامية، القاهرة، ١٩٦٢م.
- ٥١- شوكانى، محمد بن علي، نيل الاوطار، القاهرة، مكتبة الكليات الازهرية.
- ٥٢- صانعي، يوسف، احكام بانوان، قم، انتشارات ميثم تمار، چاپ هيجدهم، ١٣٨٦ش.
- ٥٣- صانعي، يوسف، استفتاءات قضايي، تهران، نشرميزان، ١٣٨٤ش.
- ٥٤- صدوق ابن بابويه قمى، محمد بن علي، المقنع، قم، مؤسسة الامام الهادى، ١٤١٥ق.
- ٥٥- صدوق، ابن بابويه قمى، محمد بن علي، من لا يحضره الفقيه، طهران، دارالكتب الاسلامية.
- ٥٦- طبرى، محمد جريز، تفسير الطبرى، مصر، مطبعة البابى الحلبي، ١٣٨٨ق.
- ٥٧- طرابلسي (الحطاب)، ابو عبدالله محمد بن محمد بن عبدالرحمن، مواهب الجليل شرح مختصر الخليل، ليبيا، مكتبة النجاح.
- ٥٨- طوسى، ابو جعفر محمد بن الحسن، تهذيب الاحكام، تحقيق السيد حسن الموسوى الخرسان، نجف، دارالكتب الاسلامية، ١٣٨٢ق/١٩٦٢م.

- ۵۹- طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران، نشر صدوق، ۱۳۷۴ش/ ۱۴۱۷ق.
- ۶۰- عباس شومان، إجهاض الحمل وما یترب علیه من احکام فی الشریعہ، قاهرہ، الدار الثقافیہ للنشر، ۱۴۱۹ق.
- ۶۱- عسقلانی ابن حجر، شهاب الدین احمد بن علی، بلوغ المرام، مصر، دار الحديث، ۱۹۷۹م.
- ۶۲- عمر محمد غانم، احکام الجنین فی الفقه الاسلامی، دارالاندلس، ۱۳۲۱ق.
- ۶۳- فاخوری، حنا، تاریخ ادبیات زبان عربی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، انتشارات توس، ۱۳۸۲ش.
- ۶۴- فتحیه مصطفی عطوی، الاجهاض بین الشرع والقانون والطب، بیروت، مکتبه صادر، ۲۰۰۱م.
- ۶۵- فیروز آبادی شیرازی، ابراهیم بن علی، المذهب فی فقه الامام الشافعی، مصر، مطبعی عیسی البابی الحلبي وشرکائه.
- ۶۶- فیض، علیرضا، مبادئ فقه واصول، چاپ دهم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸ش.
- ۶۷- فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، تصحیح حسن الهادی حسین، دارالعصور، ۱۳۷۴ق/ ۱۹۲۹م.
- ۶۸- قدیانی، عباس، تاریخ ادیان ومذاهب در ایران، تهران، انتشارات فرهنگ مکتوب، ۱۳۸۱ق.
- ۶۹- قرضاوی، یوسف، فتاوی معاصره، دارالوفاء، چاپ دوم، ۱۴۱۵.
- ۷۰- کاسانی، علاء الدین ابی بکر بن مسعود، بدائع الصنائع، انتشارات زکریا علی یوسف.
- ۷۱- کلینی رازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الفروع من الکافی، طهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ش.
- ۷۲- مالک بن انس، المدونه الکبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- ۷۳- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- ۷۴- مجموعه مقالات سمینار میان رشته ای سقط جنین، جمعی از نویسندگان، تهران، نشر مشترک سازمان سمت و پژوهشکده ابن سینا، ۱۳۸۶ش.
- ۷۵- مدیرشانه چی، کاظم، علم الحديث، چاپ شانزدهم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۳۸۱ش.



۷۶- مرداوی، علاءالدین ابی الحسن بن سلیمان، الانصاف فی معرفة الراجح من الخلاف، مطبعة السنة المحمدية، ۱۳۷۵ق.

۷۷- مصباح یزدی، محمدتقی، معارف قران، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۰ ش.

۷۸- مکارم شیرازی، ناصر، توضیح المسائل، قم، مطبوعات هدف، ۱۳۷۲ش.

۷۹- منذری، زکی الدین عبدالعظیم، الترغیب والترهیب، مصر، مكتبة شباب الازهر.

۸۰- الموسوعة الفقهية الكويتية، وزارة الاوقاف والشئون الاسلامية، كويت، چاپ دوم، ۱۹۸۶م/ ۱۴۰۷ق.

۸۱- موسوی خمینی، روح الله، تحرير الوسیله، نجف، مطبعة الاداب، ۱۳۹۰ق.

۸۲- موسوی خوئی، ابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج، قم، المطبعة العلمية، ۱۳۹۶ق.

۸۳- موسوی خوئی، ابوالقاسم، منهاج الصالحین، قم، انتشارات مهر، ۱۴۱۰ق.

۸۴- موسوی خوئی، ابوالقاسم، رساله توضیح المسائل، قم، چاپخانه علمیه، ۱۳۹۵ق.

۸۵- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، تصحیح و تحقیق رضا استادی، تهران، المكتبة الاسلامية، ۱۴۰۴ق. و چاپ ۱۳۹۶ق.

۸۶- نسائی، ابو عبد الرحمن بن شعیب، سنن النسائی، مصر، مطبعة البابي الحلبي، ۱۹۶۴م.

۸۷- نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل، قم، تحقیق مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ق.

۸۸- نیسابوری، مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم بشرح النووی، مصر، المطبعة المصرية بالازهر، ۱۳۴۷ق.

۸۹- وطنی، امیر، پژوهش نامه متین، کیفر سقط جنین و ضرورت اصلاح ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی، سال ششم، شماره ۲۴، ۱۳۸۳ ش.

سایت های اینترنتی:

۱- سایت مرحوم فاضل لنکرانی (استفتاءات [www.lankarani.net](http://www.lankarani.net)).

۲- سایت آیت الله مکارم شیرازی (استفتاءات [www.makarem shirazi.com](http://www.makarem shirazi.com)).

۳- سایت آیت الله نوری همدانی (استفتاءات [www.noorihamedani.com](http://www.noorihamedani.com)).

۴- [www.hoqouq.com](http://www.hoqouq.com).

۵- [www.zendegimagazin.com](http://www.zendegimagazin.com) سایت ارکان سراسری کانون هموفیلی ایران

